



D.1616RF)

P. Cal. 62

Cal. Coll. 62  
(P)



گنج مارچ



sl.no 029309



<p>گوشت و سنو از بان گویاست زو جلوه او شد عیان بر روی گل خوان قبر آن قیل بود اندام کن نظر سر و رخسار درین</p>	<p>دیده اهل نظر نیست زو بوی اوید است اندر بوی گل بی زن و فرزند الله الصمد تا نظیر آید ترا نور یقین</p>
<p>سد کونین ختم الانبیا باج گرفت از سلطان تاج او نادی گم گشتگان گمر بان حامی دین و شفیع المذنبین چتر لولاک است زیبا بر سرش از احد کرد دست این احمد ظهور از میانش میم چون برداشته در شناسش از زمین تا آسمان نام نامیش محمد مصطفی صد صلوة و صد درد و صد سلام</p>	<p>در نعت سرور کائنات خلاصه مودع احمد مرسل محمد مصطفی تاجه اوان جان محتاج او خانه دار خانه نمکون و مکان ابر رحمت رحمة للعالمین خلعت الارسل اندر برش نور عین آمد عیان از عین نور ذات احمد را احد نگاشتند هست بر اهل زبان ملک اللسان ده چه خوش نام نه اصل علی باد بر روحش الی یوم الیام</p>
<p>اولا صدیق آن والا همسم صادق و اصدق محب کبریا شاهد اوصاف قرآنش است و آن عمر و الا که غازی دین بنده حق اهل حق حق الیام بر کلامش منطق الحق شد دلیل در جهان شد عزت اسلام زو حضرت عثمان شه اهل صفیا مخزن انوار و ذوی النورین او</p>	<p>در مدح هر چهار صاحب کبار حضرت سید ابرار علی الله علیه وسلم کان صدق و مخزن لطف و کرم یار غار مصطفی با صد صفیا اوهامی الغار در نشانش است بعد پیغمبر را جانشین از زبانش حق عیان گشتی پیام هست این قول نبی بی قائل و فکر یافت دین حق بعالم نام زو جانشین ثالث خید الورا آفتاب دین شه کونین او</p>

<p>شاه و الاجاه با سلم و جیا ابن عسک احمد متجرا رلود والی عالی علی المرتضی پادشاه دین سخی متقی</p>	<p>جمع البحرین در یاسه سخا خیدر صفدر شه کترار بود پهلوان شیر دل شیر خدا عاشق الله و محبوب بنی</p>
<p>در تشریح و تقسیم این کتاب که بهشت مخزن متقسم است یافته این گنج تاریخ اطعام داوده ام این گنج خود را افتخار طرفه تر در نظم گوهر شفته ام ماند این مخزن ز سرور یادگار گنج تاریخ آمده اندر حساب تا بیابی حصه بے دست برنج گشت در ذکر شه خیر الانام شد در و ترقیم ای عالی وقار نتم شد گنج غنچین و السلام در بیان اولیا کس قادی بره کر خاندان اهل حشت ذکر خیر اولیا کس نقشند شرح حال سحر در دیه بیان مفتین ذکر کرب و عار فاق یافت زایشان گنج تاریخ افتخار کرده ام در یازده حصه رقم بخره زوداد ام بنی اسیر را شد بنی عباس را در وی بیان شد در و ذکر شهان غر لوسی گشت در وی ذکر غوریه رقم</p>	<p>بر ذکر خیر پیران کرام نیز در ذکر سخنان باوقار جاسج تاریخ هر یک گفته ام در هزار و دویست و شصت و ده نام تاریخ زهر این کتاب کرده ام تقسیم اندر هشت گنج مخزن دل رقم ای تنیک نام نیز سال فوت اصحاب کبار باز در ذکر امامان کرام گنج ثانی شد بهای ای اغی گنج ثالث آمد ای نیکو سرشت در چهارم شد بطور ذل سپند کرده ام در مخزن غم عیان گنج ششم است در مشغولات هشتمین ذکر سخنان باوقار گنج نهم تر است ای دالاهم حصه اول جو کردم ابتدا حصه ثانی جو شد از من عیان حصه ثالث زد روی الکی حصه چهارم جو آمد بر قلم</p>

سکه تاریخ

نہایت اہم و مستحق توجہ ہے۔  
 حضرت مولانا صاحب دہلوی نے فرمایا ہے کہ  
 اگرچہ یہ کتابیں بہت پرانی ہیں مگر ان میں  
 جو باتیں لکھی ہیں وہ سب سچ ہیں۔



[illegible][illegible]



بن اوسمان توفیق نمود و از  
بازو دستان برین خلق دست  
بجست و اوست و عهد نام مشهوره  
از قصد مدبران که عهد و میثاق  
وین باب اختلاف است بعضی  
میفرمایند که عهد با یاسع سعادی  
با یاسی برید بعد از آن قول اول  
که عهد با عبد الرحمن بن سعد  
آن است و چون بعد از آن  
چون بعد از آن عهد خود کرد و در  
عیات بنی راولی عهد خود کرد و در  
۱۲۰

<p>شاه غازی پسوان شقی          شد از دل معلی شد علی          باشد و تاریخ وصلش منجلی          یافت آن صورت مولی گوی          یافت از سال فوتش آگهی          از وفاتش ماند بیدل گدای          یا علی بوی علی مولی علی</p>	<p>حامی دین و دمه مصطفی          گشت چون از فرش بر پیشین          نیز گفتم رفت محبوب از زمان          بنده حق رفت چون برین مهر          از زمین خویش رفت زیب ادب          بود ذات او دل بر اهل دل          از دل و جان و در و کن سرور مدام</p>
<p>شیریز دانی علی المرغنی          از دل سرور چنین آمد ندا          رفت از عالم حبیب الا دلیا</p>	<p>چون شهادت یافت با صدیق شری          پیر سال انتقال آن جناب          صاحب از عالم سفر کرد بدین رخ</p>
<p>احسن دین محسن و در زمان          قره العین بنی و د جهان          عدل بی جان ماند و شد آگاه جهان          گشت تاریخ وصال او عیان          بادا باشد زمین و آسمان</p>	<p>جمع خلق حسن حضرت حسن          نور چشم حضرت خیر النساء          رفت چون از دار دنیا گشتال          کامل و ملک ز عالم چون رفت          رحمت حق بر روان پاک او</p>
<p>نور چشم علی و لے زمان          پس پنج بهشت سال رحلت آن          ماند بی یار سر نشود در آن          بهشت گل سال رحلتش شایان</p>	<p>محسن دین حسن امام جهان          چون محب جناب نبوی نود          نیز گو سال رحلت آن شاه          چون گل باغ جنت است حسن</p>
<p>آن محب ذوالنن شاه حسن          ماند خالی آه از او آگهی زمین</p>	<p>چون ز دینای دنی سموم رفت          گفت دل اسلام از آفاق رفت</p>



[illegible]

<p>تاریخ شہادت امام الحجتی شہید کہ باسید الکوینین ابامحم حسین رضی اللہ عنہ کہ در سال شصت یا شصت و یک سنہ ہجری قمری آمد</p>	<p>تقدیر ای زمرہ اہل بیت روح پاکش رفت بآخرش میں گفت رضوان رفت آلی آرز زمین ہم بگوز آفاق شد محبوبین ناگنی حاصل وصالش بافقین گفت سر و سال اصل اچنین</p>
<p>شہ معلوم سید الطہیقین رفت چون از جہان خرق ملال سال ترحیل و سے نکودانی اوست محبوب حق مجب ازل سال ترحیل آن شہ کوئین سال وصالش عجب شدت عیان بکن رقم حسہ باختلاف امم سال ترحیل آن شہ اعظم گو جان رعلتش موید خواہ</p>	<p>بادشاہ زمانہ شاہ حسین یافت با ذات حق کسان سال گر تو واسلے خود بیر خواہی سال وصالش بگو جب ازل آمدہ آخرین دو حرف حین قبلہ دین رفت از دوران زبدہ دین رفت از عالم ہست شد بی نیاز از عالم نیز نمود و د و بندہ دل آگاہ</p>
<p>تاریخ ولادت و وفات انام المؤمنین علی الملک بن العابدین در سال سی و ہشت و وفات در سال نود و چار یا نود و پنج بوقوع آمدہ بود</p>	<p>بود محبوب جناب ذوالجلال وصل سے عجب و عزیز باکمال عابد زاہد و گرامی خوش خصال سید قطب و گرامی تاریخ سال</p>
<p>سید دین شاہ زین العابدین زاہد قطب بگو تو لید او ہلوان و انجم و دالاحباب سید مادی و آب زندہ گئے</p>	<p>قطب ماسی</p>

صواعق وی را و زندان کرد باز سر در بطحای موی کرد و شهید ساخت



آب انام خلق و مقبول الہ

[illegible]



بن حسن بن علی بن اسطخر  
بود و سه روز پیش از این  
علوی فاطمی میخواستند که  
امام سوم است از امام اربعه  
پس نیست اول در مدینه منوره  
کسب علوم از امام مالک و محمد بن  
جوهر و از امام محمد شافعی  
امام اعظم فحمت داشت و پیغمبر  
نمود و ولادت وی بمقام غز  
بقوی در عتقان و بقوی در سواد  
وفات بر روز جمعه سلیمان ماه ربیع  
در آنه مصر بوقوع آمد و ذات  
بابرکات و سه دیبای قضا  
بود که بر سه زمین جاری شد  
خفتی بسیار و طلبا و بیشتر از دست

و سے خواہد علوم دینی و دنیاوی  
بافتند ۱۲ قسم است  
۱۳ دو سے امام است  
از امیه اثنا عشر کتب است  
ابو الحسن چون کتب پدر کے  
کاظم و نام نامی ولی علی لقب  
بر صاست و لاوت وی در مدینه  
سنورہ بروز شنبہ یازدهم  
ربیع الآخر و وفات در کوفہ  
کوس بقام تو بنیایا تباریم  
نهم رمضان المبارک نو فورم  
و انتخاب را یغذامون کشید  
عباسی و لیحد خود ساخت  
و سے خلفان از بعد او

محمد شافعی کو والی ملک خان آباد	بنیاد پیش جامع علم زمین و آسمان
ولی اللہ والاسال تولید شد رقم درم	ولی اللہ محمد سنہ ترحیلش عیان آمد
جب اصیفا کر دم رقم سال وصال	کہ ذات او امام و مقتدا می در جهان آمد
بارخ دلاوت و وفات امام علی رضی بوسی کاظم کہ دلاوت و دمی سال کعبہ	نجاه و دو و یاسہ و وفات دمی در سنہ و دوحہ و سہ مانج ایش داشت باقیال عظماء
سید افضل و امام حسام	عالم دفاضل و فقیہ علی
سال تولید است محی الدین	رحلتش سید و چہ علی
آن امام علی رضا موسی	قرہ دیدہ بنی و علی
طالب عالی است تولیدش	رحلتش شو امام دین بنی
آن امام حق علی موسی رضا	آنکہ گشت از دمی میان بنی

در طلب زهر با حضرت از دروازه خلیفیم در بندار باران شد و در میان راه  
در آنجا دست رسیده و در آنجا از دروازه خلیفیم در بندار باران شد و در میان راه  
در آنجا دست رسیده و در آنجا از دروازه خلیفیم در بندار باران شد و در میان راه





[illegible][illegible]





۱۶

[illegible]

که ز عظمای دین و دولت  
صفت او داشت که در هیچ  
عقلیت حاصل که در هیچ  
و الهی حسن از هر چه  
ویرانید به پیش از آنکه  
ما چون می شناسد و در کار  
و بهیچان و بهیچان

شیخ است قدوه او ایام زمان



ابن دل بختی است تاریخش	هم حمایت ز خاوه کرد ظهور
تاریخ وفات شیخ بقا قدس سره که در سال پانصد و پنجاه و سه بوقوع آمد	چون بقا با صد نزاران جور
سال ترحیلش ز سرور شد رقم	زنده آفاق قطب الحق بقا
هم بتاریخ و جمال آسجانات	و آنکه ارشاد باشد مدعا
پس فتنه زنده و دله بر سر	سال وصل آن ولی الاقیما
تاریخ وفات شیخ علی بن هبیتی که در سال پانصد و شصت و یک بوقوع آمد	عکله رستم نامی خفی و جلی
عکله رستم نامی خفی و جلی	علی راز دار علی و بنی
بگو کامل عشق ترحیل او	دگر بود مقبول دوران علی
قطعه نامی	
طالب حق شاه علی ولی	رفت جوزین و پیر خلد برین
سال دصالش جو بخت مزل	گفت علی عالم حکم یقین
قطعه ثالث	
رفت بر عرش چون زفرین یز	شاه عرش سستان علی و آ
سرور زار سال ترحیلش	گفت شاه زمان علی والی
قطعه رابع	
بخت چون رخت سفراز دار کوا	شاه عالمی حضرت مولی علی
گوشت گیسو است و دگر دانتور	سال وصل آن دله مقفی
تاریخ ولادت و وفات حضرت عوث الاعظم شیخ سید ابو محمد محی الدین عید بقا	
گیلانی کرد ولادت آسجانات در سال چارصد و هفتاد و یک و وفات	
در سنه پانصد و شصت و یک یا شصت و دو بوقوع آمد	
عزال حمدری و حمزا و لا حین	عید قادر شاه محی الدین ولی سرآرد
دوست و عاشق و عاشق و عاشق	سال تولدش دگر محبوب سلطان
باز از دل گشت محی الدین نورانی دم	نیز محی الدین بحر حق تولدش گمیر
از تحال پاک او سلطان عبد القادر	عاشق کاملی دگر حمدری ولی الله

تاریخ وفات شیخ بقا قدس سره که در سال پانصد و پنجاه و سه بوقوع آمد  
چون بقا با صد نزاران جور  
سال ترحیلش ز سرور شد رقم  
هم بتاریخ و جمال آسجانات  
پس فتنه زنده و دله بر سر  
تاریخ وفات شیخ علی بن هبیتی که در سال پانصد و شصت و یک بوقوع آمد  
عکله رستم نامی خفی و جلی  
علی راز دار علی و بنی  
دگر بود مقبول دوران علی  
قطعه نامی  
طالب حق شاه علی ولی  
سال دصالش جو بخت مزل  
قطعه ثالث  
رفت بر عرش چون زفرین یز  
سرور زار سال ترحیلش  
قطعه رابع  
بخت چون رخت سفراز دار کوا  
گوشت گیسو است و دگر دانتور  
تاریخ ولادت و وفات حضرت عوث الاعظم شیخ سید ابو محمد محی الدین عید بقا  
گیلانی کرد ولادت آسجانات در سال چارصد و هفتاد و یک و وفات  
در سنه پانصد و شصت و یک یا شصت و دو بوقوع آمد  
عزال حمدری و حمزا و لا حین  
دوست و عاشق و عاشق و عاشق  
باز از دل گشت محی الدین نورانی دم  
از تحال پاک او سلطان عبد القادر

است عید القادر محی الدین عید بقا  
بخت چون زفرین یز  
سرور زار سال ترحیلش  
قطعه رابع  
بخت چون رخت سفراز دار کوا  
گوشت گیسو است و دگر دانتور  
تاریخ ولادت و وفات حضرت عوث الاعظم شیخ سید ابو محمد محی الدین عید بقا  
گیلانی کرد ولادت آسجانات در سال چارصد و هفتاد و یک و وفات  
در سنه پانصد و شصت و یک یا شصت و دو بوقوع آمد  
عزال حمدری و حمزا و لا حین  
دوست و عاشق و عاشق و عاشق  
باز از دل گشت محی الدین نورانی دم  
از تحال پاک او سلطان عبد القادر

سرور عالم صلی الله علیه وسلم یافت بظاهر خرقه خلافت از شیخ ابو سعید پوشید و جنبی نرسید بود و آسجانات





تاریخ وفات پیر شرف الدین صلی علیہ السلام

تاریخ وفات پیر شرف الدین صلی علیہ السلام	تاریخ وفات پیر شرف الدین صلی علیہ السلام
شیخ شرف الدین جعفر اندر جان	سال اصل آن شه اهل کمال
مکن رتسم مسعودید چشمو	مقی پاک مسم سال وصال
ذات پاکش بود میر عاقبت	عاقبت شد عاقبت تاریخ سال
تاریخ وفات شیخ صدوقه بنیادی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود	تاریخ وفات شیخ صدوقه بنیادی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود
امام جهان صدقه پیر کبر	فدا کرد در عشق حق جان و تن
ز سر در حق سال و شش سو	در صدقه صادق امام زمین
تاریخ وفات شیخ محمد سیح قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود	تاریخ وفات شیخ محمد سیح قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود
بو عمر آن خون نوز خند	شد چو در خلد برین منزل کزین
سال و شش سو عمر او نوجوان	نیز فیض باطلع نور یقین
ارستاش آفتاب کمال است	نیز سیر جسته ای اهل دین
تاریخ وفات شیخ محمد الادانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود	تاریخ وفات شیخ محمد الادانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود
چون محمد از جهان بالطف حق	گشت در فردوس دالایره یاب
رحمتش سرور آفتاب شد بیان	نیز شد روشن محمد آفتاب
باز سال ارتحال پاک او	ای اهل تسلیم آمده اندر حجاب
تاریخ وفات شیخ ابوسعود بن شلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود	تاریخ وفات شیخ ابوسعود بن شلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود
شیخ ذبی رفته پیر عالمگیر	بودند دانه بود در بدنه حق
عاشق حق مگو بر حلت او	هم شه بود سوخو ز بدنه حق
تاریخ وفات شیخ حیات خیرانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود	تاریخ وفات شیخ حیات خیرانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود
چون سفر کرد از جهان فنا	در جهان مهدی زمانه حیات
رحمتش بسع حیات مگو	هم سخو آن مهدی زمانه حیات
چهار آفتاب حیات شدین	چراز دنیا بر جنت گشت پیدا
نه آشد از دم آسودن تابش	وگر آمد میان شمس العلوی
تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود	تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و پنج بود

تاریخ وفات پیر شرف الدین صلی علیہ السلام

تاریخ وفات پیر شرف الدین صلی علیہ السلام

تاریخ وفات پیر شرف الدین صلی علیہ السلام

[illegible][illegible][illegible]





۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

تاریخ وفات سید امام عبداللہ یافعی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری بمقام	آن امام یافعی نورالہ	بود اندر یک یک قطب الہی
ہم رقم کن زاد ہجری شہت	تا شصت و دو سال رحلتش	کا شصت و دو سال امام یافعی
اہل دل محمد دوم ہم گرد و عمان	ہم دلی بوسعدت یافعی	ہم شہت شاہ عزیز استای ولی
تاریخ وفات سید عبدالملک بہا کبری کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری بمقام	مقتدا ای دو جان عبدالملک	ہادی و مہدی امین سید شریف
رحلتش خزان مقتدا پیر زمان	نیز کمال اہل دین سید شریف	تاریخ وفات سید عبدالواسع بہا کبری قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری بمقام
عبد واسع سید ہر دوسرا	مقتدا اور ہما دوسرے	تاریخ وفات سید عبدالخالق بہا کبری کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری بمقام
شیخ عشق آمد وصال یاک او	باز فرما سید محصل ولی	شاہ عبدالخالق آن ہادی خلوت
تاریخ وفات سید عبدالخالق بہا کبری کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری بمقام	شد چو از دنیا بفرود پس برین	کاشف ارشاد گو تاریخ او
تاریخ وفات شیخ بہاد الدین شہیدی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری بمقام	نیز فرما عبد خالق اہل دین	تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری بمقام
شیخ زوی زمین بہاد الدین	ماہ فردوس ویدہ رنج کمال	رفت چون از جہان بخت حائل
تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری بمقام	عارف شروع و ذاکر کمال	تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری بمقام
بغزو دوس برین چون کرد رحلت	محمد غوث پیر سید دین	محمد شاہ سیران قطب قطاب
در سلطان اکبر متقی گو	بگو تاریخ او با طرز رنگین	بسال رحلت آن شاہ حق بین
چو شد از جہان بدشت برین	جناب محمد امام زمان	تاریخ وفات شیخ فیروز لاہوری کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری بمقام
شد دسال ترحیل آن شاہ دین	ز محمد دوم عالم محمد عثمان	

چو از دنیا به فردوس بر رفت چو از دل سال تر حلیش بختیم	جناب شاه طه فتح اگاه فیروز عیان شد میر سید شاه فیروز
شده چو از عالم سجد جاودان عارف اشرف تاریخش بگو	معدن نور خدای سید فرشتا نیز قطب الاصفیاء سید درشتا
تاریخ ولادت و وفات سید عبدالقادر ثانی اجمی که ولادت وی در سال ۹۲۵ هجری و وفات در ۹۸۵ هجری	شیخ ذبیح سید معصوم سال تولد آن دیو بی مرقوم هم سخوان ماه علم دین محمد دم گر کنی سال وصل او معلوم
تاریخ وفات سید محمود حضوری لاہوری که در سال ۹۸۵ هجری و ولادت او در ۹۲۵ هجری	سید عالی شہر و می زمین سال تولدش بدان ای دل در دان خداداد ان سید اہل نقین
رفت از دنیا چو براوج خان صاحب شوق تاریخش بگو ہم کرم مرشد محمود خان	سید محمود سیر پاکمال نیز شمس العارفین اہل جمال باز فضل از دی و دانش فصال
تاریخ وفات سید عبدالقادر گیلانی لاہوری که در سال ۹۸۵ هجری و ولادت او در ۹۲۵ هجری	قطب دوریان ساکت بانی است بار دیگر عبدالقادر ثانی است
تاریخ وفات سید عبدالرزاق گیلانی اجمی که در سال ۹۸۵ هجری و ولادت او در ۹۲۵ هجری	رفت چون در چنان دو روزان باز محمد دم قطب عالم خوان
عبدالرزاق شاہ والا جاہ میر حق انتخاب گوت نش	

جواز دنیا بر فردوس برین است	جناب شاه طه حق آگاه فیروز
جواز دل سال تر حلیش بختیم	عیان شد میر سید شاه فیروز
شد جواز عالم بحبله جاودان	معدن نور خد افسر و زنا
عادت اشراف تار بخش گو	نیز قطب الاصفیا میر و زنا
تاریخ ولادت و وفات سید عبدالقادر ثانی اوجی که ولادت وی در سال مشقده و شصت و دو و وفات در سنه نهصد و چهل و دو بود	
عجله قادر و پهلای لاثانی	شیخ ذبیح سید معصوم
طرفه مشکناے عالم شد	سال تولید آن بی بی مرقوم
میر محمد دم گوبه تر حلیش	هم سخنان ماه علم دین محمد دم
شاه حلد است در بنهای حلد	گر کنه سال وصل و معلوم
شیخ نامی سید عبدالقادر است	سید عالی شهرومی زمین
طرفه تاج الفقر و آله شد تم	سال تولیدش بدان بی بی سلیم
سن تر حلیش با قول صحیح	دان خدا دان سید اهل نقین
تاریخ وفات سید محمود و حضوری لاہوری که در سال نهصد و چهل و دو بود	
رفت از دنیا جو بر اوج خان	سید محمود و سیر پاکمال
صاحب شتاق تار بخش گو	نیز شمس العارفین اهل جمال
هم کرم مرشد محمود و خوان	باز فضل ایزدی دانش وصال
تاریخ وفات سید عبدالقادر گیلانی لاہوری که در سال نهصد و چهل و دو بود	
عجله قادر و سید نورانی است	قطب و دوران سالک بانی است
خیر اسلام آید تر حلیل او	بار دیگر عبدالقادر ثانی است
تاریخ وفات سید عبدالرزاق گیلانی اوجی که در سال نهصد و چهل و دو بود	
عجله رزاق شاه و الا جاہ	رفت چون در جهان دور زن
میر حق آفتاب گوت نش	باز محمد دم قطب عالم خوان

تاریخ وفات سید مبارک خانی گیلانی اچي که در سال نهصد و پنجاه و شش بود قوم که	
بارک شد جو فردوس معلی رفیق الله نسرو در رحلتش یافت بگو سید مبارک پیر رهبر مکرم بار حق سید مبارک در گنجینه دلی و ماه فضل است	بان طلعه مبارک پیرکیت در فضل الهی گشت مهرگیا ولی و جهان مستحق فرما عیان شد وصل آن شاه معلی وصال آن ولی محبوب مولی
تاریخ وفات سید محمد غوث بالا پیر صاحب شکره که در سال نهصد و پنجاه و نه بود قوم	
شد جو در خلد برین منزل گزین و ان وصالش تیر جمادی مستقیم باز عارف با خدا شد جلوه گر	آن محمد غوث پیر و سنگیر نیز صادق شاه بالا پیر سال وصل آن شکر و شیرین وصال آن ولی محبوب مولی
تاریخ وفات سید بهاول شیر گیلانی حجره والده که در سال نهصد و هشتاد و دو بود قوم	
چون بهاول الدین زوینار خست جمادی ابرار شیر آمد عیان شیر عرفان بی گور حلتش باز گور حیل اوسر و هشت	رفت در فردوس چون سروهای سال وصلش نیر شیر خست نیز پیر دل شیر سلطان اولی نیز قطب الاکرامین شیرای خست
قطعه ثانی	
رفت چون از جهان بهاول الدین پیر اهل صفا بهاول شیر نیز شیر دلیر حق عالمی	یافت مسکن نجبت الاله گشت تاریخ رحلتش پیدا هست تاریخ آن شه و الاله
قطعه ثالث	
شد بهاول شیر در خلد برین سال تاریخ وصال آنجناب	زین جهان پر بلا چون گشت پیر گفت سرو و قطب حق شیر دلیر
تاریخ وفات محمد و محمدی قادیانی که در سال نهصد و هشتاد و دو بود قوم	
شد جو محمد کلیم از جهان بوفات رحلتش محمد و قطب العالم است	گشت در فردوس و الاله هم بخوان با وی محمد و مکی

[illegible]

دشت تمام شب در خواب گذرانیدی و در یک اجلاس ختم قرآن کردی و

تاریخ وفات سید عبد الله ربانی گیلانی حاجی که در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 در دنیا رفت در سن هشتاد و هشت سالگی  
 وصال پاک او از دل عیان شد  
 دو بار ابر محمدی بهشت است  
 تاریخ وفات سید حامد گیلانی حاجی مطابق هفصد و هشتاد و هشت سال هجری  
 شد ملک خلد زین فانی سیرا  
 نیز حامد شاه سید مقداد  
 سال وصل آن ولی الاولیا  
 بهر سال وصل او شد مدعا  
 ابر رحمت سید حامد بگو  
 فصل بنویز سالش سرورا  
 تاریخ وفات سید اسماعیل گیلانی قدس سره که در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 رفت چون از جهان سجد برین  
 گشت تاریخ رحلتش روشن  
 تاریخ وفات شیخ داود کرمانی چلی واکه در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 حضرت داود شیخ با کمال  
 کن رقم فیاض کامل حلقه  
 زنده دین محترم سیر آیدست  
 سال انتقال شیخ داود  
 عطا بخش است دیگر فضل بزدا  
 تاریخ وفات شیخ بهلول در یابی قدس سره که در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 رفت روحش با وج جرج برین  
 هست شیخ طلیل تاریخش  
 چو شد بهلول از دنیا سبخت  
 دو تاریخ وصال اوست دریا

در این کتاب تاریخ وفات سید عبد الله ربانی گیلانی حاجی که در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 در دنیا رفت در سن هشتاد و هشت سالگی  
 وصال پاک او از دل عیان شد  
 دو بار ابر محمدی بهشت است  
 تاریخ وفات سید حامد گیلانی حاجی مطابق هفصد و هشتاد و هشت سال هجری  
 شد ملک خلد زین فانی سیرا  
 نیز حامد شاه سید مقداد  
 سال وصل آن ولی الاولیا  
 بهر سال وصل او شد مدعا  
 ابر رحمت سید حامد بگو  
 فصل بنویز سالش سرورا  
 تاریخ وفات سید اسماعیل گیلانی قدس سره که در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 رفت چون از جهان سجد برین  
 گشت تاریخ رحلتش روشن  
 تاریخ وفات شیخ داود کرمانی چلی واکه در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 حضرت داود شیخ با کمال  
 کن رقم فیاض کامل حلقه  
 زنده دین محترم سیر آیدست  
 سال انتقال شیخ داود  
 عطا بخش است دیگر فضل بزدا  
 تاریخ وفات شیخ بهلول در یابی قدس سره که در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 رفت روحش با وج جرج برین  
 هست شیخ طلیل تاریخش  
 چو شد بهلول از دنیا سبخت  
 دو تاریخ وصال اوست دریا

در این کتاب تاریخ وفات سید عبد الله ربانی گیلانی حاجی که در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 در دنیا رفت در سن هشتاد و هشت سالگی  
 وصال پاک او از دل عیان شد  
 دو بار ابر محمدی بهشت است  
 تاریخ وفات سید حامد گیلانی حاجی مطابق هفصد و هشتاد و هشت سال هجری  
 شد ملک خلد زین فانی سیرا  
 نیز حامد شاه سید مقداد  
 سال وصل آن ولی الاولیا  
 بهر سال وصل او شد مدعا  
 ابر رحمت سید حامد بگو  
 فصل بنویز سالش سرورا  
 تاریخ وفات سید اسماعیل گیلانی قدس سره که در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 رفت چون از جهان سجد برین  
 گشت تاریخ رحلتش روشن  
 تاریخ وفات شیخ داود کرمانی چلی واکه در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 حضرت داود شیخ با کمال  
 کن رقم فیاض کامل حلقه  
 زنده دین محترم سیر آیدست  
 سال انتقال شیخ داود  
 عطا بخش است دیگر فضل بزدا  
 تاریخ وفات شیخ بهلول در یابی قدس سره که در سال هفصد و هشتاد و هشت بر قمر آمد  
 رفت روحش با وج جرج برین  
 هست شیخ طلیل تاریخش  
 چو شد بهلول از دنیا سبخت  
 دو تاریخ وصال اوست دریا







<p>جانب شیخ کامل صدر دیوان</p> <p>بعلم عشق کامل قطب عالم</p>	<p>نشد پیر سال انتفاش</p> <p>کرشاه شاه کامل قطب عالم</p>
<p>بارخ ولادت و وفات شیخ فضل حسین لاهوری که ولادتش در سال</p> <p>نصفه و چهل و پنج و وفاتش در سنه یک هزار و هشت و هشتاد و هشت بود</p>	<p>طالب عشق و عاشق جان باز</p> <p>ماه عالم حسین نور العین</p>
<p>گشت پیدایش دین سرست</p> <p>گفت سرور محقق سرست</p>	<p>سال تولد او بریت وزین</p> <p>سال تحویل آن شه کوئین</p>
<p>شیخ محمود و نیز شیخ زمان</p> <p>وصل او هست سمع عشق حسین</p>	<p>بارخ وفات شاه بدر گیلانی قدس سره که در سال یک هزار و هفتاد و هشت بود</p> <p>سفر روزید و شد روشن بخت</p>
<p>چو بدر الدین ازین دنیای فنا</p> <p>رقم کن فضل حق یا شیخ حق سال</p>	<p>در گریه ولی بدر اگر است</p> <p>بارخ وفات شاه شمس الدین لاهوری که در سال یک هزار و هشتاد و هشت بود</p>
<p>جلوه گر شد چون باوج هفت چرخ</p> <p>سال ترخیص عیان شد از خرد</p>	<p>روح شمس الدین دلی باصفا</p> <p>مادی محبوب شمس الاتقیا</p>
<p>مهر عالم بر شمع نور تاب</p> <p>صاحب ذکر است و هم عارف سخن</p>	<p>باز مجذوب کریم آمد ندا</p> <p>شیخ خالص نیز با دلی رضا</p>
<p>بارخ وفات سید عبدالقادر ثالث لاهوری که در سال یک هزار و هشتاد و هشت بود</p> <p>عبد قادر و شد ز دار فنا</p>	<p>یافت از حق سجد و الاجاب</p> <p>هم سخنان عبد قادر اهل خدا</p>
<p>بارخ ولادت و وفات شیخ خیر دین ابو المعالی قادری لاهوری که ولادتش</p> <p>در سال نصفه و هشت و وفات در سنه یک هزار و چهار و هشتاد و هشت بود</p>	<p>بو المعالی خیر دین احمد</p> <p>خیر دین مولی است تو تیش عیار</p>
<p>بارخ وفات شیخ عبداللہ بنی قدس سره در سال یک هزار و هشتاد و هشت بود</p> <p>شد ز دنیا چو در بهشت برین</p>	<p>انکه شد بر نور ز اوروی زمین</p> <p>رحلتش فراموش خیر دین</p>
<p>شیخ با اختصاص عشق شد اند</p>	

بصورت ماندنش در بدست بکران رودریامی چون است ۱۱۰  
از غفلت و شایخ قادیان و اکسیریدان شاه اسکندر این است و بعد تکمیل و لاهور آمده قبولی عظیم مسلمانی یافت و بین اسامی بزرگ کتب قادر است.





و در کشمیر شریف بر دو پاشا حکومت ورزید و شاهزاده دار اشکوه از اعظم خلفای دهریه آن دی کوچ را رشت و راه است



رحلتش است عارف سرست	نیز فرافضل و اصل دین
تاریخ وفات شیخ رحیم دادوشاهی قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	در جهان یافت رتبه اعظم
سپست دریایی انصاف تاریخش	چونکه آن اعظم و عظیم دریم
تاریخ وفات سید حسن بیادری کلبانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	هم سخوان اشرف و کریم راچیم
حسن یافت در حله برز	چون جناب سید و الا حسن
رحلتش شیخ حسن مطلوب گو	نیز فرافضل و اصل دین
تاریخ وفات شاه رضا قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	چون شاه رضا ولی و الا
با نعمت غلغله گشت راسخ	تاریخ وفات آن مصلی
گشت روشن جو رفت از دنیا	در جهان همچو ماه در گشت
شیخ پیر است از سخاوتش نیز	قطب سر و ارشاد در گشت
تاریخ وفات شیخ تاج محمود قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	عابد و محمود و سید مقتدا
تاجدار حله شد باغ و شاخ	باز شد سید از شیخ الاصفیا
شد عیان سالش ز قیاض کبیر	عاقبت محمود و تاج اولیا
نیز سر و گشت سال وصل او	تاریخ وفات سید نور محمد حجه و اله که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت
تاریخ وفات سید نور محمد حجه و اله که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	بر عرش حق رسید تقرب جلیل حق
نور محمد آن مر عالم جو از جهان	دیگر گو که نور محمد عظیم حق
شاه کریم منتقی آمد وصال او	تاریخ وفات حافظ بر خور و ارشاد قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت
تاریخ وفات حافظ بر خور و ارشاد قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	شیخ بر خور و ارشاد بر سمنما
شد جو بر خور و ارشاد در باغ بهشت	نیز فرافضل و اصل دین
حافظ عالم بگو ناریخ او	بر سالش حاصل آمد مدعا
باز محبوب جهان شاه بهشت	تاریخ وفات شیخ هشتم دیادلی نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت

در این کتاب  
 تاریخ وفات  
 سید نور محمد  
 حجه و اله  
 که در سال  
 یک هزار و  
 یکصد و  
 هشتاد و  
 هشت  
 رحلتش است  
 عارف سرست  
 تاریخ وفات  
 شیخ رحیم  
 دادوشاهی  
 قادیانی  
 که در سال  
 یک هزار و  
 یکصد و  
 هشتاد و  
 هشت  
 در جهان  
 یافت رتبه  
 اعظم  
 سپست دریایی  
 انصاف تاریخش  
 تاریخ وفات  
 سید حسن  
 بیادری  
 کلبانی  
 که در سال  
 یک هزار و  
 یکصد و  
 هشتاد و  
 هشت  
 حسن یافت  
 در حله برز  
 چون جناب  
 سید و الا  
 حسن  
 نیز فرافضل  
 و اصل دین  
 تاریخ وفات  
 شاه رضا  
 قادیانی  
 که در سال  
 یک هزار و  
 یکصد و  
 هشتاد و  
 هشت  
 با نعمت  
 غلغله  
 گشت راسخ  
 گشت روشن  
 جو رفت  
 از دنیا  
 شیخ پیر  
 است از  
 سخاوتش  
 نیز  
 قطب سر  
 و ارشاد  
 در گشت  
 تاریخ وفات  
 شیخ تاج  
 محمود  
 قادیانی  
 که در سال  
 یک هزار و  
 یکصد و  
 هشتاد و  
 هشت  
 عابد و  
 محمود  
 و سید  
 مقتدا  
 باز شد  
 سید از  
 شیخ الاصفیا  
 عاقبت  
 محمود  
 و تاج  
 اولیا  
 تاریخ وفات  
 سید نور  
 محمد حجه  
 و اله که  
 در سال  
 یک هزار و  
 یکصد و  
 هشتاد و  
 هشت  
 نور محمد  
 آن مر  
 عالم جو  
 از جهان  
 شاه کریم  
 منتقی  
 آمد وصال  
 او  
 تاریخ وفات  
 حافظ بر  
 خور و  
 ارشاد  
 قادیانی  
 که در سال  
 یک هزار و  
 یکصد و  
 هشتاد و  
 هشت  
 شیخ بر  
 خور و  
 ارشاد  
 بر سمنما  
 نیز فرافضل  
 و اصل دین  
 بر سالش  
 حاصل  
 آمد مدعا  
 تاریخ وفات  
 شیخ هشتم  
 دیادلی  
 نوشاهی  
 که در سال  
 یک هزار و  
 یکصد و  
 هشتاد و  
 هشت









[illegible][illegible][illegible][illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

تاریخ وفات شیخ مصاحب جان قادری لاہوری کہ در سال کبزار و یکصد و پونہ	مہنت غیب اللسان وصالش نیز
چون مصاحب بر جنت باری	یافت و ز بار گاہ جنت بار
چو وصالش ز میر نعمت فقر	بار دیگر ز محسن الاسرار
تاریخ ولادت وفات سید صدر الدین حجرہ والد کہ دلاوتش در سال	یکہزار و یکصد و پونہ
صدر عالم صدر دین صدر الفیض	منظر دین صدر فیض بنی
جلوہ گر شد از خز و مہتاب غلہ	سرور او لبہ آن والاوی
باز شاہنشاہ سرور طرفہ تر	سال تولدش ز دل شد بخلی
من وصل آن شہ عالمی جہا	ست صدر الدین امیر متقی
تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ در سال کبزار و یکصد و پونہ	با شقاوت شد چو از دار فنا
گوشتہ فیض است تاریخش دگر	سید الابرار با وی شیخ طہور
تاریخ وفات شیخ جامعہ قادری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ	چو جان نازہ از وصل خدا یافت
وصال او بر شیخ رہنما جو	دگر فرما عنہ جان محمد
تاریخ وفات شیخ عبد اللہ شاہ بلوچ لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ	خالہ خلد شد چو از عالم
رحلتش صاحب ظهور بگو	شیخ عالم تکریم عابد اللہ
تاریخ وفات شیخ محمود قادری لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ	نیز محمدی اعظم عبد اللہ
حاجہ و محمود چون زین ہرقت	بر رویش باب جنت گشت باز
سال تر جانش شد از سرور عیا	مختار محمد و میر بے نیاز
تاج اختیار است دہم اہل ظفر	سال واصل آن ولی اہل راز
تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ	دلاوتش در سال کبزار و یکصد و دویست و پونہ

تاریخ ولادت و وفات سید صدر الدین حجرہ والد کہ دلاوتش در سال یکہزار و یکصد و پونہ

تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ وفات سید عبد اللہ شاہ بلوچ لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ وفات سید محمود قادری لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ ولادت و وفات سید صدر الدین حجرہ والد کہ دلاوتش در سال یکہزار و یکصد و پونہ

تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ وفات سید عبد اللہ شاہ بلوچ لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ وفات سید محمود قادری لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ وفات سید عبد اللہ شاہ بلوچ لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ وفات سید محمود قادری لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری کہ در سال کبزار و دویست و پونہ

شاه عالم عادل دور زمان  
 عادل و فاضل عظیم آید عیان  
 محرم سراسر عشق ای مهربان  
 سید و الامراتب نیک ذات  
 سالی تولیدش با قوال صحیح  
 گشت سال انتقالش جلوه گر

تاریخ وفات سید شادی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	نهان شد میر شادی شاه فردوس
تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	عیان شد میر شادی شاه فردوس
تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	آن شه جن و شیر سردار شایسته
تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	دان ولی راه بر سر در شایسته
تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	حضرت سید علی شاه زمان سیم جها
تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	فصل نورانی بدان سیم شمع گویا
تاریخ وفات سید سرتور علی شهید جگره داله که ولادتش در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	شرف و سید و اشراف و دیندار
تاریخ وفات سید سرتور علی شهید جگره داله که ولادتش در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	بی تولید آن سردار ابرار
تاریخ وفات سید سرتور علی شهید جگره داله که ولادتش در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	دیگر بر جوان مقدس پیرا خیار
تاریخ وفات سید سرتور علی شهید جگره داله که ولادتش در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	رقم کن مرشد حق مطلب سردار
تاریخ وفات سید سرتور علی شهید جگره داله که ولادتش در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	سال تار سیم آن شه ابرار
تاریخ وفات سید سرتور علی شهید جگره داله که ولادتش در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	نیز سر مست عشق دان ای یاد
تاریخ وفات سید سرتور علی شهید جگره داله که ولادتش در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	رحلتش کرد چون خرد نگار
تاریخ وفات سید سرتور علی شهید جگره داله که ولادتش در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	ز دهر رخت سحر کسبت رفت خوش بخت
تاریخ وفات سید سرتور علی شهید جگره داله که ولادتش در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده	دیگر بر حلت او مظهر و فایز جوان

از سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده  
 سید و الامراتب نیک ذات  
 سالی تولیدش با قوال صحیح  
 گشت سال انتقالش جلوه گر  
 تاریخ وفات سید شادی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده  
 نهان شد میر شادی شاه فردوس  
 عیان شد میر شادی شاه فردوس  
 آن شه جن و شیر سردار شایسته  
 دان ولی راه بر سر در شایسته  
 حضرت سید علی شاه زمان سیم جها  
 فصل نورانی بدان سیم شمع گویا  
 شرف و سید و اشراف و دیندار  
 بی تولید آن سردار ابرار  
 دیگر بر جوان مقدس پیرا خیار  
 رقم کن مرشد حق مطلب سردار  
 سال تار سیم آن شه ابرار  
 نیز سر مست عشق دان ای یاد  
 رحلتش کرد چون خرد نگار  
 ز دهر رخت سحر کسبت رفت خوش بخت  
 دیگر بر حلت او مظهر و فایز جوان

تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده

تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده  
 تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده  
 تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو بموت فرموده

[illegible]

گفتش شایخ و صالحش خرد	رفت جوزین و هر سخن بدین	حاکم دین شاه غلام بنی
ماریخ وفات سید غلام بنی حجره و والد که در سال کبیر از دود و صد چوبی و بختی باو نمود	غلام بنی القند و غلام بنی	

تاریخ وفات سید قطب الانام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال  
کهنه اردو و صمد و پنجاه بوقرعه آمد و ولایت و بی رسته نیز از کعبه و در وقت آمد

قطب قطب آن سه قطب الانام  
سال تولیدش ز رخ چایمیز  
رحلتش محب و م نعمت کن قمر

باب پنجم در بیان شیخ مسلم خان	باب ششم در بیان شیخ مسلم خان
ولی، مهر بلبل	ولی، مهر بلبل

ولی شهر بنی عباس را از این سلسله جنت نیکو  
گنبدیوم در بیان قطعات تاریخ وفات حضرات سلسله جنت نیکو  
تاریخ وفات خواجه حسن بصری رضی الله عنه که در سال کعبه دوه یا زده یا

خواجہ دوزیرین آن محضی حسن حریف  
 سال و صلح قطب کو اعلیٰ دایاں لکھو  
 میر خدیوہ دین و طاق و باطن گفته  
 غزل گل سبقت و ساز و محبت کد است  
 ہادی کامل محب دین و عابد پاکیزہ

زیب صبر و زینت دین مقدمہ انوختی  
 سمر و لی احمد ہمایون ہادی ملک علی  
 جامعہ والی دین و کافہ و زبندہ ولی  
 شد دگر ماہ جمال از اوج خاطر بخلی  
 و ان وسیلہ بازگو اسل جمال از آگہی

ماریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و هفتاد و هفت بود  
 عبد واحد صاحب توحید میر  
 سعدان جو دست و عابد زنده دل  
 زبده دین عبد واحد کنن قم  
 نیز تاریخش بقول اهل حق  
 فرد و یکتا شد جو آخر از زمان  
 سال و قیل آن شه والا سکان  
 هم امام عبد واحد کنن سان  
 دان یقین حق بین دگر قطب

تاریخ وفات خواجہ فیض بن عباس کہ در سال کعبہ و شاد و شوش با تیار و دوست  
چون فیض از فضل حق شد و پریش | سال و صل آن شد ۱۰۱۰ القرا

تاریخ وفات سید غلام نبی حجره والکه که در سال یک هزار و دویصد و چهل و هفت بود و

رفت جو زین و هر سجد برین	حاکم دین شاه غلام نبی
گفت شایخ وصالش خرد	قطب الدین و غلام نبی

تاریخ وفات سید قطب الانام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو قمری آمد و ولایت و مدتی رسیده یک هزار یکصد و هشتاد و دو قمری بود

قطب اقطاب آن سید قطب الانام	میر قطب الدین و سید
سال تولدیش ز حیرت جاریز	طرفه خورشید نبی شد منجلی
رحلتش محبت و مرقعت کن قمر	نیز قطب الافضلین کامل و

تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و چهار قمری بود

جاب شیخ مسلم خان والا	بخت رفت چون زین و هر رشتو
ولی مهر بلبل شیخ است سار	و اگر آمد عیان محبوب بنظر

گنج سیوم در بیان قطعات تاریخ وفات حضرات سلسله جنت نیکو

تاریخ وفات خواجہ حسن بصری رضی اللہ عنہ که در سال یکصد و ده و یازده و یازده قمری بود

خواجہ دوزمین آن محسن حسن جنت	ز سیر زینت دین مقتدا و متقی
سال وصالش قطب کو اعلیٰ دین باک جنت	هم ولی محمد جلیون با دی ملک علی
مرخصی ماه دین و طلاق و باطن گفته	جامعه والی دین و کافنی و زنده ولی
مجلس گل سب و دسار و محبت سلسله	شد و گر ماه لیل از اوج خاطر منجلی
با دی کامل محبت دین و عابد با کمال	و این وسیله باز گو اهل جمال از اگلی

تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و هشتاد و هشت بود و

عبد واحد صاحب توحید سیر	فرد و یکتا شد جو آخر از زمان
معتمد جو دست و عابد زنده دل	سال وصال آن شه والا سکان
زبد دین عبد واحد کن قمر	هم امام عبد واحد کن سان
نیز تاریخش بقول اهل حق	دان یقین حق بین و در قطب جان

تاریخ وفات خواجہ فیض بن عباس که در سال یکصد و هشتاد و هشت بود و

فیض فیض از فضل حق شد در پیش	سال وصال آن شه دار القرا
-----------------------------	--------------------------





فایاد و دود و باد است  
شربت از ادویه  
حاصلت بنامه  
بنامی خود در زندان  
کامل نیست و بدو را  
درد و درد بر انداخته  
علافت و اعاذت  
نقص کرده و خفته  
و خلافت الشریعت  
استانی بحال فضل عام





سید عالم معین الدین کے	مقدمہ ای دین شہ ہندوستان
سال تولیدش بگو بہر اکبر	باز سرور عارف صوفی بخت
عمدہ دین زندہ دل بدالہجی	شید جان تولید آن شاہ جہان
نیز قطب الاولیٰ قطب زمین	سال تولیدش بہرور شید جان
مختبر دل سال وصل آستان	گفت قطب الاصفیا میر جہان
ہم بہ ان میر مکر م زینت	رحلت آن میر دین جنت مکان
کرد ہم دل سال وصلش طرفہ	عارف را بہ معین الدین یاد
قطب نامت	
معین الدین جو از فضل ہے	بوصل از دی گردید موصول
عجب تاریخ وصلش جلوہ گر شد	امام حق معین الدین مقبول
تاریخ ولادت و وفات خواجہ سید قطب الدین بچار گالی اوشی کہ ولادت	در سال یاضد و شاد و وفات در سنہ شصت و سی و سی و چار و تو
جناب خواجہ قطب الدین او	کہ بود اوشیم و قطب شیخ و ہم شتاب
تولیدش رقم کن قطب عاشق	نحوان ہم عاشق ساکب دین با
وگر تاریخ وصلش یافت سر	ز قطب الدین مقدس قطب قطاب
وگر ترجیل او حجت مقام است	اکرم عالم الاشرار در باب
قطب نامے	
مگر ہم النفس قطب دین بنے	کہ مرحوم و مقبول و منظور بود
تبارخ ترجیل آن شاہ دین	بفرما کہ نور کے نور بود
تاریخ وفات سلطان شمس الدین ایتھس کہ در سال شصت و سی و سی و چار و تو	شید جو از دنیا شد ملک جہان
شمس دین بر نور شاہ ملک مند	ہم بفرما شمس دین قطب جہان
شمس دین حق بین جو اس سال احوال	نیز شمس الاصفیا ہادی بخت
مندہ حق شمس دین شجرہ کر	تاریخ وفات شیخ جلال الدین تبریزی کہ در سال شصت و سی و سی و چار و تو
یافت از دنیا من احوال ملکہ	جو جلال الدین بعد عز و جلال

سید عالم معین الدین کے سال تولیدش بگو بہر اکبر  
 عمده دین زندہ دل بدالہجی نیز قطب الاولیٰ قطب زمین  
 مختبر دل سال وصل آستان ہم بہ ان میر مکر م زینت  
 کرد ہم دل سال وصلش طرفہ مقدمہ ای دین شہ ہندوستان  
 باز سرور عارف صوفی بخت شید جان تولید آن شاہ جہان  
 سال تولیدش بہرور شید جان گفت قطب الاصفیا میر جہان  
 رحلت آن میر دین جنت مکان عارف را بہ معین الدین یاد  
 قطب نامت معین الدین جو از فضل ہے عجب تاریخ وصلش جلوہ گر شد  
 تاریخ ولادت و وفات خواجہ سید قطب الدین بچار گالی اوشی کہ ولادت  
 در سال یاضد و شاد و وفات در سنہ شصت و سی و سی و چار و تو  
 جناب خواجہ قطب الدین او کہ بود اوشیم و قطب شیخ و ہم شتاب  
 تولیدش رقم کن قطب عاشق نحوان ہم عاشق ساکب دین با  
 وگر تاریخ وصلش یافت سر ز قطب الدین مقدس قطب قطاب  
 وگر ترجیل او حجت مقام است اکرم عالم الاشرار در باب  
 قطب نامے مگر ہم النفس قطب دین بنے کہ مرحوم و مقبول و منظور بود  
 تبارخ ترجیل آن شاہ دین بفرما کہ نور کے نور بود  
 تاریخ وفات سلطان شمس الدین ایتھس کہ در سال شصت و سی و سی و چار و تو  
 شمس دین بر نور شاہ ملک مند ہم بفرما شمس دین قطب جہان  
 شمس دین حق بین جو اس سال احوال نیز شمس الاصفیا ہادی بخت  
 مندہ حق شمس دین شجرہ کر تاریخ وفات شیخ جلال الدین تبریزی کہ در سال شصت و سی و سی و چار و تو  
 یافت از دنیا من احوال ملکہ جو جلال الدین بعد عز و جلال  
 سید عالم معین الدین کے سال تولیدش بگو بہر اکبر  
 عمده دین زندہ دل بدالہجی نیز قطب الاولیٰ قطب زمین  
 مختبر دل سال وصل آستان ہم بہ ان میر مکر م زینت  
 کرد ہم دل سال وصلش طرفہ مقدمہ ای دین شہ ہندوستان  
 باز سرور عارف صوفی بخت شید جان تولید آن شاہ جہان  
 سال تولیدش بہرور شید جان گفت قطب الاصفیا میر جہان  
 رحلت آن میر دین جنت مکان عارف را بہ معین الدین یاد  
 قطب نامت معین الدین جو از فضل ہے عجب تاریخ وصلش جلوہ گر شد  
 تاریخ ولادت و وفات خواجہ سید قطب الدین بچار گالی اوشی کہ ولادت  
 در سال یاضد و شاد و وفات در سنہ شصت و سی و سی و چار و تو  
 جناب خواجہ قطب الدین او کہ بود اوشیم و قطب شیخ و ہم شتاب  
 تولیدش رقم کن قطب عاشق نحوان ہم عاشق ساکب دین با  
 وگر تاریخ وصلش یافت سر ز قطب الدین مقدس قطب قطاب  
 وگر ترجیل او حجت مقام است اکرم عالم الاشرار در باب  
 قطب نامے مگر ہم النفس قطب دین بنے کہ مرحوم و مقبول و منظور بود  
 تبارخ ترجیل آن شاہ دین بفرما کہ نور کے نور بود  
 تاریخ وفات سلطان شمس الدین ایتھس کہ در سال شصت و سی و سی و چار و تو  
 شمس دین بر نور شاہ ملک مند ہم بفرما شمس دین قطب جہان  
 شمس دین حق بین جو اس سال احوال نیز شمس الاصفیا ہادی بخت  
 مندہ حق شمس دین شجرہ کر تاریخ وفات شیخ جلال الدین تبریزی کہ در سال شصت و سی و سی و چار و تو  
 یافت از دنیا من احوال ملکہ جو جلال الدین بعد عز و جلال



رحلتش گونیز شاه دین فرید	شمع نور آمد دگر اید وستان
هم حبیب حق فرید الدین سرگو	صوفی کامل فرید الدین بخوان
باز عالی جاه قطب الحق فرید	بنده فرد الفریدا می محرابان
عاشق صادق دگر فراموشی	سال وصل آن شه عالمیکان
پس نه کامل فرید الدین هرگو	سرور اسال وصالش بی محار
قطعه ثانی	
مقدمه ای یقین فرید الدین	فرد اهل جهان و لے زمان
عمده دین فرید حق گفتیم	سال تولید آن شه ذمی شان
زبد دین فرید و همه آمد	نیز سال ولادتش بربان
سال ترخیص او فرد فرمود	حب موملے فرید هر دو جهان
قطب دوران فرید شدیدا	رحلت آن شه منتهی دوران
بنده حق فرید قطب الهند	وصل او گفت سرور نادان
قطعه ثالث	
فرید دین فرید جلله عالم	شه فرخ لغافه خنده آمین
فرید الهند قطب ملک فرما	بی تولید پاک آن شه دین
سجوان وصالش فرید الدین سلام	دگر سالک فرید الدین حق یز
قطعه رابع	
سرشک گنج فرید زمان	حضرت مسعود و لے سعید
سالک مسعود فرید ابدست	ماده تولید و لے از دل پید
سال وصالش جو بختیم ز دل	گفت بگو باد شه دین فرید
قطعه خامس	
فرد دنیا و دین فرید الدین	فرد و کیا بقرب وصل رسید
رحلتش بنده حد امینان	هم بدان فرد دین فرید وحید
تاریخ وفات شیخ نجیب الدین محمود متوکل که در سال شصت و هفتاد و یک قمری	
چون نجیب الدین متوکل نجیب	از توکل یاقت باحق القبال

خطبہ شریف حضرت شیخ الاسلام  
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی  
 فرید الدین گیلانی  
 است و اصل وفات و وفات نام  
 مقامات بنده و این ارجمند داشت و  
 وی نامت مقام سال در دلی مکتوب کرد و  
 بنام اعلی از دنیا داران زنن ۱۱















[illegible]

مشرقت شدہ تربیت و تکمیل  
حضرت چہرہ دینی یافت و بار و جان  
سلطان انشا علیہم السلام را اعلیٰ ادبی داشت  
کتب سیر الاولیاء کو در ذکر حضرت اوست و توانی  
کتب بے باجم الاولیاء در بیان حضرت سیر الاولیاء  
دست است و درین فاخذ ان در کتب سیر الاولیاء  
تفسیر شد و ازین سیر الاولیاء دوم سیر الاولیاء  
احاطت موقوف حضرت سیر الاولیاء را  
موقوف حضرت سیر الاولیاء است و او  
حضرت سیر الاولیاء است و او  
انضامی علیٰ سیر الاولیاء است و او

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱



«میرزا یزدان‌شیرین خان»

تاریخ وفات شیخ عبدالمقدر جیشی که در سال متصدد و نیا نو دیک قوع  
 جوان باکر ام خداوند فی فضل لایا  
 صاحب محمد و محمد و صلاش و کربار چود  
 رفت از دار الفنا در غلذ عالی مقدر  
 گفت ساولی مقدر فرمود والی مقدر  
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین علاء الحق بن سعد لاهوری بکالی که در سال متصدد و نیا نو  
 زردیش زینت از به بکار جهان  
 دگر والی علاء الحق و لعلت بیان  
 تاریخ وفات شیخ حسام الدین فتح پوری که در سال متصدد و نیا نو بوقوع آمد  
 شد چو داصل بوصول حقانی  
 گفت سرور سیال رحلت او  
 نیز دان متقی قطب الحق  
 تاریخ وفات میرزا شرف جهانگیر سنائی که در سال متصدد و نیا نو بوقوع آمد  
 مشرف گشت با لغات جنت  
 شرف الوقف آمد ارتحالش  
 دگر کردم رقم در سال ترجمه  
 سخن سال صلاش بار دیگر  
 ولی مبد مشرف جنت آمد  
 وصالش و اصل کامل شریف  
 تاریخ وفات شیخ احمد بن امیری که در سال متصدد و نیا نو بوقوع آمد  
 شد چو از دنیا بجایات النعیم  
 هم محمد متقی عابد سلیم  
 تاریخ وفات شیخ فتح الله اودهی که در سال متصدد و نیا نو بوقوع آمد  
 جو فتح الله از حق یافت مقوم  
 امام اولک خاصت سالش  
 تاریخ وفات شیخ عین الدین قبال که در سال متصدد و نیا نو بوقوع آمد  
 جو عین الدین ولی عین تحقیق  
 که ذات عین و نیش عین و نیا نو



۳۱۸۹  
م. ب. ا. در سید جمال الدین محمد و هم چنان تان تاب شده تا که ام الدین شده حکایت رسیده

تاریخ وفات قاضی شهاب الدین دولت آبادی در سال مشقده و پنجاه و نهم	
چو رباع جهان شد بر تو فکن	شهاب الدین و لے عالی مد علم
وصالش کن تم تو قیر اسلام	و گزیا شهاب الدین شہ علم
تاریخ وفات میرید اللہ چشتی کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ تو قوم	
دست خدا میرید اللہ	سرور دین را ہر راہ حق
رخیت جو گو مرد خدا رطلش	نیزید اللہ شہنشاہ حق
تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی کہ در سال مشقده و پنجاه و یکم	
چو نور الدین بعد انوار و اسرا	سورشت بفر دوس
مگو تاریخ او شمس اللہ	و گز قطب الدنور سچلے
ز محمد دم الکمل رعلتش جو	دو بار ابر رحمت کن ہویدا
محب ذو الجلال اہ وصال	و گز سرست کامل گشت میدا
تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی چشتی کہ در سال مشقده و پنجاه و سہ	
جای اعلیٰ سجد عالی منت	چون شہ مقتدا علاء الدین
مست دیدار خلہ تار سچش	ہم و لے خدا علاء الدین
تاریخ وفات شیخ کبیر چشتی قدس سرہ کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ تو قوم	
چو کبرفت در خلہ اکبر مقام	کبیر آن شہ و بر بنا و سہ
وصالش شدہ بحر رحمت روا	و گز قیلہ اہل جنت کبیر
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح چون پوری کہ ولادتش در سال ہفتصد و ہفتاد و دو و وفات در سنہ مشقده و پنجاه و نہ تو قوم	
ولی مفتاح دین ناوی ابو الفتح	کہ فاقش رہبر راہ صواب است
ولی حق بنا ابو الفتح سہرور	بی تاریخ قریدش خطاب است
ز بھر ار سجالش با تف غیب	بگفتا نور حق فیت ح باب است
تاریخ وفات شیخ عارف چشتی صابری کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ تو قوم	
بقرب ہر فیت اندر جہان فیت	چو عارف شیخ عارف و اف حق
بحر مجذوب حق سالش دو بار	ز قطب الحق مع لے عارف حق

تاریخ وفات قاضی شهاب الدین دولت آبادی در سال مشقده و پنجاه و نهم  
 تاریخ وفات میرید اللہ چشتی کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ تو قوم  
 تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی کہ در سال مشقده و پنجاه و یکم  
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی چشتی کہ در سال مشقده و پنجاه و سہ  
 تاریخ وفات شیخ کبیر چشتی قدس سرہ کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ تو قوم  
 تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح چون پوری کہ ولادتش در سال ہفتصد و ہفتاد و دو و وفات در سنہ مشقده و پنجاه و نہ تو قوم  
 تاریخ وفات شیخ عارف چشتی صابری کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ تو قوم

بن جید الدین صوفی ناگوری است اول  
 در سال ۸۰۰ در ناگور دشت آفرین گشت تو قوم  
 در سال ۸۰۰ در ناگور دشت آفرین گشت تو قوم  
 در سال ۸۰۰ در ناگور دشت آفرین گشت تو قوم  
 در سال ۸۰۰ در ناگور دشت آفرین گشت تو قوم  
 در سال ۸۰۰ در ناگور دشت آفرین گشت تو قوم  
 در سال ۸۰۰ در ناگور دشت آفرین گشت تو قوم  
 در سال ۸۰۰ در ناگور دشت آفرین گشت تو قوم  
 در سال ۸۰۰ در ناگور دشت آفرین گشت تو قوم  
 در سال ۸۰۰ در ناگور دشت آفرین گشت تو قوم

۵۶  
 گزینہ

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح حمادی قریشی کالیومی که در سال متشدد و شصت و دو بود و  
 ابو الفتح باب جنبت شد مشرف  
 جو آن اهل یقین ناموسی ابو الفتح  
 جو سال انتقالش حتم از دل  
 بگفتا میردین ناموسی ابو الفتح

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح حمادی قریشی کالیومی که در سال متشدد و شصت و دو بود و	ابو الفتح باب جنبت شد مشرف	جو آن اهل یقین ناموسی ابو الفتح	جو سال انتقالش حتم از دل	بگفتا میردین ناموسی ابو الفتح
تاریخ وفات شیخ پیر اجیشی که در سال متشدد و شصت و پنج بود و	جو شد کیمیا لغز و دس	جناب صاحب لغزید بسیار	تو از سر خدا و صفتش بگویند	ز کمال صاحب التوحید بسیار
تاریخ وفات شیخ محمد المشهور شیخ میا حشمتی و سهیل در سال متشدد و شصت و شش بود و	جو کین یافت اندر قصر محمود	محمد شاه دین مقبول احمد	و صالتش کن بیان محمد و محمد	و صال آن شه حق بن برآمد
تاریخ وفات شیخ شمس الدین طاهر که در سال متشدد و شصت و هفت بود و	جو شمس الدین بخت شد منور	وصال پاک آن خورشید انوار	و دو باره انواره گرد شد شمع عیار	
تاریخ وفات شاه جلال الدین که در سال متشدد و شصت و هشت بود و	شید جو با صد جلال در جنبت	شیخ والا جلال عالمی جاه	و اسک حق جلال شاهنشاه	
تاریخ وفات شیخ کاکو حشمتی لاموری که در سال متشدد و شصت و نه بود و	حکومت یافت در اقلید فردو	جو شاهنشاه والا جاه کاکو	دو باره اشاه اکبر شاه کاکو	
تاریخ وفات شیخ حمام الدین مانگ پوری که در سال متشدد و شصت و ده بود و	چون جیام از دهر در جنبت مقام	کرد سال وصل آن اهل یقین	صاحب محمد دم کامل گود و نیز	
تاریخ وفات شیخ احمد الدین خیر آبادی که در سال متشدد و شصت و یازده بود و	شهر جو با صد سیادت از دنیا	سعد دین سعد و سعید امین	کاشف حق سعید معبد الدین	

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح حمادی قریشی کالیومی که در سال متشدد و شصت و دو بود و  
 ابو الفتح باب جنبت شد مشرف  
 جو آن اهل یقین ناموسی ابو الفتح  
 جو سال انتقالش حتم از دل  
 بگفتا میردین ناموسی ابو الفتح  
 تاریخ وفات شیخ پیر اجیشی که در سال متشدد و شصت و پنج بود و  
 جو شد کیمیا لغز و دس  
 جناب صاحب لغزید بسیار  
 تو از سر خدا و صفتش بگویند  
 ز کمال صاحب التوحید بسیار  
 تاریخ وفات شیخ محمد المشهور شیخ میا حشمتی و سهیل در سال متشدد و شصت و شش بود و  
 جو کین یافت اندر قصر محمود  
 محمد شاه دین مقبول احمد  
 و صالتش کن بیان محمد و محمد  
 و صال آن شه حق بن برآمد  
 تاریخ وفات شیخ شمس الدین طاهر که در سال متشدد و شصت و هفت بود و  
 جو شمس الدین بخت شد منور  
 وصال پاک آن خورشید انوار  
 و دو باره انواره گرد شد شمع عیار  
 تاریخ وفات شاه جلال الدین که در سال متشدد و شصت و هشت بود و  
 شید جو با صد جلال در جنبت  
 شیخ والا جلال عالمی جاه  
 و اسک حق جلال شاهنشاه  
 تاریخ وفات شیخ کاکو حشمتی لاموری که در سال متشدد و شصت و نه بود و  
 حکومت یافت در اقلید فردو  
 جو شاهنشاه والا جاه کاکو  
 دو باره اشاه اکبر شاه کاکو  
 تاریخ وفات شیخ حمام الدین مانگ پوری که در سال متشدد و شصت و ده بود و  
 چون جیام از دهر در جنبت مقام  
 کرد سال وصل آن اهل یقین  
 صاحب محمد دم کامل گود و نیز  
 تاریخ وفات شیخ احمد الدین خیر آبادی که در سال متشدد و شصت و یازده بود و  
 شهر جو با صد سیادت از دنیا  
 سعد دین سعد و سعید امین  
 کاشف حق سعید معبد الدین

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح حمادی قریشی کالیومی که در سال متشدد و شصت و دو بود و  
 ابو الفتح باب جنبت شد مشرف  
 جو آن اهل یقین ناموسی ابو الفتح  
 جو سال انتقالش حتم از دل  
 بگفتا میردین ناموسی ابو الفتح

[illegible][illegible]

۱ استاد آشتی از دست دوسو سالگی می باشد  
 ۲ استاد آشتی از دست دوسو سالگی می باشد  
 ۳ استاد آشتی از دست دوسو سالگی می باشد  
 ۴ استاد آشتی از دست دوسو سالگی می باشد  
 ۵ استاد آشتی از دست دوسو سالگی می باشد  
 ۶ استاد آشتی از دست دوسو سالگی می باشد  
 ۷ استاد آشتی از دست دوسو سالگی می باشد  
 ۸ استاد آشتی از دست دوسو سالگی می باشد  
 ۹ استاد آشتی از دست دوسو سالگی می باشد  
 ۱۰ استاد آشتی از دست دوسو سالگی می باشد

دانش ۱۲  
محققین نامدار  
۱۱ دولت مجتهدین  
۱۰ علم و فلسفه  
۹ دینی و معارف  
۸ دینی و فقهی  
۷ دینی و فقهی  
۶ دینی و فقهی  
۵ دینی و فقهی  
۴ دینی و فقهی  
۳ دینی و فقهی  
۲ دینی و فقهی  
۱ دینی و فقهی

[illegible]

چو شیخ قدس اقدس عبد قدوس و زشاقی جهان سالن عیان شد که بود دوس شاہنشاہ قطاب	ملک قدس از حق یافت ثنائی و گرفت تاق محبوب آسے اگر تاریخم تر حلیش بخواب
تاریخ وفات شیخ عبد الکبیر مالابری حشتی کہ در سال ہنصد و چهل و ہفت بوقوع آمد در جبہ کبرے رنق در خلعت سبت تاج الاقبیہ تاریخ او	جون کبیر آن شیخ اکبر دستگیر ہم فرید الدہر سلطان ملک
تاریخ وفات شیخ خانوگو الیاری کہ در سال ہنصد و چهل و ہفت بوقوع آمد شیخ خانو خان بنیہ ناسخا گشت محمد دم معلی زندہ دل	شد جو در جنت یے تاریخ آن نیز خانو حق مساکل عیان
تاریخ ولادت و وفات شیخ علاء الدین بن نور الدین ابو دینی کہ ولادت در سال شہد و ہفتاد و دو و وفاتش در سنہ ہنصد و چهل و ہشت بوقوع آمد و لے و متقی و شیخ عالم زہد تہ مادہ محمد و مافات رقم کن مرشد ابراہیم صلیٹر شدہ معراج حلدہ شیخ ابدال	علا و الدین عالمے شاہ مفہوم بے تولد او گر دیدہ مفہوم و دوبار حق نامہ سی محمد دم ز دل سال وصالش طرفہ معلوم
تاریخ وفات شیخ عبد الرزاق خجاندہ کہ در سال ہنصد و پنجاہ بوقوع آمد رزق خود چون پاشیم عبد رزاق عابد رزاق والا سترکت کو دم تم	سال وصال آن ولی باصفاء کبر بار دیگر فقط جنت عابد رزاق
تاریخ وفات شیخ یوسف المشہور شاہ جوسی کہ در سال ہنصد و پنجاہ بوقوع آمد چو یوسف یوسف مصر محبت خز دست تحت گفت تاریخ	ز دنیا رخت خود بر لب جنت و گر فرمود کمال یوسف جنت
تاریخ وفات شیخ امان یانی بقی کہ در سال ہنصد و پنجاہ و ہفت بوقوع آمد در جہان با امان و ایمان سال ترحیل اوست بر جنت	شیخ حق کو امان حق آگاہ شیخ واسے و شیخ والا جا ہم بخوان خاص حق امان اللہ

[illegible]



درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

بر تو انکس شد سبب مثل ماه رحلتش شاه ولایت اکبر است	چون که او چنین منظر نور جمال فیض سوسله نیز تارخ وصال
تاریخ ولادت و وفات شیخ سلیم حسینی فتح پوری که ولادتش در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ ولادت و وفات شیخ سلیم حسینی فتح پوری که ولادتش در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
اسلم الادب سلامت رو گشت محمد و صدق و در میراث	شیخ اسلم سلیم باسلام سال تولدش از خرد تا اتمام
قطب و الاسلم محمد دم است باز سال وصال او بنم	سن ترحیل آن ذوی الکرام پیر محمد و قوت الاسلام
تاریخ وفات شیخ نظام الدین بهی که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ وفات شیخ نظام الدین بهی که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
ماظم عالم نظام الدین و سله سن ترحیل صراط استقیم	یافت با وصل جدا و ندی صال حاصل آمد باز از فیض کمال
تاریخ وفات شیخ نظام الدین کهاری که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ وفات شیخ نظام الدین کهاری که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
بکهار می چون ز دنیا سبب فرست که قیقه معرفت خوان	سال وصل آن محبوب باری وگر باره سینه عابد کهار می
تاریخ وفات شیخ بیار اچینی که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ وفات شیخ بیار اچینی که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
عزیز کله شد با عزت و جاه عبان شد مخزن الاوار سالبش	ولی محبوب بیار از رحمت الله وگر محبوب بیار از رحمت الله
تاریخ وفات شیخ جلال الدین تهمیری که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ وفات شیخ جلال الدین تهمیری که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
با جلال و عزت سبب گویش با کز ده دل سال او	جلال آن دله اصل کمال وگر باره متاب عزت جلال
تاریخ ولادت و وفات شیخ رزق الله مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ ولادت و وفات شیخ رزق الله مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
شیخ عالمی رتبه رزق الله بے گمان تولید آن شیخ الهی	ابل دل عارف کرم متقی یشو و سید از مشایق و سله
رحلتش فرمای که مشایق جو هم جیب دین مشایق سبب	هم جیب دین مشایق سبب هم جیب دین مشایق سبب

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

تاریخ وفات شیخ عثمان زند پیر بانی تپی که در سال هجده و نو و دو قمر	تاریخ وفات شیخ عثمان زند پیر بانی تپی که در سال هجده و نو و دو قمر
شیخ عثمان پیر عالم گیر حجت	باب انت چون در و حدیث مکتا
رحلتش کن حجتان عثمان	باب قطب الواصلین عثمان بنحو
تاریخ وفات شیخ نظام نار نولی که در سال هجده و نو و دو قمر	تاریخ وفات شیخ نظام نار نولی که در سال هجده و نو و دو قمر
نظام الدین جواز و نسای دین	باب قطب حق مکان در باب حجت
نیان شد شیخ بهرام رحلتش	باب اولیا مهتاب حجت
تاریخ وفات شیخ محمد کاکر و نی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات شیخ محمد کاکر و نی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر
نعت وصل خدا در نه سیه	باب پیر باجی شیرین کلام
سرت فیاضی بکایان رحلتش	باب هم بخوان والا قدر شیرین کلام
تاریخ وفات شیخ عبداله نصاری سلطان پوری که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات شیخ عبداله نصاری سلطان پوری که در سال یک هزار و سه و دو قمر
رحلت آن عابد و دور زمان	باب رحلت آن عابد و دور زمان
اقاب فقر عسده الله کو	باب دیگر آفتاب عاشقان
تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یک هزار و یازده و دو قمر	تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یک هزار و یازده و دو قمر
اختیار الدین جو با صد اختیار	باب گشت خود مختار در حید برین
پیر سال انتقال آن جناب	باب گفت سرور اعظم و شیخ امیر
تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر
چون جلال آن ولی بل جلال	باب جلال و کمال شد سبحان
سرت شیخ زمانه تا حشیش	باب از مشتاق حق جلال بخوان
تاریخ وفات خواجه حاجی اویس و نوزی قصوری که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات خواجه حاجی اویس و نوزی قصوری که در سال یک هزار و سه و دو قمر
قبله اهل جنان شد از حجتان	باب شیخ حاجی کعبه اهل یقین
شیخ نور عارف رقم کن سال	باب دیگر شیخ حاجی پاک بین
تاریخ وفات شیخ نظام الدین بلخی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات شیخ نظام الدین بلخی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر
چون نظام الدین زوار دهرت	باب حجت بر و دانش گشت باز
وان حضور فی افضل قطاب نیز	باب استمالش هم نظام پاک
تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل الله حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل الله حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر

۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

چون محمد بن فضل الله اهل علم و فضل سال و شش ماه فضل الله تاجي کلي	يا فت از فضل خدا و خدا و بيل از سال و شش ماه فضل الله تاجي کلي
تاريخ وفات شيخ احمد شوراني حشني که در سال کيزار و سي هجري بوقوع آمد	تاريخ وفات شيخ احمد شوراني حشني که در سال کيزار و سي هجري بوقوع آمد
شده جو در نرم محمد ابراهيم	احمد ان حاسبه دين احمدی
احمد و اعطه گونا رخ او	نيزه و سي احمد فاضل ولي
تاريخ وفات ميرسيد محمد کليوي حشني کيزار و سي و یک بوقوع آمد	تاريخ وفات ميرسيد محمد کليوي حشني کيزار و سي و یک بوقوع آمد
جو در حله منور گشت روشن	جناب مه تقاسيد محمد
رشمس المتقين جو ارجح الش	دگر سر خدا سيد محمد
تاريخ وفات شيخ صادق گنگوہي که در سال کيزار و سي و شش بوقوع آمد	تاريخ وفات شيخ صادق گنگوہي که در سال کيزار و سي و شش بوقوع آمد
بصده صدق و عفا شد سوي حشني	جو ان صادق و ولي محبوب صاوت
بگوشت صادق صادق ارجح الش	دگر محمد و دين مطلوب صادق
تاريخ وفات شيخ علي غواص ترمزي حشني که در سال کيزار و چهل بوقوع آمد	تاريخ وفات شيخ علي غواص ترمزي حشني که در سال کيزار و چهل بوقوع آمد
جو ز و غوطه در حبه وصل خدا	علي شاه غواص و ابي ولي
سعي بر انجبه علي سال اوست	دو باره بگوشت شيخ تاجي علي
تاريخ وفات شيخ حاجي لکن قصوري شوراني حشني که در سال کيزار و چهل و سه بوقوع آمد	تاريخ وفات شيخ حاجي لکن قصوري شوراني حشني که در سال کيزار و چهل و سه بوقوع آمد
جو حاجي قبا اهل جهان شد	بسال رحلت آن شيخ اعظم
دل فرمود حاجي صاحب ذکر	خرد گفنا که حاجي فخر عالم
نه آآمد ز ما تف مجسم قبض	دو باره رحلت آن پير اکرم
تاريخ وفات شيخ عبد الجليل لکنوي که در سال کيزار و چهل و سه بوقوع آمد	تاريخ وفات شيخ عبد الجليل لکنوي که در سال کيزار و چهل و سه بوقوع آمد
جو شد با نيراران جلالت سجد	و لي اهل شيخ عالم جليل
ولي دو الکدم خوان ترحيل او	بفرما خليل مكرم جليل
تاريخ وفات شيخ عبد الکريم حشني لاموري که در سال کيزار و چهل و پنج بوقوع آمد	تاريخ وفات شيخ عبد الکريم حشني لاموري که در سال کيزار و چهل و پنج بوقوع آمد
شيم اکرم کرم با اکرم ام	مکرمت یافت چون کجده برين
مقدامي متيق دان ناش	نيزه بر حق کرم کاشف دين

چون محمد بن فضل الله اهل علم و فضل  
سال و شش ماه فضل الله تاجي کلي  
تاريخ وفات شيخ احمد شوراني حشني که در سال کيزار و سي هجري بوقوع آمد  
شده جو در نرم محمد ابراهيم  
احمد و اعطه گونا رخ او  
تاريخ وفات ميرسيد محمد کليوي حشني کيزار و سي و یک بوقوع آمد  
جو در حله منور گشت روشن  
رشمس المتقين جو ارجح الش  
تاريخ وفات شيخ صادق گنگوہي که در سال کيزار و سي و شش بوقوع آمد  
بصده صدق و عفا شد سوي حشني  
بگوشت صادق صادق ارجح الش  
تاريخ وفات شيخ علي غواص ترمزي حشني که در سال کيزار و چهل بوقوع آمد  
جو ز و غوطه در حبه وصل خدا  
سعي بر انجبه علي سال اوست  
تاريخ وفات شيخ حاجي لکن قصوري شوراني حشني که در سال کيزار و چهل و سه بوقوع آمد  
جو حاجي قبا اهل جهان شد  
دل فرمود حاجي صاحب ذکر  
نه آآمد ز ما تف مجسم قبض  
تاريخ وفات شيخ عبد الجليل لکنوي که در سال کيزار و چهل و سه بوقوع آمد  
جو شد با نيراران جلالت سجد  
ولي دو الکدم خوان ترحيل او  
تاريخ وفات شيخ عبد الکريم حشني لاموري که در سال کيزار و چهل و پنج بوقوع آمد  
شيم اکرم کرم با اکرم ام  
مقدامي متيق دان ناش

چون محمد بن فضل الله اهل علم و فضل  
سال و شش ماه فضل الله تاجي کلي  
تاريخ وفات شيخ احمد شوراني حشني که در سال کيزار و سي هجري بوقوع آمد  
شده جو در نرم محمد ابراهيم  
احمد و اعطه گونا رخ او  
تاريخ وفات ميرسيد محمد کليوي حشني کيزار و سي و یک بوقوع آمد  
جو در حله منور گشت روشن  
رشمس المتقين جو ارجح الش  
تاريخ وفات شيخ صادق گنگوہي که در سال کيزار و سي و شش بوقوع آمد  
بصده صدق و عفا شد سوي حشني  
بگوشت صادق صادق ارجح الش  
تاريخ وفات شيخ علي غواص ترمزي حشني که در سال کيزار و چهل بوقوع آمد  
جو ز و غوطه در حبه وصل خدا  
سعي بر انجبه علي سال اوست  
تاريخ وفات شيخ حاجي لکن قصوري شوراني حشني که در سال کيزار و چهل و سه بوقوع آمد  
جو حاجي قبا اهل جهان شد  
دل فرمود حاجي صاحب ذکر  
نه آآمد ز ما تف مجسم قبض  
تاريخ وفات شيخ عبد الجليل لکنوي که در سال کيزار و چهل و سه بوقوع آمد  
جو شد با نيراران جلالت سجد  
ولي دو الکدم خوان ترحيل او  
تاريخ وفات شيخ عبد الکريم حشني لاموري که در سال کيزار و چهل و پنج بوقوع آمد  
شيم اکرم کرم با اکرم ام  
مقدامي متيق دان ناش

چون محمد بن فضل الله اهل علم و فضل  
سال و شش ماه فضل الله تاجي کلي  
تاريخ وفات شيخ احمد شوراني حشني که در سال کيزار و سي هجري بوقوع آمد  
شده جو در نرم محمد ابراهيم  
احمد و اعطه گونا رخ او  
تاريخ وفات ميرسيد محمد کليوي حشني کيزار و سي و یک بوقوع آمد  
جو در حله منور گشت روشن  
رشمس المتقين جو ارجح الش  
تاريخ وفات شيخ صادق گنگوہي که در سال کيزار و سي و شش بوقوع آمد  
بصده صدق و عفا شد سوي حشني  
بگوشت صادق صادق ارجح الش  
تاريخ وفات شيخ علي غواص ترمزي حشني که در سال کيزار و چهل بوقوع آمد  
جو ز و غوطه در حبه وصل خدا  
سعي بر انجبه علي سال اوست  
تاريخ وفات شيخ حاجي لکن قصوري شوراني حشني که در سال کيزار و چهل و سه بوقوع آمد  
جو حاجي قبا اهل جهان شد  
دل فرمود حاجي صاحب ذکر  
نه آآمد ز ما تف مجسم قبض  
تاريخ وفات شيخ عبد الجليل لکنوي که در سال کيزار و چهل و سه بوقوع آمد  
جو شد با نيراران جلالت سجد  
ولي دو الکدم خوان ترحيل او  
تاريخ وفات شيخ عبد الکريم حشني لاموري که در سال کيزار و چهل و پنج بوقوع آمد  
شيم اکرم کرم با اکرم ام  
مقدامي متيق دان ناش



وفاقی بیدار عالمی  
لا اله الا الله

در تمام عالمی و  
موتی بود و قولی  
بزار و درین و  
دوره و از و  
خوارق و  
اشعار که در  
شاه ابوالحسن  
شاه و سید  
چندی است و  
شرف است و  
و کلمات  
و کلمات  
و کلمات  
و کلمات

۶۶

در تمام عالمی و  
موتی بود و قولی  
بزار و درین و  
دوره و از و  
خوارق و  
اشعار که در  
شاه ابوالحسن  
شاه و سید  
چندی است و  
شرف است و  
و کلمات  
و کلمات  
و کلمات  
و کلمات

باج خلد روشن مثل میکیه	جو از حکم قضاگر وید حشر
خرد فرمود ناج فقر شه بهیکه	گفتا دل بسا لش مفتی اشعرا
تاریخ وفات سید عتیق الله جنتی جالبه هری که در سال کیمزار و یکصد و یک و دو	تاریخ وفات سید عتیق الله جنتی جالبه هری که در سال کیمزار و یکصد و یک و دو
و لے جهان سر بران عشق	و لے جهان سر بران عشق
دو باره گو میر میران عشق	دو باره گو میر میران عشق
تاریخ وفات شیخ پیکر فی حشری که در سال کیمزار و یکصد و یک و دو	تاریخ وفات شیخ پیکر فی حشری که در سال کیمزار و یکصد و یک و دو
باز سببی زنده دل شب زنده دأ	باز سببی زنده دل شب زنده دأ
کن رقم عاشق سخی تاریخ او	کن رقم عاشق سخی تاریخ او
تاریخ وفات شیخ کلیم الله جهان آبادی که در سال کیمزار و یکصد و یک و دو	تاریخ وفات شیخ کلیم الله جهان آبادی که در سال کیمزار و یکصد و یک و دو
کلم الله محو کن بر اے	کلم الله محو کن بر اے
و گر عرفان دین موسی ثانی	و گر عرفان دین موسی ثانی
تاریخ وفات نظام الدین اورنگ آبادی که در سال کیمزار و یکصد و یک و دو	تاریخ وفات نظام الدین اورنگ آبادی که در سال کیمزار و یکصد و یک و دو
نظم دین و دنیا شیخ محبوب	نظم دین و دنیا شیخ محبوب
و گر فرما نظام دین مطلوب	و گر فرما نظام دین مطلوب
تاریخ وفات شیخ لطف الله جنتی که در سال کیمزار و یکصد و یک و دو	تاریخ وفات شیخ لطف الله جنتی که در سال کیمزار و یکصد و یک و دو
بعد فوت خود و تقرب حق وصول	بعد فوت خود و تقرب حق وصول
بار دیگر کن بیان فیض رسول	بار دیگر کن بیان فیض رسول
تاریخ ولادت و وفات مولانا فخر الدین فخر جهان دہوی که ولادتش در سال کیمزار و یکصد و یک و دو	تاریخ ولادت و وفات مولانا فخر الدین فخر جهان دہوی که ولادتش در سال کیمزار و یکصد و یک و دو
فخر الدین فخر جهان بافتنار	فخر الدین فخر جهان بافتنار
گشت فخر الدین علامه عیان	گشت فخر الدین علامه عیان
طرفه سال انتقال آنجناب	طرفه سال انتقال آنجناب
تاریخ ولادت و وفات سید علیم الله جالبه هری که ولادتش در سال کیمزار و یکصد و یک و دو	تاریخ ولادت و وفات سید علیم الله جالبه هری که ولادتش در سال کیمزار و یکصد و یک و دو
کیمصد و نه و وفات در سنه کیمزار و دو صد و دو و هجری بود و دو	کیمصد و نه و وفات در سنه کیمزار و دو صد و دو و هجری بود و دو
حضرت سید علیم الله میر	حضرت سید علیم الله میر
شیخ حق آگاه محبوب الام نام	شیخ حق آگاه محبوب الام نام

در تمام عالمی و  
موتی بود و قولی  
بزار و درین و  
دوره و از و  
خوارق و  
اشعار که در  
شاه ابوالحسن  
شاه و سید  
چندی است و  
شرف است و  
و کلمات  
و کلمات  
و کلمات  
و کلمات









[illegible]



بکینک ایچکین  
متر عافان کینک  
راندیش کینک  
نکار اوتامده  
این عجم کینک  
صحن کینک  
یاد و یاد کینک  
سید کینک  
کینک  
کینک

<p>یامین محمد دوم صاحب کن تم</p> <p>هم بخوان محمد دوم نامی یحسان</p>	<p>شاهه الاشان پادالدين امام بهنا</p> <p>بست محمد دوم ازل توليد سال چلشتر</p>
<p>تاريخ وفات شيخ علاء الدين عطار سجاری که در سال شصت و دو بود و قوام</p> <p>چو از دنیا علاء الدین عالمی</p> <p>عجب تاریخ وصلش جسد گر شد</p> <p>و گر خند دوم دوازدهت سالش</p> <p>ز پیر عقل قطب مفاصل بدست</p> <p>زمانه کشف شد کلمات عرفان</p> <p>و گویا ده و گویا محمد دوم</p>	<p>انکه بشد روشن بنام با کمال نصرت</p> <p>گویند و الدین امام با کمال نصرت</p> <p>بجست رفت زین مهر ای پیکار</p> <p>ز نور دین علاء الدین عطار</p> <p>عیان شد پیر روشنی دل نیکار</p> <p>چو خواست رحلت آن شاه ابرار</p> <p>چو بخت از دل وصالش سرور زار</p> <p>رقم شد رحلت آن پیر حق یار</p>
<p>تاریخ وفات میر سید عمر بن میر کلال که در سال شصت و سه بود قوام</p> <p>روح او با وصل حق موصول شد</p> <p>ام امیر دین محمد مقبول شد</p> <p>تاریخ وفات خواجه شاه میر بن میر کلال که در سال شصت و چهار بود و قوام</p> <p>سرو عشاق انجیده شاه میر</p> <p>زیده آفاق امجد شاه میر</p> <p>تاریخ وفات خواجه عارف دیک کرانی که در سال شصت و پنج بود قوام</p> <p>عارف متقی شیخ جنت</p> <p>هم بفرموده گویا شصت جنت</p>	<p>شد بجست جون عظیم مثل جمر</p> <p>رخش محمد دوم آفتاب ابد</p> <p>تاریخ وفات خواجه شاه میر بن میر کلال که در سال شصت و چهار بود و قوام</p> <p>سرو عشاق انجیده شاه میر</p> <p>زیده آفاق امجد شاه میر</p> <p>تاریخ وفات خواجه عارف دیک کرانی که در سال شصت و پنج بود قوام</p> <p>عارف متقی شیخ جنت</p> <p>هم بفرموده گویا شصت جنت</p>
<p>تاریخ وفات میر ربان بن میر کلال که در سال شصت و شش بود قوام</p> <p>میر ربان صاحب ربان و</p> <p>میر ربان پیر دین طیب بگو</p> <p>تاریخ وفات خواجه میر حمزه بن میر کلال که در سال شصت و هفت بود قوام</p> <p>یافت غرلده با غنم و دقا</p>	<p>نور عرفان بحبله و الا یافت</p> <p>عارف جنت است تاریخیش</p> <p>تاریخ وفات میر ربان بن میر کلال که در سال شصت و شش بود قوام</p> <p>میر ربان صاحب ربان و</p> <p>میر ربان پیر دین طیب بگو</p> <p>تاریخ وفات خواجه میر حمزه بن میر کلال که در سال شصت و هفت بود قوام</p> <p>یافت غرلده با غنم و دقا</p>





[illegible]

فخاص صدیق گو در گز باره	خواجه ماد و سخی حق عبید اید
تاریخ ولادت و وفات خواجه نور الدین عبد الرحمن جامی که ولادت در سال ۸۹۵	در سال ۹۰۵
خواجه باغی و لے ساقی جام صاحب توفیق گو توبه او رحلتش در الکر امت ۹۰۴	جرعه نویسی جام حب کبریا نیز و اس کے چھان مشککشا ہم شفیق راہ بر اسے باصفا بہر سال رحلتش کردم نہا رائے دین حسن عرش سرور
تاریخ وفات سید میر عبد الاول نقشبندی که در سال ۹۰۵	در سال ۹۰۵
افت چون آخر مقام اندوشت سید کو مین محمد دم آمد ہست نیز ز اد عبد اول حق ہست	عبد اول میر دین جنت مکان ارتحال آن شبہ و وزمان باز شاہ حق جنت ہدان
تاریخ ولادت و وفات خواجہ شمس الدین محمد رومی که ولادت در سال ۹۰۵	در سال ۹۰۵
گشت شمس الدین چور و شرف جہاں مہربان محبوب شمس دین چون بہت تر حلیش ولی بر نویش با دوی اسلام شمس الاکرمین خاص باری خسر و ابدال نیز	سال تولدیش بقول اصفا نیز شمس الاصفیا اہل صفی ہمہ گر محمدی مکر مہمقتدا گشت حاصل بہر وصلش بہنا ختم شد سال وصالش و الدعا
تاریخ شہادت خواجہ محمد یحیی شہید کہ در سال ۹۰۵	در سال ۹۰۵
شیخ یحیی شہید کامل عصر یافت حق راہر آنکہ او ایات کرد چون زین جہان بجله عروج صاحب جان تبار شد تاریخ	اکمل و اسعد ہست و شہید دید حق راہر آنکہ او را دید روح پاکش بر اوج عرش رسید نیز قطب کبیر مر و شہید
تاریخ وفات خواجہ محمد عبد نقشبندی کہ در سال ۹۰۵	در سال ۹۰۵

تاریخ ولادت و وفات خواجہ نور الدین عبد الرحمن جامی کہ ولادت در سال ۸۹۵  
 در سال ۹۰۵  
 خواجہ باغی و لے ساقی جام صاحب توفیق گو توبه او رحلتش در الکر امت ۹۰۴  
 جرعه نویسی جام حب کبریا نیز و اس کے چھان مشککشا ہم شفیق راہ بر اسے باصفا بہر سال رحلتش کردم نہا رائے دین حسن عرش سرور  
 تاریخ وفات سید میر عبد الاول نقشبندی کہ در سال ۹۰۵  
 در سال ۹۰۵  
 افت چون آخر مقام اندوشت سید کو مین محمد دم آمد ہست نیز ز اد عبد اول حق ہست  
 عبد اول میر دین جنت مکان ارتحال آن شبہ و وزمان باز شاہ حق جنت ہدان  
 تاریخ ولادت و وفات خواجہ شمس الدین محمد رومی کہ ولادت در سال ۹۰۵  
 در سال ۹۰۵  
 گشت شمس الدین چور و شرف جہاں مہربان محبوب شمس دین چون بہت تر حلیش ولی بر نویش با دوی اسلام شمس الاکرمین خاص باری خسر و ابدال نیز  
 سال تولدیش بقول اصفا نیز شمس الاصفیا اہل صفی ہمہ گر محمدی مکر مہمقتدا گشت حاصل بہر وصلش بہنا ختم شد سال وصالش و الدعا  
 تاریخ شہادت خواجہ محمد یحیی شہید کہ در سال ۹۰۵  
 در سال ۹۰۵  
 شیخ یحیی شہید کامل عصر یافت حق راہر آنکہ او ایات کرد چون زین جہان بجله عروج صاحب جان تبار شد تاریخ  
 اکمل و اسعد ہست و شہید دید حق راہر آنکہ او را دید روح پاکش بر اوج عرش رسید نیز قطب کبیر مر و شہید  
 تاریخ وفات خواجہ محمد عبد نقشبندی کہ در سال ۹۰۵  
 در سال ۹۰۵

تاریخ ولادت و وفات خواجہ نور الدین عبد الرحمن جامی کہ ولادت در سال ۸۹۵  
 در سال ۹۰۵  
 خواجہ باغی و لے ساقی جام صاحب توفیق گو توبه او رحلتش در الکر امت ۹۰۴  
 جرعه نویسی جام حب کبریا نیز و اس کے چھان مشککشا ہم شفیق راہ بر اسے باصفا بہر سال رحلتش کردم نہا رائے دین حسن عرش سرور  
 تاریخ وفات سید میر عبد الاول نقشبندی کہ در سال ۹۰۵  
 در سال ۹۰۵  
 افت چون آخر مقام اندوشت سید کو مین محمد دم آمد ہست نیز ز اد عبد اول حق ہست  
 عبد اول میر دین جنت مکان ارتحال آن شبہ و وزمان باز شاہ حق جنت ہدان  
 تاریخ ولادت و وفات خواجہ شمس الدین محمد رومی کہ ولادت در سال ۹۰۵  
 در سال ۹۰۵  
 گشت شمس الدین چور و شرف جہاں مہربان محبوب شمس دین چون بہت تر حلیش ولی بر نویش با دوی اسلام شمس الاکرمین خاص باری خسر و ابدال نیز  
 سال تولدیش بقول اصفا نیز شمس الاصفیا اہل صفی ہمہ گر محمدی مکر مہمقتدا گشت حاصل بہر وصلش بہنا ختم شد سال وصالش و الدعا  
 تاریخ شہادت خواجہ محمد یحیی شہید کہ در سال ۹۰۵  
 در سال ۹۰۵  
 شیخ یحیی شہید کامل عصر یافت حق راہر آنکہ او ایات کرد چون زین جہان بجله عروج صاحب جان تبار شد تاریخ  
 اکمل و اسعد ہست و شہید دید حق راہر آنکہ او را دید روح پاکش بر اوج عرش رسید نیز قطب کبیر مر و شہید  
 تاریخ وفات خواجہ محمد عبد نقشبندی کہ در سال ۹۰۵  
 در سال ۹۰۵

[illegible][illegible][illegible]





در احوال و توفیق  
بنده یی که در این راه  
دستی گردانید  
و نعمت از دست  
برگردانید است  
و کما یفتقر الیه  
از ذات الهی  
صداقت و تقوی  
عالمین را  
فایز و

























[illegible][illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱









چو عبد الجلیل از جهان رخت بخت	بگو سال وصلش بطریق میل
یکی تاج عرفان احمد مجید	اگر مدتی حق عیسی میل
تاریخ وفات قاضی نجم الدین کجراتی که در سال نهصد و یازده بود قمر آمد	در جهان از رحمت پرور و کار
گشت نجم الدین جوید روشن مثل ماه	رحلت آن قاضی پس میل و کار
بلوهر گشته نجم دین محمد دوم دین	صاحب جبر است و فاضل در شمار
باز سال نهصد و سی و پنج سال	
تاریخ وفات سید عثمان بخاری لاهوری که در سال نهصد و دو و ازده بود قمر آمد	یافت از حق با وج حدن مکان
سیر عثمان چو گشت سر بهشت	معدن جوید سید عثمان
بست و صفتش سیر عثمان نیز	
تاریخ وفات سید علم الدین چونی وال که در سال نهصد و شانزده بود قمر آمد	مالک علم لیسے علم دین
شد چو از مالک مسلم حق سجد	کاشف دین مالک مسلم یضین
است تاج الفیاض السخس مگر	
تاریخ وفات قاضی محمود کجراتی که در سال نهصد و بیست و چهار بود قمر آمد	از جهان شد حمد گو یان و جهان
چون گزلی محمود و محمود و عاقبت	ساکت شکست محمود و دان
از شمال او بگو شیخ حداد	بسی تحصیل است و سعی میرزا جان
و کر کن از ذکر سال انتخاب	
تاریخ وفات شیخ موسیقی آنکه لاهوری که در سال نهصد و بیست و پنج بود قمر آمد	شده بر کشتن سجد با و دانے
چو لور طر و عرفان شیخ موسی	ز سلطان زمان موسی مانے
دل سرور و صالتش طرفه حجت	
تاریخ وفات سید حاجی عبدالوهاب دهلوی که در سال نهصد و سی و دو بود قمر آمد	حاشیے حرین و اسے جدا
از جهان در روضه جنت کعبه	کنن و قمر سال و صالتش سره
سید محبوب همیشه متقی	منشوا حاشیے و سکه متقی
باز گوید تاریخ و میل انتخاب	
تاریخ وفات شیخ جمال المتخلص کجالی سهروردی که در سال نهصد و سی و دو بود قمر آمد	

























۱۹۹۲	۱۹۹۱
مصدق عثمان گشت و رقم شد	نیز ز سبب قبله دنیا و دین
تاریخ وفات شیخ عمر بن عثمان صوفی که در سال و صد و نو و شش یافت	۱۹۹۰
چو در خلد برین بعد از عمر رفت	جناب شیخ عمر و مر و کینا
۱۹۹۱	۱۹۹۰
بگو سلطان امام دین و صالح	و اگر فرما ۳۱۳ مام دین
سورگ و دوباره ناموزون	مکن از رسد سالش بود
تاریخ وفات شیخ ابو عثمان حیری که در سال و صد و نو و هشت یافت	۱۹۹۰
چون ابو عثمان دله مقدا	از فنا اندر بقا آخر رسید
قطب واقف ساکت آفتاب چون	رحلت او هم دله حق سعید
تاریخ وفات شیخ ابو العباس حمد بن محمد بن سروق که سال و صد و نو و نو یافت	۱۹۹۰
بلک جهان یافت ما و اخی کثیر	چو عباس شیخ ۱۱۱۱ مام دین
۱۹۹۱	۱۹۹۰
ز صدیق صادق بجز رحلتش	بفرما اگر حق نسا ایل دین
تاریخ وفات شیخ یوسف بن حسن ازی که در سال و صد و سه یافت	۱۹۹۰
یوسف مصر و لایت اهل حرد	شاه جنت گشت چون باغ و نشان
سال تر حلیش بعد حسن و جمال	یوسف ما دمی حسین امدینان
تاریخ وفات شیخ ابو العباس عبدالقادر بن محمد که در سال و صد و چهار یافت	۱۹۹۰
چو سویی روضه جنت روان شد	کریم الناس عبدالقادر دے
تاریخ وصال او خرد و گفت	ابو عباس عبدالقادر دے
تاریخ وفات شیخ ابوسعید عبدالقادر بن حلا که در سال و صد و شش یافت	۱۹۹۰
شیخ دین ابن جلا چون از جهان	در سراجی خلد شد منزل گزیر
۱۹۹۱	۱۹۹۰
بدر اهل دین است سال و وصل او	بار دیگر اهل دین اهل تقیر
تاریخ وفات شیخ حسین بن منصور حلاج که در سال و صد و هفت یافت	۱۹۹۰
حضرت حق کو حق شن با کمال	یافت از حق با جناب حق و مال
جسم او حق بود و جانش نور عین	قتل شد بر نام حق همچون حیدر
سال و وصل او عجب مثل فلق	شد ز دل روشن که حق کامل حق
سال و وصل آن شد هر دو جهان	بار صدیق زمانه شد عیان

تاریخ وفات شیخ عمر بن عثمان صوفی که در سال و صد و نو و شش یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو عثمان حیری که در سال و صد و نو و هشت یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو العباس حمد بن محمد بن سروق که سال و صد و نو و نو یافت  
 تاریخ وفات شیخ یوسف بن حسن ازی که در سال و صد و سه یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو العباس عبدالقادر بن محمد که در سال و صد و چهار یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابوسعید عبدالقادر بن حلا که در سال و صد و شش یافت  
 تاریخ وفات شیخ حسین بن منصور حلاج که در سال و صد و هفت یافت

تاریخ وفات شیخ عمر بن عثمان صوفی که در سال و صد و نو و شش یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو عثمان حیری که در سال و صد و نو و هشت یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو العباس حمد بن محمد بن سروق که سال و صد و نو و نو یافت  
 تاریخ وفات شیخ یوسف بن حسن ازی که در سال و صد و سه یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو العباس عبدالقادر بن محمد که در سال و صد و چهار یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابوسعید عبدالقادر بن حلا که در سال و صد و شش یافت  
 تاریخ وفات شیخ حسین بن منصور حلاج که در سال و صد و هفت یافت



خواه والاقتدر مقرر آن	سال ترجمیل آن اباقاسم
تاریخ وفات شیخ ابوالعباس یاری که در سال سه صد و چهل و دو و یا چهل و سه	تاریخ وفات شیخ ابوالعباس یاری که در سال سه صد و چهل و دو و یا چهل و سه
خواجه حق واصل شد از رحمت حق	خواجه شیخ ابوالعباس حق زان
مطیع باری و پسر مکمل	امام مسلمین شد رحلت آن
ابوالعباس حق بن رطلش گو	ابوالعباس مهدی قطب بزوان
ز قطب العالمین جو آرتشالش	در قطب کبیر ای صاحبان
تاریخ وفات شیخ ابوالخیر تنانی که در سال سه صد و چهل و سه بود قوم	تاریخ وفات شیخ ابوالخیر تنانی که در سال سه صد و چهل و سه بود قوم
حضرت ابوالخیر اهل خیر بر	شد خیر از دهر و زحل برین
گوزنی محبوب ربانی هلال	بار دیگر قبله اهل یقین
تاریخ وفات شیخ ابوعمر و زجاجی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم	تاریخ وفات شیخ ابوعمر و زجاجی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم
جو عمر جاودانی در خان یافت	ابو عمر و زجاجی شیخ مایه
وصال او محب مظهر بان	در باره ابو عمر و زجاجی
قطعه ناسی	قطعه ناسی
ابوعمر و زجاجی زبیر دین	ز دنیا شد جو سوسوی خلد را
وصال او سه اتور و سه گو	دو باره دان ولی نور الهی
تاریخ وفات شیخ جعفر نصیر خلدی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم	تاریخ وفات شیخ جعفر نصیر خلدی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم
چو جعفر شیخ خلدی مالک خلد	ز دنیا رفت در خلد مطیع
سبحان میرزایان یا میر محمد	سال رحلت آن شاه بکتا
مگر امجد مطیع طالب حق	در باره محمد نو که فرما
تاریخ وفات شیخ ابوالحسن بوشنجی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم	تاریخ وفات شیخ ابوالحسن بوشنجی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم
ابوالحسن جون از جهان هفت بود	و صل این حسن ولی حسن جان
کون قسم محبوب بن حق حسن	و صل دین بو الحسن کون جان
قطعه ناسی	قطعه ناسی
چون حسن زمانه بو الحسن پیر	از دیده خلق رو که هفت
دل مبر وصال آن شه دین	محبوب بنی علی حسن گفت

نام شیخ ابوالعباس حق زان  
 ز هزار و شصت و شصت و شصت  
 نام شیخ ابوالعباس مهدی قطب بزوان  
 ز هزار و شصت و شصت و شصت  
 نام شیخ ابوالخیر تنانی  
 ز هزار و شصت و شصت و شصت  
 نام شیخ ابوعمر و زجاجی  
 ز هزار و شصت و شصت و شصت  
 نام شیخ جعفر نصیر خلدی  
 ز هزار و شصت و شصت و شصت  
 نام شیخ ابوالحسن بوشنجی  
 ز هزار و شصت و شصت و شصت

گنجینه

کتابت دی او محمد واصل از بغداد  
 کتابت دی او محمد واصل از بغداد  
 کتابت دی او محمد واصل از بغداد  
 کتابت دی او محمد واصل از بغداد  
 کتابت دی او محمد واصل از بغداد  
 کتابت دی او محمد واصل از بغداد  
 کتابت دی او محمد واصل از بغداد  
 کتابت دی او محمد واصل از بغداد  
 کتابت دی او محمد واصل از بغداد  
 کتابت دی او محمد واصل از بغداد











عارف آبرو دمی است تاریخش	خوان دگر بار اهل حق مقصود
قطعه گرایم	
پیرمقبل خواجه مقبول پیر	یافت با اقبال در فردوس جا
رحلتش سر آسوده عابد است	شاه عابد نیز رکن الاصفی
تاریخ وفات شیخ ابراهیم منوچهری که در سال سجد و شتا دوشش بود قوم آمد	
یافت بی گفتگو ز حق حجت	صاحب حال و قایل ابراهیم
رحلتش نور عین مقصود است	نیز اهل کمال ابراهیم
تاریخ ولادت وفات بولجین سمون که ولادتش در سال سجد و وفاتش در شتا و وفات	
ولی حسن سمون بولجین است	امین و ماسن و دمی مامون
شیر آرد ز دل تولد باکش	کریم شعیان از طبع موزون
وصالتش سالک حق بولجین است	دگر امجد و سکه الله سمون
دگر سکین ولی و الی جو دست	ز دل شاه عطاشد طر فیه برن
وصالتش کن زقم سمون طوق	نخوان مهدی امجد ابن سمون
قطعه مانع	
شه دین مقدا ای اهل اسلام	جناب ابن سمون شیخ والا
تولدش زقم کن شیر آرد	محب میر و سلطان محله
جستیم سال تولدش دوباره	ز دل شد طالب انوار پیدا
سال انتقال آن شه دین	امام المومنین عابد لفرما
تاریخ وفات شیخ ابو طالب محمد بن علی عارفی که در سال سجد و شتا دوشش است	
شیخ ابو طالب و سکه مطلوب حق	شد جواز دنیا با نیت
مرد طالب اهل دین تاریخ او	بار دیگر محضر بان طالب
رحلتش قطب المآر است دگر	طالب نام محمد بن سکه
تاریخ وفات شیخ ابو بکر موسی که در سال سجد و شتا دوشش بود قوم آمد	
پیر موسی که بود شیخ جهان	داشت با ذکر دگر مانع
میر موسی است سال رحلت او	باز بولجین دگر موسی

لکنت دمی اعلی از اعدای حق و مقصود  
بخدا بود و دمی سکه صاحب دین

دک نام نامی صاحب دین اعدا  
بن اهل دین سمون و ابو الفیاض  
داشت و بان سمون بنور بود در  
بخدا و در دوشش بالا سکه

نیکوکار

مست از دوشش غلام و ادبیا کرام  
بود و مولد دوشش دمی که منظم است  
بید شیخ عارف ابو الحسن و کتابت الفقه  
اصحاب عالم و دوشش است  
تفنیفا کرد و دوشش است  
دک نام دمی که دوشش است  
دوشش است و دوشش است

تاریخ او

تاریخ او

تاریخ وفات ابوالقاسم عبدالصمد حافظ و نیوری که در سال سید و نو و وقت بود	
قیمت خود یافت چون فاضل مجله	سال وصل آن شش کون و مکان
بهت محبوب زبان عبد الصمد	نیز ابوالقاسم ولی عالی بدان
نور عالم پس سراج الطالبین	مهدی محبوب و نیوری بخوان
تاریخ وفات خواجگی بن عمار با سر که در سال چار صد و دو بود و قوم آند	
یافت چون یکی حیات و امی	در جهان تاریخ آن والا مکان
بهت مایه نامور سبب گوی	نیز یکی قطب را بانی بخوان
از فرید حق سبب تاریخ او	باز بدرالدین امین کن فرحان
تاریخ وفات شیخ بوعلی دقاق که در سال چار صد و پنج بود و قوم	
محقق خدا چو شد سبحان	شیخ دقاق عاشق مشتاق
بهت تاریخ رحلت آن شاه	زاهد دین ابوسعلى دقاق
ناصر دین مطلع نور است	نیز دقاق زبده آفاق
تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن سلمی که در سال چار صد و دو و از ده بود و قوم	
چون سلامت رفت در خلد برز	از جهان سلمی محمد بن حسین
پیشتر مست سال وصل او	هم شیخ ان سلمی محمد بن حسین
قطعه نامه	
جو در خلد برین شد عبد الرحمن	ز رحمن یافت عمر حا و دان
وصالش زبده آفاق پیر	ز طبعم شد روان بحر المعانی
تاریخ وفات شیخ ابوسعید مالینی که در سال چار صد و باز ده و از ده بود و قوم	
باسعادت چو شد سبب مجله	سال تاریخ آن شش دهن
حق طلب قطب ابوسعید گوی	هم حسن بن سید مایه
قطعه نامه	
یافت چون ابوسعید اسعد میر	باسعادت سبب مجله والا جا
رحلت صاحب الکرم و ج کوی	نیز مقبول کسب با فریا
تاریخ وفات ابوالحسن عالی بن جعفر هادی که در سال چار صد و باز ده بود و قوم	

۱۱۱  
 در این کتاب از تاریخ وفات ابوالقاسم عبدالصمد حافظ و نیوری که در سال سید و نو و وقت بود  
 در این کتاب از تاریخ وفات خواجگی بن عمار با سر که در سال چار صد و دو بود و قوم آند  
 در این کتاب از تاریخ وفات شیخ بوعلی دقاق که در سال چار صد و پنج بود و قوم  
 در این کتاب از تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن سلمی که در سال چار صد و دو و از ده بود و قوم  
 در این کتاب از تاریخ وفات شیخ ابوسعید مالینی که در سال چار صد و باز ده و از ده بود و قوم  
 در این کتاب از تاریخ وفات ابوالحسن عالی بن جعفر هادی که در سال چار صد و باز ده بود و قوم

حسن کامل یافت چون ابدیت سال ترحیلش بگو با صد جمال	من دین مقبول سبحانی حسین بوعلی محبوب سید الهی حسین
حسن و اسل حسین حسین سال وصالش نصیر دین فرما	شد ز دنیا جو سوی خلد روان همه گریه کنان الحاقی خوان
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله طاقی که در سال چهارصد و شانزده بود و قوم چو طاقی از دار دنیا رفت و خلد	جناب شاه عالمیت طاقی اسم اسل حسن عبد الله طاقی
چو طاقی طاق از دار وفات مقدس پیر و اسل فقر کفتم	وصال آن شه دین اسل حسین شه عالمی دو بار اسل حسین
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمد بن علی دانی که در سال چهارصد و شانزده پانزده بود و قوم شد جو از دنیا بسزم احمدی	شیخ خن اگاه محمد بن علی یار حق محمود و سالش هشت و نیز
چون شه جن و اسل عبد الله کاشف هر که تا بنجین	شد ز دنیا بجنبت العالی شاه عالمی دین و ا
هم دلی شاه دین رسم درما تاریخ وفات خواجه ابو منصور اصفهانی که در سال چهارصد و هجده بود و قوم	رحلت آن جناب شعالی شاه ابو منصور اصفهانی
شد عبد نصرت چو در خلد برین چو ز وحیدت سال این کتا در	شاه ابو منصور اصفهانی زنده کامل امام اصفهانی
کو نیز حسن هم عالمی و قار تاریخ ولادت و وفات سید سلطان سالار مسعود قاری که ولادتش در	هم ابو منصور پاک ای مهر سال چهارصد و پنجاه و وفات در چهارصد و نوزده یا سب و چهار بود و قوم
شاه و سالار سید مسعود -	غازی دین و احمد مختار

بنام خداوند  
فیضان عالمی  
تاریخ ولادت و وفات سید سلطان سالار مسعود قاری که ولادتش در سال چهارصد و پنجاه و وفات در سال چهارصد و نوزده یا سب و چهار بود و قوم  
شاه و سالار سید مسعود -

بنام خداوند  
فیضان عالمی  
تاریخ ولادت و وفات سید سلطان سالار مسعود قاری که ولادتش در سال چهارصد و پنجاه و وفات در سال چهارصد و نوزده یا سب و چهار بود و قوم  
شاه و سالار سید مسعود -

اشرف المخلوق و اکرم المخلوق سال تو بس اوست مطلع تو ارتخاش جمال فردوس است گفته ام باز بسید فردوس نیز اهل جلال بهر دین وصل او سید آتشید بخوان گفت تاریخ آن شه کو قنن ست پاتش شهید عابد مال سیر اهل صفا و ذکر بازه شد مرا قول اولین تصدیق	قره العین حیدر کرار صاحب قد رکن دگر تکرار نیر دین اهل دین ای یار طرفه تاریخ آن شه ابرار گو تو صیقل آن شه وندار مر و مشغو و جسم بکن اظهار ولی مهدی شهید سرور زار هم با قول بعضی از اخبار ماز در ماسی تصدیق ای حق یار نیز تاریخ وصل آن سرور آ
تقطعه مانده	
خانبهده مسو و سالار بنویش مگو سالار آفتاب شهید عادل آید ارتخاش دگر مشغو و سلطان عزیزا	مبیدان شهادت مرد و کیمیا دو بار اسید آتش سلطان معلی جیب عارفان کردم هویدا بوصل آن ولی واسطی و آلا
تاریخ وفات میر ساهو علوی که در سال چار صد و ست و سه بود	از عطا و فضل رب العالمین نیز اسل دین محمد اسلمین بار ساهی حق طلب کن و تقصیر
میر ساهو گشت چون میر شمس رحلتش میر امین ساهو مگو هم معطی قبله کو قنن خوان	تاریخ وفات سید بوعلی شاه که در سال چار صد و ست و چار بود تو ع آمد
چون بلطف و خالق ارض و سما بوعلی شاه است سال وصل او	یافت اندر خلد شاهی بوعلی هم بخوان سیرا بوعلی
تاریخ وفات شیخ ابواسحاق بن شهریار که در سال چار صد و ست و شش	چون ابواسحاق با صد غرضان همگر محسن ولی عالی مکان
یافت جامی خوشین در خلد بزر که در سال وصل او	

در بزرگوار رساله مسو و غازی شریف  
 است در بیان و اندو غازی صاحب  
 در جامع بعضی در خطه استان اند و بنام  
 حاکم بن عبد بنید و شمس که در دیه بنام  
 باب سیکب انتر غرضات یافت  
 که در بیان و در دست و با ابواب  
 که از اکابر شایسته است و با ابواب  
 کتاب و احمد بن صاحب داشت و

بی سال دزد و دایانده  
 است نام و سبب ابراهیم در وصل ارتخاش  
 است در دست ابراهیم و علی حسین بن محمد  
 که در آبادی داشت و ولی باور زار و  
 در بیدار و شریف غرضه علی در علوم ظاهری و  
 باطنی جان و کجایه آفاق بود



سالمک عالی حبیب صفت	نیز بوسحاق سلطان بنان رحلتش نورعین فرمایان بار دیگر بادی حق مهربان
قطعه ثانی	
شیخ دین طاق شاه بوسحاق	مافت از دهر چون سجد بکان همه گر باد شاه جان جهان رحلتش آن دلی دوزبان
تاریخ وفات شیخ ابو منصور حکیم انصاری که در سال چارصد و سی و نهم بود	
شد چون منصور در ملک بقا	با نهر ایران فتح و نصرت از عدم جلوه منصور و هم منصور دم میشد اسالک قسم کن از قلم
تاریخ وفات شیخ ایاز لاهوری که در سال چارصد و سی و چهار بود	
شیخ والا آماز محمدر جهان	در صفت اسهل را از مهر است باز عارف ایاز جان باز است
قطعه ثانی	
بیر دین جان باز چون شیخ ایاز	باز شد در غدا ز روی زمین نیز گوهر در انام الاکرین
تاریخ وفات شیخ احمد قدوسی که در سال چارصد و سی و هفت بود	
شد چون در بر محمد از جهان	شیخ دین احمدی احمد ولی بار دیگر نور حسن احمدی
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوسعید بن ابوالخیر که در سال صد و پنجاه و هفت و وفات در سال چارصد و چهل و یک بود	
ابوسعید آن شیخ دین اسعد سعید	مقتدای اولیا و ائمه رحلتش گفتیم سید بر شما باز محوم بوسعید آمد ندا

باز از بزرگان قدیم لاهور است و در  
سلطنت عیدیه توسل داشت و اگر چه حبیب  
قطعه ثانی میلین تاریخ وصال وی را تمام نوشته  
باز از خال کاظم دست فرزاده است بزرگ ابان  
مستور و بیست و بیست که این بزرگ ابان  
علامه و محبوب سلطان محمود غزنوی است

در کتاب

تاریخ از عهد و علما و دیگر نصیحات  
بود کتاب قدوسی از اشهر ترین تصانیف  
و سی است  
تاریخ نامهای است و فضل از قد و صفتش  
از خراسان است و وفات آن عیدیه شیخی صاحب  
بن میر خنی است و وفات آن عیدیه شیخی صاحب  
از نداد و پادشاه بود

جان

خوان ولی آهنگ وین سلطان سعید		عارف محبوب سالش سرور
قطعه ثانی		
سفر کرد چون با سعادت زوهر	سعید حبیان بوسید سعید	
کریم سلیم است سالش مگر	ولی زمان بوسید سعید	
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله ما که در سال چار صد و پهل و دو تو		
عابد محبوب و عابد الله شیخ دین حق	از عبادت یافت در خلد برین نرکان	
اهل حق و طالب کفایت و اهل کاد	نیز عابد الله بنیر از خاطر مژده ترکان	
باز عابد الله کریم گویا لرحلتش	عارف کامل بخوان قطب المکریم کنان	
تاریخ وفات شیخ اسمعیل محدث لاہوری که در سال چار صد و پهل و هشت تو		
یافت آخر مکان بخلد برین	چون شد دین نصیب اسمعیل	
سال وصلش فقیر محبوب است	نیز بر وجب اسمعیل	
تاریخ وفات شیخ ابو الحسن علی روزی که در سال چار صد و پنجاه و یک تو		
رواق خلعت شد باغ بهشت	همچو سر و سہی حسن روزی	
عارف زندہ دل گویا سالش	نیز فرست علی حسن روزی	
قطعه ثانی		
چون زد و بنا حسن جنت شد حسن	ہست سال ان حسن الحنین	
وائے ابرار و ہم والی تاج	بار دیگر عالم علم تقین	
تاریخ وفات شیخ ابو الفضل بن حسن چنگی که در سال چار صد و پنجاه و سہ تو		
رواق خلعت و فضل جنت شد	چون ابو الفضل الفضل الابرار	
ارتحالش و کے رہبر خوان	کریم رقم نیز سعد ان الابرار	
تاریخ وفات حضرت شیخ محمد علی گنج بخش جلالی ہجوری لاہوری غروی		
کہ در سال چار صد و شصت و چار یا شصت و پنج یا شصت و شش بوقوع آمد		
علی غزنوی آں شاہ ہجور	سر ابا نور روشن ماہ ہجور	
سفر و زید چون از دافانی	شدہ خالہ بخلد جاودانی	
منور رحلتش چون ماہ گرد	علی ہجور سے عالی جاہ گرد	

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله ما که در سال چار صد و پهل و دو تو  
 عابد محبوب و عابد الله شیخ دین حق  
 اهل حق و طالب کفایت و اهل کاد  
 باز عابد الله کریم گویا لرحلتش  
 تاریخ وفات شیخ اسمعیل محدث لاہوری که در سال چار صد و پهل و هشت تو  
 یافت آخر مکان بخلد برین  
 سال وصلش فقیر محبوب است  
 تاریخ وفات شیخ ابو الحسن علی روزی که در سال چار صد و پنجاه و یک تو  
 رواق خلعت شد باغ بهشت  
 عارف زندہ دل گویا سالش  
 تاریخ وفات شیخ ابو الفضل بن حسن چنگی که در سال چار صد و پنجاه و سہ تو  
 رواق خلعت و فضل جنت شد  
 ارتحالش و کے رہبر خوان  
 تاریخ وفات حضرت شیخ محمد علی گنج بخش جلالی ہجوری لاہوری غروی  
 کہ در سال چار صد و شصت و چار یا شصت و پنج یا شصت و شش بوقوع آمد  
 علی غزنوی آں شاہ ہجور  
 سفر و زید چون از دافانی  
 منور رحلتش چون ماہ گرد

عارف محبوب سالش سرور  
 قطعه ثانی  
 سعید حبیان بوسید سعید  
 ولی زمان بوسید سعید  
 تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله ما که در سال چار صد و پهل و دو تو  
 عابد محبوب و عابد الله شیخ دین حق  
 اهل حق و طالب کفایت و اهل کاد  
 باز عابد الله کریم گویا لرحلتش  
 تاریخ وفات شیخ اسمعیل محدث لاہوری که در سال چار صد و پهل و هشت تو  
 یافت آخر مکان بخلد برین  
 سال وصلش فقیر محبوب است  
 تاریخ وفات شیخ ابو الحسن علی روزی که در سال چار صد و پنجاه و یک تو  
 رواق خلعت شد باغ بهشت  
 عارف زندہ دل گویا سالش  
 تاریخ وفات شیخ ابو الفضل بن حسن چنگی که در سال چار صد و پنجاه و سہ تو  
 رواق خلعت و فضل جنت شد  
 ارتحالش و کے رہبر خوان  
 تاریخ وفات حضرت شیخ محمد علی گنج بخش جلالی ہجوری لاہوری غروی  
 کہ در سال چار صد و شصت و چار یا شصت و پنج یا شصت و شش بوقوع آمد  
 علی غزنوی آں شاہ ہجور  
 سفر و زید چون از دافانی  
 منور رحلتش چون ماہ گرد

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله ما که در سال چار صد و پهل و دو تو  
 عابد محبوب و عابد الله شیخ دین حق  
 اهل حق و طالب کفایت و اهل کاد  
 باز عابد الله کریم گویا لرحلتش  
 تاریخ وفات شیخ اسمعیل محدث لاہوری که در سال چار صد و پهل و هشت تو  
 یافت آخر مکان بخلد برین  
 سال وصلش فقیر محبوب است  
 تاریخ وفات شیخ ابو الحسن علی روزی که در سال چار صد و پنجاه و یک تو  
 رواق خلعت شد باغ بهشت  
 عارف زندہ دل گویا سالش  
 تاریخ وفات شیخ ابو الفضل بن حسن چنگی که در سال چار صد و پنجاه و سہ تو  
 رواق خلعت و فضل جنت شد  
 ارتحالش و کے رہبر خوان  
 تاریخ وفات حضرت شیخ محمد علی گنج بخش جلالی ہجوری لاہوری غروی  
 کہ در سال چار صد و شصت و چار یا شصت و پنج یا شصت و شش بوقوع آمد  
 علی غزنوی آں شاہ ہجور  
 سفر و زید چون از دافانی  
 منور رحلتش چون ماہ گرد

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله ما که در سال چار صد و پهل و دو تو  
 عابد محبوب و عابد الله شیخ دین حق  
 اهل حق و طالب کفایت و اهل کاد  
 باز عابد الله کریم گویا لرحلتش  
 تاریخ وفات شیخ اسمعیل محدث لاہوری که در سال چار صد و پهل و هشت تو  
 یافت آخر مکان بخلد برین  
 سال وصلش فقیر محبوب است  
 تاریخ وفات شیخ ابو الحسن علی روزی که در سال چار صد و پنجاه و یک تو  
 رواق خلعت شد باغ بهشت  
 عارف زندہ دل گویا سالش  
 تاریخ وفات شیخ ابو الفضل بن حسن چنگی که در سال چار صد و پنجاه و سہ تو  
 رواق خلعت و فضل جنت شد  
 ارتحالش و کے رہبر خوان  
 تاریخ وفات حضرت شیخ محمد علی گنج بخش جلالی ہجوری لاہوری غروی  
 کہ در سال چار صد و شصت و چار یا شصت و پنج یا شصت و شش بوقوع آمد  
 علی غزنوی آں شاہ ہجور  
 سفر و زید چون از دافانی  
 منور رحلتش چون ماہ گرد

۱۵

<p>چو دل سال وصال آن دلی گفت بسال رحلت آن عارف حق چو آن شاه جهان اندر جان شد نخوان گریست سال وصال منظر وصال او ز دل گردید مضموم چو چشم از خرد تا ریخ ستارش وصال آن شه مرحوم و مغفور شود و بعد اوصال آن گرامی نوشتم ستمس دین و کشتن دین بسال رحلت آن شاه سرید دو باره پیرا پوری است ساش بسال رحلت آن شاه اکبر خرد چون سال وصال آن دلی گفت نخوان محبوب رهبر انتقالش بسال رحلت آن شاه دالا بسال رحلت آن پیر تفرید</p>	<p>بسرور بار ساکام علی گفت عیان گردید حق بین و آفت حق بسرور سال او سرور عیان شد حبیب اولیا کعبه نوره نور عجب تر حق تمام دمی معصوم رقم شد کاشف دین انتقالش شده حاصل ز عالمی قطب لاهوت زنجویری علی مادی نامی بسال رحلت آن شاه حق بین ندای گوهر حوری است آید اگر خواهی دلا سال وصالش علی پیر طایفه گفت است سرور بسرور ماه دین محضر علی گفت دلی میر تقی میر گوشت انتقالش خرد و الا و لے فقر گفت ندا آمد ز با تف اهل توحید</p>
<p>قطعه ثانی علی غزنوی آن شاه مجور شیخی اکبر سه احوال انداز اهل خبر و ضد کبر کی سردار خویش بار و کیر و کس</p>	<p>قطعه ثانی که بر دلبا عیان شد زو اسرار نجو بسال رحلت آن شاه دین و احوال سوم کن هم رقم کعبه انوار محبوی</p>
<p>قطعه ثالث شیخ عالمی علی پیر پیر ارستخاش سه هدایت خوان</p>	<p>قطعه ثالث پیرا علی محب عالمی قدر نیز فرما محب عالمی قدر</p>
<p>قطعه رابع حضرت محمد و مجویری دلی</p>	<p>قطعه رابع رفت چون از قبرش بر عرش برین</p>

از دیانت سال ترحیلش بجز	بار دیگر کن رستم عرفان بین
قطعه خامس	
قدر کمالی بخله عالی یافت	چون علی پر شمع محبوب
نیز آله بین علی رستم کردم	رحلتش نامور علی محبوب
کشف اجمال و شمس اجمال	سال ترحیل آن و علی محبوب
قطعه ششم	
شد ز دنیا با من چهلین	چون علو حجاب علی ولی
گو وصالش اسیر دین سلطان	نیز میر حجاب علی ولی
تاریخ وفات شیخ ابو القاسم قشیری که در سال چارصد و شصت و پنج بود قتل شد	
قیمت خویش یافت و حیات	رشد المؤمنین ابو القاسم
رحلتش عارف جمیل گوی	هم محب یقین ابو القاسم
قطعه هفتم	
شد چون در خلد با صد اقدار	شیخ ابو القاسم امین الاولیا
ارستخاش منعم دین قاسم است	بعد از قاسم امام الاجفای
نیز ابو القاسم مقصد س طیب است	رحلت آن مادی راه پدا
تاریخ ولادت و وفات مخدوم عبد الله انصاری که ولادتش در صد و نود و شش و وفات در بار صد و شش و یک هجری بود قتل شد	
شاه انصار شیخ عبد الله	نصرتین حضرت بارے
نور علم است نیز محرم حق	سال مولود او و چو شماری
رحلتش عارف مکمل دان	نیز و اعلی امام انصاری
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمدی که در سال چارصد و شصت و شش بود قتل شد	
چو از دنیا سبقت گشت راه	حمید سی رہنمای راه تحقیق
ولی العارفین گو ارستخاش	وگر باره حمید سی حمید بود
تاریخ وفات شیخ ابو الحسن بخاری که در سال چارصد و نود و یک هجری قتل شد	
حق جاوید یافت و رخت	بو الحسن پیر حسن الا برار

من از عالم شریعت فرستاد  
 رساله شریعت و فقه و طریقه و اخلاق  
 از تصانیف اوست در مدد و راهنمایی  
 علی و قاتان بود در مدد و راهنمایی  
 ت نامر که عبد الله کنیت ابو جعفر  
 بن ابی نصر و محمد انصاری قاتان و شیخ  
 لقب داشت در مدد و راهنمایی  
 رشتی از قاتان فرستاد آن را در مدد و راهنمایی  
 و در مدد و راهنمایی

۱۱۱  
 گنجینه

علی اصحاب از ده از شهر و اخبار قاتان  
 و در مدد و راهنمایی  
 در مدد و راهنمایی  
 در مدد و راهنمایی  
 در مدد و راهنمایی







قطعه ثانی	
چون مدی ابن مسافر شیخ دین ارخواست ما مقاب حق بگو باز فرما عارف اهل قسین ماشک مظلوم هم مظلوم عشق	شد سیاف از جهان سوئی جهان عاشق موکے دوباره کجایان هم شناور که به مش و دستان خوان ببال وصل آن شیخ نازان
تاریخ وفات شیخ ماجد گردی که در سال پانصد و شصت و یک بود	صورت گل رفت در باغ خاوا نیز ماجد با مدی الاسرار دانی
شیخ ماجد چون ازین بر خار دهر رخش سر و ار ماجد اجمعت	
تاریخ وفات سید احمد ایشورنخی سرور سلطان که در سال پانصد و شصت و دو بود	سید و سرور و سنخه احمد حسرت سرور چو سال تاریخش
	بو د سلطان عالم و دواکے بافش گفت سرور حالی
ایضا قطعه مانے	
سید احمد نخی سیر و ردی قطب سرور سرور سالک بگو	شد ز دنیا سرور ملک جهان نیز سرور و دواکے دین وصلان
تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سرور مدی مقتول که در پانصد و شصت و دو یک یا شش یا هفت یاشت بود	
رہبر عالم شهاب الدین شہید مدی اقدس شهاب الدین بگو مقتدای ایزدی تاریخ است سالک نزد آن شهاب الدین بود	شد چو در جنت بی تاریخ آن عهد دنیا شهاب الدین شون نیز از آید شفق مدی بدان هم شهاب الدین مقبول ایوان
کن رقم قراح ابواب عطا نیردین انور و اسرار دگر وصل او محمد مکر م گفته ام	هم گزینش لعل کن بیان نارح آفاق است هم ای مرغ خوان باز شد عبد شیر از دل عیان
قطعه ثانی	
چو بهر تو افکن چو در غلشد	شهاب ولی قطب سرور جهان

تاریخ وفات شیخ ماجد گردی که در سال پانصد و شصت و یک بود  
صورت گل رفت در باغ خاوا  
نیز ماجد با مدی الاسرار دانی  
شیخ ماجد چون ازین بر خار دهر  
رخش سر و ار ماجد اجمعت  
تاریخ وفات سید احمد ایشورنخی سرور سلطان که در سال پانصد و شصت و دو بود  
سید و سرور و سنخه احمد  
حسرت سرور چو سال تاریخش  
بو د سلطان عالم و دواکے  
بافش گفت سرور حالی  
ایضا قطعه مانے  
سید احمد نخی سیر و ردی  
قطب سرور سرور سالک بگو  
تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سرور مدی مقتول که در پانصد و شصت و دو یک یا شش یا هفت یاشت بود  
رہبر عالم شهاب الدین شہید  
مدی اقدس شهاب الدین بگو  
مقتدای ایزدی تاریخ است  
سالک نزد آن شهاب الدین بود  
کن رقم قراح ابواب عطا  
نیردین انور و اسرار دگر  
وصل او محمد مکر م گفته ام  
شد چو در جنت بی تاریخ آن  
عهد دنیا شهاب الدین شون  
نیز از آید شفق مدی بدان  
هم شهاب الدین مقبول ایوان  
هم گزینش لعل کن بیان  
نارح آفاق است هم ای مرغ خوان  
باز شد عبد شیر از دل عیان  
چو بهر تو افکن چو در غلشد  
شهاب ولی قطب سرور جهان

تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سرور مدی مقتول که در پانصد و شصت و دو یک یا شش یا هفت یاشت بود  
رہبر عالم شهاب الدین شہید  
مدی اقدس شهاب الدین بگو  
مقتدای ایزدی تاریخ است  
سالک نزد آن شهاب الدین بود  
کن رقم قراح ابواب عطا  
نیردین انور و اسرار دگر  
وصل او محمد مکر م گفته ام  
شد چو در جنت بی تاریخ آن  
عهد دنیا شهاب الدین شون  
نیز از آید شفق مدی بدان  
هم شهاب الدین مقبول ایوان  
هم گزینش لعل کن بیان  
نارح آفاق است هم ای مرغ خوان  
باز شد عبد شیر از دل عیان  
چو بهر تو افکن چو در غلشد  
شهاب ولی قطب سرور جهان

شهاب ولی قطب سرور جهان

تاریخ وفات شیخ عبدالرحیم معزنی که در سال ۱۰۶۰ با قصد و نود و دو بود	و اگر آفتاب جهان ایچوان
جویش مهر در منب نکان کراد	جناب مغربی شیخ مرزکی
سکه لاثانی آمد ارتحالش	و اگر عبدالمجسم عابد سلی
قطعه مانع	
چون رحیم دل بر عبد الرحیم	شد از جهان در بهشت برین
بگو واسه مقصد ارتحالش	بفرما دگر تروقه ای که مکن
تاریخ وفات شیخ نظام الدین گنجوی که در سال ۱۰۶۰ با قصد و نود و دو بود	شد از دنیا تا نظم تکسب
چون نظام الدین نظام و جهان	مست سال رحلت آن مقصد
کنج عرفان بجوئے پاک باز	از مبارک گنجوئے کنج صفا
باز شد سال وصالش جلوه گر	گشت بھر سال وصالش مدعا
اهل نصرت همی ولی شعی	شد سال رحلتش از دل نیدا
تاریخ وفات شیخ عبداللہ قریشی ہاشمی ہیکاری کہ در سال ۱۰۶۰ با قصد و نود و دو بود	چونکہ عبد اللہ جمال ہاشمی
شد جمال خلد با حسن و جمال	رحلتش ختم پیر آل ہاشمی
ہاشمی ہادی البکر شد عیان	گو بصل آن کمال ہاشمی
نور چشم و پیر کمال مہار	
تاریخ وفات سید حسین زنجانی لاہوری کہ در سال ۱۰۶۰ با قصد و نود و دو بود	پیر واقف حسین زنجانی
داخل خلد شد چو با اعدا	نیز عارف حسین زنجانی
سیر فرو و تس سال وصالش گو	
تاریخ وفات سید محمد ترنزی لاہوری کہ در سال ۱۰۶۰ با قصد و نود و دو بود	سید احمد شہ برنا و پیر
شد بزم احمدی چون زمین سرا	رحلتش سید ولی میرکبیر
پیر ہادی میر عالی جاہ گو	آفتاب شہن اوی روشنی
ماہتاب دین احمد کنر قسم	باز شاہ مہار اوی دستگیر
ماہ روشن یادے روشن	

ملکیت دی اویچوان  
 از زمین منسوب است و از ایمان  
 شیخ محمدی که در سال ۱۰۶۰ با قصد و نود و دو بود  
 رحلت از دنیا تا نظم تکسب  
 و اگر عبدالمجسم عابد سلی  
 خارج از دنیا تا نظم تکسب  
 نظام الدین گنجوی که در سال ۱۰۶۰ با قصد و نود و دو بود  
 رحلت از دنیا تا نظم تکسب  
 شیخ عبداللہ قریشی ہاشمی ہیکاری کہ در سال ۱۰۶۰ با قصد و نود و دو بود  
 رحلت از دنیا تا نظم تکسب  
 سید احمد شہ برنا و پیر  
 رحلتش سید ولی میرکبیر  
 آفتاب شہن اوی روشنی  
 باز شاہ مہار اوی دستگیر  
 ماہ روشن یادے روشن



تاریخ وفات شیخ غریب الدین کی لاہوری کہ در سال ششصد و دوازده و دو	
ز دنیا چو شد در بهشت	شہنشاہ دوزمین پرست کے
نجان آفتاب حسین بخت	نجان نیز پر حسن پرست کے
قطعه ناسی	
باغ از چون فوجیان کردجا	غریب جهان اہل غربت عزیز
ز دل گشت شد پر گشت ارتحال	وگر بار اجلال جنت مستیز
تاریخ وفات شیخ ابو الحسن کہ یہ کہ در سال ششصد و دوازده و دو	
چو شد ابو الحسن حسن خلد برین	تبار نیم آن مرشد مقتدا
کی ابو الحسن مجتبی کن گشت	وگر نو الحسن رہبر اولیا
تاریخ وفات شیخ محمد الدین بغدادی کہ در سال ششصد و ہفتصد و دو	
در بہشت امجد از دنیا حوت	شیخ محمد الدین مجید و دجوان
رحلتش ز اہد محب مشقی	ہم مبارک پیر محمد الدین مجاور
قطب وقت و نیز تاج الاصفیا	ہم جمال الاثفت کرد مرید
تاریخ وفات شیخ نجم الدین کبری قدس سرہ کہ در سال ششصد و ہفتصد و دو	
یافت از حق جو جنت الاکبر	نجم دین میر عابد کبر
گفت سرور بسال تر حلیش	نجم دین پیر ز اہد کبر
قطعه ثانی	
نجم دین نجم ولایت نور حق	جلوہ گر گردید و خلد برین
سید مرشد بگو تا بسخ	یاد رہبر نیز مہتاب یقین
ہم نجوان محمود و نجم الدین کبر	محیر سال وصل آن نور حسین
قطعه ثالث	
شخو رشتہ پوا کلن در بہشت	نجم دین کبرے و پی ہنسما
رحلتش منصور کبری شد عیان	ہم نجوان ماوی والی مقتدا
ہر گر کبری وے حق کبر	ہست سال رحلت آن بشوا
باز اسعد میر اکبر بگو	وز حقیقت جو وصالش سرور

فصل  
 تاریخ وفات شیخ غریب الدین کی لاہوری کہ در سال ششصد و دوازده و دو  
 ز دنیا چو شد در بہشت  
 نجوان آفتاب حسین بخت  
 نجوان نیز پر حسن پرست کے  
 قطعه ناسی  
 باغ از چون فوجیان کردجا  
 غریب جهان اہل غربت عزیز  
 ز دل گشت شد پر گشت ارتحال  
 وگر بار اجلال جنت مستیز  
 تاریخ وفات شیخ ابو الحسن کہ یہ کہ در سال ششصد و دوازده و دو  
 چو شد ابو الحسن حسن خلد برین  
 تبار نیم آن مرشد مقتدا  
 کی ابو الحسن مجتبی کن گشت  
 وگر نو الحسن رہبر اولیا  
 تاریخ وفات شیخ محمد الدین بغدادی کہ در سال ششصد و ہفتصد و دو  
 در بہشت امجد از دنیا حوت  
 شیخ محمد الدین مجید و دجوان  
 رحلتش ز اہد محب مشقی  
 ہم مبارک پیر محمد الدین مجاور  
 قطب وقت و نیز تاج الاصفیا  
 ہم جمال الاثفت کرد مرید  
 تاریخ وفات شیخ نجم الدین کبری قدس سرہ کہ در سال ششصد و ہفتصد و دو  
 یافت از حق جو جنت الاکبر  
 نجم دین میر عابد کبر  
 گفت سرور بسال تر حلیش  
 نجم دین پیر ز اہد کبر  
 قطعه ثانی  
 نجم دین نجم ولایت نور حق  
 جلوہ گر گردید و خلد برین  
 سید مرشد بگو تا بسخ  
 یاد رہبر نیز مہتاب یقین  
 ہم نجوان محمود و نجم الدین کبر  
 محیر سال وصل آن نور حسین  
 قطعه ثالث  
 شخو رشتہ پوا کلن در بہشت  
 نجم دین کبرے و پی ہنسما  
 رحلتش منصور کبری شد عیان  
 ہم نجوان ماوی والی مقتدا  
 ہر گر کبری وے حق کبر  
 ہست سال رحلت آن بشوا  
 باز اسعد میر اکبر بگو  
 وز حقیقت جو وصالش سرور

تاریخ وفات شیخ یونس بن یوسف شبانی که در سال ششصد و نوزده هجری فوت شد	
یونس بن محمد مقصد اسی و ده جهان ۶۱۹	شد جوزین دار الفنا اندر رتقا با فضل ۶۱۹
نیز یونس بن یوسف صوفی محمود جهان ۶۱۹	رحلتش یونس مقدس پیر عابد کن شهر ۶۱۹
پیر بر سر هم کرم یار حق سانش شجره	سیر عالی رتقا باشد وصال پاک او
تاریخ وفات شیخ ادریس یعقوبی که در سال ششصد و سی و یک فوت شد	
سعید شاه دین عالی علی ادریس یی	چو شد مانند ادریس از جهان رحلت اعلی
در تحریر کن والا علی ادریس یعقوبی	ز عاشق طالب حق سال ترحیلش بجز
قطعه ناسته	
چون علی شد سجنبت الا علی	گفت دل سال رحلتش تارک
باز فرمود و سحر عرق فاسنه	گفت واصل بوصل ربانی
تاریخ ولادت و وفات شیخ فرید الدین عطار که ولادتش در سال پانصد و سیزده و وفات در سنه ششصد و سی و یک و وفاتش باشت بوقوع آمد	
فرید الحق فرید الدین عطار	وحید العصر صوفی مصنف
فرید الدین دلی محبوبی دی	شده تاریخ تولدش بهویدا
وگر تاریخ قطب حق فرید است	بی تولد آن شاه معنی
دو باره بر بدر الدین است لید	قطب عارفان شد سینه بد
سجود و صلش ز غلبه قطب برابر	دلی اسراف بن جوان ای نکته آرا
عبان کن بعد آن اسرار سرور	بیان کن بحر وحدت طرفه مرجا
وگر سکین فرید الدین محبوب	سجوان در واصل آن شیخ فرکی
قطعه ناسته	
فرید فر و جهان خواجده وحید العصر	که بود مرشد ابرار و مجرم هر
فرید قطب زمانه بگوشت و لبش	سجود وصال جلدش فرودین عطار
بنجوا حبیب حد آ باز رحلتش سرور	بقول معتبر کتب و صحت اخبار
قطعه ناسته	
چو شد فرد از و هر فرد الفیر	بی سال ترحیل آن مقصد ا

نسخه ای از کتاب است و در آن  
تاریخ حضرت یونس بن یوسف  
بنیانی عارف و فیض کامل الدین عابد  
از دست شیخ علی بن یونس  
کاتب دوی ادریس است  
بهم علوم تاریخی و باطنی و در مریدان بسیار  
تاریخ علی بن یونس عابد  
صفحات بنیادی است و در خط خوش نگاشته

نسخه شماره ۱۳۴

نسخه ای از کتاب است و در آن  
تاریخ حضرت یونس بن یوسف  
بنیانی عارف و فیض کامل الدین عابد  
از دست شیخ علی بن یونس  
کاتب دوی ادریس است  
بهم علوم تاریخی و باطنی و در مریدان بسیار  
تاریخ علی بن یونس عابد  
صفحات بنیادی است و در خط خوش نگاشته

کلی قلیه اهل جنت گجو -	دوباره بنحوان زبده الاصفا
تاریخ وفات شیخ بهاوالدین و لکه که در سال ششصد و هشت یافت باشد	شیخ روحی زین بهاوالدین
کر و سکن چو در مقام بهشت	حق طلب شاه دین بهاوالدین
بابه شمس است سالش نیز	وصل اهل یقین بهاوالدین
باز بنحوبه شمس ع پیدا شد	تاریخ وفات شیخ ابن الفارض حموی که در سال ششصد و سی و دو بود
چون بقصر بهشت کرد مقام	ابن فارض و لے عالی جاہ
ارتخاشش امام شمس است	باز فرمود دل خدا کا
تاریخ وفات شیخ اوحد الدین کرمانی که در سال ششصد و بی چایچه بود	یافت منزل بقرب رحمانی
شاه کرمان چو است رخت سفر	بهم بنحوان بادشاہ کرمانی
متقی پاک بن گوسالاش	نیز بخت یافت مگر دانی
باز برگزید مرشد کامل	تاریخ وفات شیخ صوفی بدینی دلموی که در سال ششصد و شصتی بود
بدینی صوفی مصفا دل	شد چو اصل بوصول بر دلی
رحلتش مادی حقیقت خوان	بار دیگر دلی گمانی
باز فرما تو صاحب الارشاد	ارتخاشش اگر مندانی
تاریخ وفات شیخ رضی الدین علی لالا که در سال ششصد و چهل و دو بود	دصف او بر و نیت از گفت
آن رضی الدین علی لالا دلی	سید اکرم علی ابن سعید
شد چو از عالم گجو تا ریش او	باز دلی بر گشت دیگر آمد پدید
شد عیان اهل ارادت و خلش	تاریخ وفات شیخ شمس الدین تبریزی که در سال ششصد و چهل و پنج بود
سجده شمس الدین تبریز	عمید روشن از نور تجلی
بنحوان سلطان شمس الدین جلال	رقم کن نیز شمس الدین سطلی
قطعه مانے	
چشمش السلل نور دنیا و دوز	شده روشن از اتصال خدا

تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب  
 تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب  
 تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب

تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب  
 تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب  
 تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب

تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب  
 تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب  
 تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب

تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب  
 تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب  
 تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب

تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب  
 تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب  
 تاریخ وفات شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب





رومی است و کتابت به خط نسخ  
در کتبخانه مجلس شورای اسلامی

فينا والى الحياض  
فينا والى الحياض  
فينا والى الحياض  
فينا والى الحياض

نصرت حق ناصر دین سینه	شده چو از دنیا بفرودس برین
گو فرید القصر از بخش و گهر	ناصر دین سیده اهل یقین
تاریخ وفات شیخ عبد الله لمائی که در سال ششصد و هشتاد و شش بموم	او الله الدین شیخ کیمائی زمان
شد ز دنیا و اصل ذات احد	نیرا و می عاشق صادق خون
و صالش عبد الله مرشد کن رقم	تاریخ وفات شیخ یاسین مغربی که در سال ششصد و هشتاد و هفت بموم
تاریخ وفات شیخ یاسین	که آمد نام نامیش بقبران
و صالش جلوه گر بدر تمام است	و گر گردید روشن نور فغان
تاریخ وفات شیخ عقیف الدین لمائی که در سال ششصد و نود و یک بموم	آن عقیف الدین عقیف با خدا
رفت چون با عفت و عصمت بجله	هم عقیف الدین کامل رسما
شد بدل خاص ارتحال پاک او	تاریخ ولادت و وفات شیخ نور الدین عبد الرحمن فخرای که ولادتش در
تاریخ ولادت و وفات در ششصد و نود و پنج بموم	سال ششصد و سی و هفت
تور دین روشن دل اهل صفا	صاحب عصمت وائی سه چین
نور دین ربانی از دل جلوه گر	شد تولیدش بصد صدق و یقین
کاشف مرقوم تر حاشی بگو	بار دیگر عبد الرحمن نور دین
کاشف حق صوفی آمد از خرد	ارتحال آن شه غلو نشین
هم بخوان در سال وصل تنهاب	اودی مهدی سوز نور دین
تاریخ وفات شیخ ابو محمد فخر جانی که در سال ششصد و نود و نه بموم	ز دنیا رفت در خلد مطه
چو شیخ بو محمد بن سید احد	و گره باره بخوان نور سحله
و صالش متقی حق طلب گو	تاریخ وفات شیخ نور الدین ملک یار بران که در سال ششصد و نود و نه بموم
تاریخ وفات شیخ نور الدین ملک یار خدا	گشت آخر مالک ملک خان
شاه نور الدین ابدال است نیز	مقتدا می علم سال وصل آن
تاریخ وفات شیخ عبد الله ابن الطرف که در سال ششصد و هفت بموم	



و صلش عالیقدر ربه الدین بگو	هم ولی بدر شرف سی جوان
که انام خلد و ماه اهل خلد	رحلت آن بدر دین عالی خلد
بارنچ وفات شیخ نجم الدین چنهانی که در سال مقصد و سبب یک قوم	
گفت جو براوج جهان جلوه گر	مطلع اسرار و بی نجم دین
عاشق میر است و صلش و کر	پیر انوار ولی بحکم دین
قطعه نامه	
چو نجم الدین منور شد بحجت	و صلش طرفه تر شد رونق نما
امیر عشق و مقصود الحجت	دگر مادی انوار لبتی
بارنچ وفات شیخ رکن الدین فردوسی که در سال مقصد و سبب و چاه قیوم	
رکن دین رکن جهان کن زمان	رکن ارکان شد چو در خلد برین
سال و صلش سبب محمد دم اهل	نیز رکن الدین ولی پرامین
بارنچ وفات شیخ بلبل شاه کشمیری که در سال مقصد و سبب و قیوم آمد	
بلبل باغ خلد بلبل شاه	شیخ دین شمع کشمیری
ارنخالش جو از خضر حبتیم	گفت نامی و کشمیری
بارنچ وفات شیخ محبت الدین فردوسی که در سال مقصد و سبب و قیوم آمد	
شده دنیا چو در سبب مقیم	سرور اهل دین محبت الدین
از خضر پیشوای ابرار است	وصل شیخ یقین نجیب الدین
بارنچ در سال و صلش گفت	زیب حبت ایمن محبت الدین
بارنچ وفات شیخ حسن طنبی که در سال مقصد و سبب و قیوم آمد	
حسن آن حسن احسن لی بر	محبت رفت چون بن دار ویران
سال و صلش جو اجه حسن کر	دگر بار حسن مردار سلطان
بارنچ وفات شیخ شمس الدین صفی الموسوی که در سال مقصد و سبب و قیوم آمد	
میر شمس الدین صفی موسوی	شد چو مثل خورشید محبت منجلی
رحلتش اشرف ولی حق نعمان	بار و شمس دین کامل صفی
بارنچ ولادت و وفات شیخ رکن الدین علامه سمائی که ولادتش در سال مقصد و سبب و قیوم آمد	

شاکر الدین شیخ ابو الفیاض  
 فیض الدین شیخ ابو الفیاض  
 در کتابت این کتاب در سال ۱۰۰۰  
 در شهر تبریز  
 در روز ۱۰  
 در ماه ۱۰  
 در سال ۱۰۰۰

در کتابت این کتاب  
 در شهر تبریز  
 در روز ۱۰  
 در ماه ۱۰  
 در سال ۱۰۰۰

ساخته بحجت قدوس و کمال علم داران  
 سر زینت عالم و سر زینت دین  
 در شهر تبریز  
 در روز ۱۰  
 در ماه ۱۰  
 در سال ۱۰۰۰







وصالت صاحب محمد دوم فرما	دو بار کن ندانند دوم نامی
تاریخ وفات خواص شمس الدین حافظ شیرازی که در سال شصت و نود و دو	
لسان انبیا حافظ شیرازی	ز دنیا رفت و شد پیر در جنت
عیان شد سرور انانیر خانش	ز او تکی طوطی گلزار جنت
قطعه ناست	
چشم شمس الدین حافظ حافظ دین	بجنت رفت از دنیای بر خار
وصالت مست شمس الدین بنور	دو باره زید و دین شاه ابرار
بگو محمد دوم ایمان ارتحالش	دگر محمد دوم اهل اهل الله تبار
تاریخ وفات مولانا طاهر الدین خلوی که در سال شصت و نود و دو	
رفت در جنت بعد از وفات	چون طاهر الدین دین دین جنتی
عند لیب خلد گوسالش دگر	اهل دین مهدی کامل شتی
ماه دین محمد دوم شد از دل عیان	طرفه سال انتقال آن و ل
قطعه ناست	
در بهشت آمد بعد عز و وقار	چون طاهر الدین طاهر المومنین
سال وصلی اوست میر تقی	بدر گز محبوب قطب المومنین
تاریخ وفات شیخ کمال خجندی که در سال شصت و نود و دو	
جلوه گر شد جو در بهشت بین	شیخ کامل کمال اهل جلال
گفت سرور ببال تر حلیش	که رهی آفتاب بدر کمال
هم قبول دگر شده روشن	مستم حسین نامتباب جلال
تاریخ وفات مولانا سعد الدین تغارانی که در سال شصت و نود و دو	
ز دنیا رفت جو در جنت	سعد و سعد اعلی تاج ابرار
بگو کامل بهشتی ارتحالش	دگر باره بفرما تاج ابرار
تاریخ وفات مولانا محمد شیرین که در سال شصت و نود و دو	
چو شیرین زبان بست زخمت	ز دنیای دون شد بجنت قریب
بگو زاهد معروف سال او	بفرما دگر اهل رفعت حبیب

لسان انبیا حافظ شیرازی که در سال شصت و نود و دو  
 عیان شد سرور انانیر خانش  
 تاریخ وفات خواص شمس الدین حافظ شیرازی که در سال شصت و نود و دو  
 دو بار کن ندانند دوم نامی  
 در بهشت آمد بعد عز و وقار  
 سال وصلی اوست میر تقی  
 جلوه گر شد جو در بهشت بین  
 گفت سرور ببال تر حلیش  
 هم قبول دگر شده روشن  
 تاریخ وفات مولانا سعد الدین تغارانی که در سال شصت و نود و دو  
 ز دنیا رفت جو در جنت  
 بگو کامل بهشتی ارتحالش  
 تاریخ وفات مولانا محمد شیرین که در سال شصت و نود و دو  
 چو شیرین زبان بست زخمت  
 بگو زاهد معروف سال او

بیا بزرگ صاحب حال و حال بود و بزرگ  
 بی نام داشت  
 از غلامی و پسر و در علم و فضل نامی  
 کتاب عظمی و طول از تقی و دی است  
 از غلامی و پسر و در علم و فضل نامی  
 کتاب عظمی و طول از تقی و دی است  
 از غلامی و پسر و در علم و فضل نامی  
 کتاب عظمی و طول از تقی و دی است

[illegible][illegible]



وقت شد  
از غلامان و از بندگان  
که از غلامان و از بندگان  
که از غلامان و از بندگان

تاریخ وفات مولانا جلال الدین پورانی کہ در سال شصت و شصت و دو توّم آمد	چون جلال الدین طبل القدر پیر سال تاریخ وصال آستانجانب میرجنت زبده عالم گبو
یافت با اجلال در حنت مکان کرد و با سرور جنین ناف بیان قطب لامانی جلال الدین بخاک	تاریخ وفات شیخ جلال کشمیری کہ در سال شصت و شصت و دو توّم آمد
نہان شد مدین و دنیا لال عیان شمس اقبال بزرگالکمال	ز روی جهان چون سجدہ خدا ز دل گشت در سال تاریخ او
تاریخ وفات خواجہ شمس الدین محمد کوسوی کہ در سنہ شصت و شصت و دو توّم آمد	میر شمس الدین مادی زمان ارتحالش جو ز کج معرفت
گشت چون روشن بفرودین بار دیگر کن بیان حنت نشین	تاریخ وفات شیخ جلال الدین محلی کہ در سال شصت و شصت و دو توّم آمد
یافت با اجلال اندر خلد جا ہم جلال الدین میر جنت	چون جلال الدین شہ اہل جلال آفتاب فقر نارینش گبو
تاریخ وفات مولانا علی قوشنجی کہ در سال شصت و شصت و دو توّم آمد	نہ تو ایگن شد سجدہ جادوان جنتی عالی قدر تاریخ او
چون علی اعلی دلی مصاب جز ہم علاء الدین علی مصاب جز	تاریخ وفات سید محمد امین المشہور بابا امیر رسی کشمیری شہید کہ در سال شصت و شصت و دو توّم آمد
چو شد وصل با وصل عابان امین دگر عارف اہل عرفان امین	فضل خداوند مولے تقار امین محنت بہت تاریخ او
تاریخ وفات شیخ محمد میرک مرحوم کہ در سال شصت و شصت و دو توّم آمد	زندہ دل بر شیخ عبدالحی رحلت او خلیل بارے گبو
رفت در جنت از جهان شد طاق خوان دگر بار طالع شہان وصل آن میردین شہ آفاق	باز نور آنو لے متقی ست

[illegible]

جہانگیر  
۱۳۶

[illegible]

در سال ۱۰۱۰ هجری قمری در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲

تاریخ وفات شیخ علی صوفی قدس سره که در سال پنجم و شصت و هفت بود	یافت و در خانه رجب عالی
شیخ اعلی قدر علی صوفی	تیم سنجی این مالک است علی
خواجه صابر است ترخیص	در سال پنجم و شصت و هفت بود
تاریخ وفات مولانا حسین واعظ کاشانی که در سال پنجم و شصت و هفت بود	عالم معصوم محمد حسین
ربر دین صاحب علم القین	باز تو محمد و محمد حسین
شیخ بگو فضل سنجی آن رحلتش	عبد الرحمن یوسفی که در سال پنجم و شصت و هفت بود
تاریخ وفات شیخ جلال الدین بن عبد الرحمن یوسفی که در سال پنجم و شصت و هفت بود	جلال الدین لصدیغ و جلال
چون جلال الدین لصدیغ و جلال	فناصل و افضل شد از سرور عیان
سال تاریخ وصال آنجناب	دوستدار حق جلال بن سنان
ایس جلال دین مقبول خدا	در سال پنجم و شصت و هفت بود
تاریخ وفات شیخ احمد شرعی که در سال پنجم و شصت و هفت بود	چو کرد از جهان سوی غدا ارحام
شاه احمد آن شاه شمس رسول	شاه شرع احمد و اگر است سال
یکی حسن خیر است تاریخ او	در سال پنجم و شصت و هفت بود
تاریخ وفات ملک بن الدین شهید که در سال پنجم و شصت و هفت بود	چون بصد تر بین در خشت رید
شیخ زین الدین شهید با صفا	نیز زین الدین شهید عالم شهید
شیخ زین الدین شهید با صفا	در سال پنجم و شصت و هفت بود
تاریخ وفات شیخ زین الدین شهید دلموی که در سال پنجم و شصت و هفت بود	شد چو در فر و دوس بی گفت شنید
شیخ زین الدین قلیل راه حق	نیز طالب ریده دل عاشق شهید
ارستی کش متقی انکار نه است	در سال پنجم و شصت و هفت بود
تاریخ وفات شیخ یوسف قمال دلموی که در سال پنجم و شصت و هفت بود	رفت از دنیا چو در ملکشان
یوسف منصور و لایست بادشاه	یوسف عالی و کی حق بن سنان
عالم فیاض سالتش کن رقم	در سال پنجم و شصت و هفت بود
تاریخ وفات مولانا شعیب قدس سره که در سال پنجم و شصت و هفت بود	چو واقف صاحب جنت شعیب
شد چو از دار فنا اند رغب	گفت با تف صاحب جنت شعیب
سال تاریخ وصال آنجناب	

در روز دوشنبه ۱۲ هجری قمری در شهر کاشان  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲

در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲





وہی ہے  
اے ولی

رقم کن عاشق رہبر محمد	محمد حبیبی تاملے قد رخوان
دوبارہ فاضل نہایت سادہ	دگر شد فاضل مہدی نمایان
زیر دست عشق آمد وصال	عیان شد ستم نصرت رحلت ان
تاریخ وفات بابا قدس کشمیری کہ در سال ہندو ہشتاد و ہشت ہجرت ہوا	اگر فیضی مدد و چہان عام است
شیخ اقدس مقدس عالم	باز محمد دم قدس اسلام است
رحلت بہت مخزن الانوار	
تاریخ وفات سید سلطان اکبر گیلانی لاہوری کہ در سال ہندو ہشتاد و ہشت ہجرت ہوا	دل بہا رحلت آن شاہ دین گشا
شد چو از حکم خدا سلطان اکبر از چہان	باز فیاض زمان گوئیتر شیخ الاریا
گفت سلطان معلی سرور اکبر رخوان	
تاریخ وفات سید غیاث الدین گیلانی لاہوری کہ در سال ہندو نو و نو ہجرت ہوا	رشت پیران در چہان بغیر جاہ
شاہ دولت ولی اہل کمال	ہم خرد گفت مود و ملت شاہ
افضل الاولیات تاریخش	
تاریخ وفات سید کلام الدین مشہور شاہ بابا لاہوری کہ در سال ہندو نو و نو ہجرت ہوا	سیر کر م کر انم روی زمین
در چہان چونکہ باکر امت است	بیز بشار حق کر ام الدین
ہست شیخ جلیل نامہ تاریخش	
تاریخ وفات مولانا درویش واعظ در سال ہندو نو و نو ہجرت ہوا	حضرت شاد درویش اہل ہال و قال
در بہشت خلد چون فت از چہان	واعظ نامہ وی بشارت سن سال
فاضل مولی کہو تاریخ او	
تاریخ وفات شیخ وجیہ الدین کراتی کہ در سال ہندو نو و نو ہجرت ہوا	گشت خالہ جو در بہشت برین
شیخ حسن وجیہ دین ہے	ارتحالش بربیت و تربین
فیض حق کن رقم حقیقہ خجوان	صاحب حق سخی وجیہ الدین
باز سال وصال او فرما	
تاریخ وفات بابا اے کشمیری کہ در سال یکہزار و یک ہجرت ہوا	ولی چہان شیخ والی تھے
چو قد اے خلد باورستان	دگر زبہ فیض والے ولی
رضا جوبی سال تاریخ او	

تاریخ وفات شیخ بهاو الدین خوارزمی کشمیری که در سال یک هزار و دو و دو تو قع آمد	
چون بهاو الدین خوارزمی دله	ور زمین شد مثل گنجینه نجان
سالک فیاض تار بخشش بگو	نیز خوارزمی چال دین بخوان
تاریخ وفات شیخ یعقوب صدوقی کشمیری که در سال یک هزار و سه و دو تو قع آمد	
چون یعقوب زین و سر رافات	بسال وصل آن شیخ زمانی
عیان شد از دل سر فیض خطاب	دگر بدر الدجی معیوق ب ثانی
تاریخ وفات سید محمد عوث گیلانی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو تو قع آمد	
چون محمد عوث از دار فنا -	اگر در حلت رفت و در ارجا
جامع فیض است تار بخشش بگو	تا چ کمال رسید الا برا خوان
تاریخ وفات سید سیم عبدالحق جامی که در سال یک هزار و پنج و دو تو قع آمد	
گشت چون دامن سجد ذوالجلال	شیخ برحق عقد حق موصول حجت
از خردش سال تار بخشش عیان	ماه تابان قطب حق مقبول حجت
قطعه ناسته	
عبد حق چون گشت با حق مقدر	سال وصل آن وسیله الاولیا
خلوه گر کردید روشن آفتاب	باز شد میداشتغ مقدر
تاریخ وفات شیخ میر محمد بن احمد کشمیری که در سال یک هزار و نازده و دو تو قع آمد	
چون محمد میر میر و دجهان	گشت آخر میر فردوس برین
صاحب فضل است تار بخشش دگر	تقی مهدی محمد سید دین
تاریخ وفات شیخ یوسف محمد یامنجی کشمیری که در سال یک هزار و یازده و دو تو قع آمد	
یوسف دین بن معشوق حق	رفت و جنت جو یار و نیاز
سال وصل او بگو شیخ امین	هم بخوان محمد دم محوم پاکیز
تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یک هزار و هفده و دو تو قع آمد	
گشت چون پر و د با حکم خدا	از جهان کامل کمال اهل حال
شم نور عارف بگو تار بخشش او	نیز سالک تاج عرفانی کمال
تاریخ وفات شیخ فصیح الدین عبدی که در سال یک هزار و نوزده و دو تو قع آمد	

اول از اصل اهل سلطنت  
کری بودید از آن ترک که در دین  
چون کشمیریان را پیش از این  
بانی کشمیریان شد و در آن  
ت از غفلت و در آن  
عاشق از آن که در آن  
تاریخ وفات شیخ محمد عوث گیلانی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو تو قع آمد

تاریخ وفات شیخ محمد عوث گیلانی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو تو قع آمد

در دین و در آن  
تاریخ وفات شیخ محمد عوث گیلانی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو تو قع آمد

تاریخ وفات شیخ محمد عوث گیلانی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو تو قع آمد





[illegible]

دو مارا ساک مشتاق باقی	وصالت شیخ باقی طالب آید
تاریخ وفات مولانا عبدالحکیم سیالکوٹی کہ در سال کبزار شخصت ہو تو	تاریخ وفات مولانا عبدالحکیم سیالکوٹی کہ در سال کبزار شخصت ہو تو
بجگم ازل چون سجنبت رسید	بجگم ازل چون سجنبت رسید
نداشتند دل سال تر حیل	نداشتند دل سال تر حیل
چو با حکم خدا حکم جهان یافت	چو با حکم خدا حکم جهان یافت
سجوان عابد بنیستی ارتحال	سجوان عابد بنیستی ارتحال
تاریخ وفات بابا جامہ کشمیری کہ در سال کبزار و شخصت و مہلت ہو تو	تاریخ وفات بابا جامہ کشمیری کہ در سال کبزار و شخصت و مہلت ہو تو
مثل خورشید جلوه گر اندر جهان	مثل خورشید جلوه گر اندر جهان
بہر سال انتقالش از خسر	بہر سال انتقالش از خسر
تاریخ وفات خواجہ محمد نیاز کشمیری کہ در سال کبزار و شخصت و مہلت ہو تو	تاریخ وفات خواجہ محمد نیاز کشمیری کہ در سال کبزار و شخصت و مہلت ہو تو
چون لعل عجز و نیاز اندر بہشت	چون لعل عجز و نیاز اندر بہشت
بہر تار و پودش ز سر و رطوبت	بہر تار و پودش ز سر و رطوبت
تاریخ وفات حکیم سرمد دہلوی کہ در سال کبزار و مہلت و مہجری ہو تو	تاریخ وفات حکیم سرمد دہلوی کہ در سال کبزار و مہلت و مہجری ہو تو
چونکہ در دروہ وصال خدا	چونکہ در دروہ وصال خدا
خواجہ سچھے است تار و پودش	خواجہ سچھے است تار و پودش
تاریخ وفات شیخ داؤد کشمیری کہ در سال کبزار و مہلت و مہجری ہو تو	تاریخ وفات شیخ داؤد کشمیری کہ در سال کبزار و مہلت و مہجری ہو تو
چو رخت استقامت و دھان برود	چو رخت استقامت و دھان برود
وصالتش شفق در ویش گفتم	وصالتش شفق در ویش گفتم
تاریخ وفات سید ابوتراب شاہ کہ احوال لاہوری کہ در سال کبزار و مہلت و مہجری ہو تو	تاریخ وفات سید ابوتراب شاہ کہ احوال لاہوری کہ در سال کبزار و مہلت و مہجری ہو تو
شہ کہ اسد و کسے مقے	شہ کہ اسد و کسے مقے
سوختہ گوسال تر حیلش و گر	سوختہ گوسال تر حیلش و گر
تاریخ وفات شیخ نجم الدین الشہور بابا بنی رشتی کشمیری کہ در سال کبزار و مہلت و مہجری ہو تو	تاریخ وفات شیخ نجم الدین الشہور بابا بنی رشتی کشمیری کہ در سال کبزار و مہلت و مہجری ہو تو
منور گشت مثل خورشید و دوس	منور گشت مثل خورشید و دوس
ز سر و رارتحالش جلوه گر شد	ز سر و رارتحالش جلوه گر شد
تاریخ وفات میر محمد علی کشمیری کہ در سال کبزار و مہلت و مہجری ہو تو	تاریخ وفات میر محمد علی کشمیری کہ در سال کبزار و مہلت و مہجری ہو تو



چو شد میر خجست بمصد غر و جاه	محمد علی میر روشن ضمیر
بگو منبت فضل تاریخ اد	وگر بار محمد دوم اسلام میر
تاریخ وفات شاه نورالحق دلاوری که در سال کهنزار و پنجاه و سه تو قوم آمد	
نور حق چون از عطای ذوالجلال	گشت روشن مثل خوراند چنان
رحلتش فیاض فاق است نیز	نور حق بر نور قطب مسلم خوان
تاریخ وفات بابا زاهد کاکه کشمیری که در سال کهنزار و پنجاه و دو تو قوم آمد	
کر در حلت چو از جهان فنا	در جهان شیخ زاهد اهل فلاح
رحلتش نیک سجت کن تحریر	هم سخنان شیخ زاهد اهل فلاح
تاریخ وفات سید کیکلانی لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد	
چون جناب حجت عابد حق	از جهان فنا سجد رسید
اعظم الاولیا است تاریخش	هم سخنان صدر دین شیخ حمید
تاریخ وفات قاضی فضل کد لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد	
فضیل و فاضل و فضل زمانه	شه اهل کرم فضل محمد
وصالتش قطب فضل اهل دل	وگر با کهنزه دم افضل محمد
تاریخ وفات میر باشم نور آبادی کشمیری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد	
بست چون خجست اقامت از جهان	میر باشم و شکر هاشمی
میر باشم صاحب کشف آیه است	سال وصل این فقیر هاشمی
باز خوان سال وصال آسحاب	شاه سید قطب میر هاشمی
تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و هجری تو قوم آمد	
چو بر خو و یافت باب غله مفتوح	ولی فتح زمان مفتاح عرفان
وصالتش شیخ قطب الاولیا گو	وگر قطب جهان مفتاح عرفان
تاریخ وفات شیخ لاله ربی کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد	
شیخ لاله چو شد بصورت گل	در گلستان صفتی جاکشیر
جلوه گر گشت سال رحلت او	تاج احوال لاله کشمیر
تاریخ وفات بابا حبیب لوه کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد	

تاریخ وفات بابا زاهد کاکه کشمیری که در سال کهنزار و پنجاه و سه تو قوم آمد  
نور حق چون از عطای ذوالجلال  
رحلتش فیاض فاق است نیز  
تاریخ وفات سید کیکلانی لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
چون جناب حجت عابد حق  
اعظم الاولیا است تاریخش  
تاریخ وفات قاضی فضل کد لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
فضیل و فاضل و فضل زمانه  
وصالتش قطب فضل اهل دل  
تاریخ وفات میر باشم نور آبادی کشمیری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
بست چون خجست اقامت از جهان  
میر باشم صاحب کشف آیه است  
باز خوان سال وصال آسحاب  
تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و هجری تو قوم آمد  
چو بر خو و یافت باب غله مفتوح  
وصالتش شیخ قطب الاولیا گو  
تاریخ وفات شیخ لاله ربی کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد  
شیخ لاله چو شد بصورت گل  
جلوه گر گشت سال رحلت او  
تاریخ وفات بابا حبیب لوه کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد

در کتب

تاریخ وفات بابا زاهد کاکه کشمیری که در سال کهنزار و پنجاه و سه تو قوم آمد  
نور حق چون از عطای ذوالجلال  
رحلتش فیاض فاق است نیز  
تاریخ وفات سید کیکلانی لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
چون جناب حجت عابد حق  
اعظم الاولیا است تاریخش  
تاریخ وفات قاضی فضل کد لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
فضیل و فاضل و فضل زمانه  
وصالتش قطب فضل اهل دل  
تاریخ وفات میر باشم نور آبادی کشمیری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
بست چون خجست اقامت از جهان  
میر باشم صاحب کشف آیه است  
باز خوان سال وصال آسحاب  
تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و هجری تو قوم آمد  
چو بر خو و یافت باب غله مفتوح  
وصالتش شیخ قطب الاولیا گو  
تاریخ وفات شیخ لاله ربی کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد  
شیخ لاله چو شد بصورت گل  
جلوه گر گشت سال رحلت او  
تاریخ وفات بابا حبیب لوه کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد

تاریخ وفات بابا زاهد کاکه کشمیری که در سال کهنزار و پنجاه و سه تو قوم آمد  
نور حق چون از عطای ذوالجلال  
رحلتش فیاض فاق است نیز  
تاریخ وفات سید کیکلانی لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
چون جناب حجت عابد حق  
اعظم الاولیا است تاریخش  
تاریخ وفات قاضی فضل کد لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
فضیل و فاضل و فضل زمانه  
وصالتش قطب فضل اهل دل  
تاریخ وفات میر باشم نور آبادی کشمیری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
بست چون خجست اقامت از جهان  
میر باشم صاحب کشف آیه است  
باز خوان سال وصال آسحاب  
تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و هجری تو قوم آمد  
چو بر خو و یافت باب غله مفتوح  
وصالتش شیخ قطب الاولیا گو  
تاریخ وفات شیخ لاله ربی کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد  
شیخ لاله چو شد بصورت گل  
جلوه گر گشت سال رحلت او  
تاریخ وفات بابا حبیب لوه کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد





تاریخ وفات قاضی دولت معینی سوسی بخاری که در سال یک هزار و یکصد و دو	شاه دولت که در سال ۱۱۴۶
رفت چون از جهان بولت و جان	شاه ابد ال ابد و دولت شاه
گفت تاریخ رحلتش سرور	
تاریخ وفات شیخ احمد المشهور مولانا چون که در سال یک هزار و سی و دو	گشت در بزم محمد بار بار
شیخ احمد چون بفضل ایزدی	نیز شیخ احمد عاقله خات
مهدی حق شیخ احمد وصل است	
تاریخ وفات میرزا کامل بدخشی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	ازین دنیا مکمل شیخ کامل
بخت بست چون رخت قامت	در فرما مکمل شیخ کامل
در قفسه قطعه عالم ارتحالش	
تاریخ وفات عبد اللطیف کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	یافت از لطف حق بخت بار
شیخ عبد اللطیف صاحب لطف	بار دیگر خنده اسرار
فاضل الکبر است تاریخش	
تاریخ وفات میر شرف الدین کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	چو زیر زمین روی خود در انهد
بخت روان گشت میر شرف	خرد میر شرف جوان بر گشت
پی سال آن اشرف دو جان	
تاریخ وفات میر محمد یاسم گیلانی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	وصل شد با اتصال کبریا
چشمی چون در جهان شد جانشین	میر سید ناشی و حق
گفت تاریخ وصال او خرد	
تاریخ وفات مولانا علی اصغر قنوجی که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	طرفه دل تاریخ وصلش کرد یاد
چون علی اصغر سوسی جنت	بار دیگر مجمع فصل عباد
جامع فیض کامل آدم است	
تاریخ وفات بابا محمد مهدی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	رفت چون از جهان بخت صاف
شیخ مهدی و لے با ارشاد	گفت محمد و محمدی کشاف
سال تاریخ رحلتش سرور	
تاریخ وفات شیخ فتح شاه لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	

در تاریخ وفات مولانا علی اصغر قنوجی که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات شیخ احمد المشهور مولانا چون که در سال یک هزار و سی و دو  
 در تاریخ وفات میرزا کامل بدخشی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات عبد اللطیف کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات میر محمد یاسم گیلانی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات مولانا علی اصغر قنوجی که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات بابا محمد مهدی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات شیخ فتح شاه لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو













[illegible]













قطعه ثانی	
چونکه ام الفرید معصومه	رفت در برده بقیه باشد
بهر تاریخ آن ولیه وهر	گفت دل عارفه فائزانه
تاریخ وفات بی بی زلیخا به اوئی که در سال شصت و هجدهم بمشیت بوقوع آمد	رفت از دنیا می دون اندر جان
چون زلیخا ام دین خیر النساء	بهشت رحمت نیز تاریخش بخان
شد زلیخا سال وصل آنجناب	
تاریخ وفات بی بی اولیا که در سال شصت و پنجاه و پنج بوقوع آمد	رفت از دنیا چو در خلد برین
رفت از دنیا چو در خلد برین	بهر سال ارتحال آنجناب
تاریخ وفات بی بی دل دوی کشمیری که در سال هفتصد و پنجاه و شش بوقوع آمد	چون بجا مان داد جان بهشت
چون بجا مان داد جان بهشت	سرور اسال وصالش طرفه تر
سرور اسال وصالش طرفه تر	
تاریخ وفات بی بی رستی قدس سرها که در سال شصت و نود و پنج بوقوع آمد	راست رو چون تر اندر رستی
راست رو چون تر اندر رستی	سال تر حلیش جو از من خوا
سال تر حلیش جو از من خوا	
تاریخ وفات بی بی فاطمه سیده گیلانی که در سال کهنه از دشتار دوه بوقوع آمد	شد ز دنیا چون جناب فاطمه
شد ز دنیا چون جناب فاطمه	غوث اعظم بود و جد آنجناب
غوث اعظم بود و جد آنجناب	
تاریخ وفات بی بی خال خاتون که در سال کهنه از دشتار دوه بوقوع آمد	ذات او اد سعیده اعظمه
ذات او اد سعیده اعظمه	شد از دل وحیده اعظمه
شد از دل وحیده اعظمه	
حصه چهارم	
در ذکر مجانبین و مجاذب که از اهل باطن بوده اند	
تاریخ وفات سرنگا مجذوب مانوسی که در سال شصت و هجدهم بمشیت بوقوع آمد	سرنگا مجاذب جذب الهی
سرنگا مجاذب جذب الهی	

چو بستم از خرد تاریخ سالش	نزد آمد که عاشق قطب دین است
تاریخ وفات سوهین مجذوب جو و منی که در سال هفصد و هشت و بیست و دو	
شیخ سوهین جاذب جذب اله	بو و بر چرخ یقین بدر الکمال
زاده مشککش تاریخ او است	هم جیب جاذب آمد ارمثال
تاریخ وفات شیخ حسن مجذوب که در سال هفصد و هفتده و بیست و دو	
چون حسن مجذوب جن الاولیا	گفت در حله معلی جایی گیر
بهر سال ارمثال آن دلی	گفت سرور عاشق صادق آبر
تاریخ وفات الدین مجذوب که در سال هفصد و چهل و دیش بود و بیست و دو	
الدین از جهان چون خفت بربت	قدم اندر جهان نهاد و یکدست
چو سال انتقال او بستم	ز نات شد نه اصولی سرشت
تاریخ وفات میان معروف مجذوب که در سال هفصد و چهل و هفت بود و بیست و دو	
شد بخت چو از جهان آشنه	میان معروف با خدا مجذوب
گشت مجذوب نامدار وصال	باز دل گفت رهنما مجذوب
تاریخ وفات شاه منصور مجذوب که در سال هفصد و چهل و هفت بود و بیست و دو	
شاه منصور چون بصد نصرت	گشت با وصل این روی موصول
گفت تاریخ رحلتش سرور	شاه منصور عابد موصول
تاریخ وفات علاء الدین مجذوب که در سال هفصد و چهل و هفت بود و بیست و دو	
جاذب جذب حق علاء الدین	گشت روشن بخلد چون متباب
رحلتش هست واقف سرشت	باز سرشت سید اقطاب
تاریخ وفات شیخ حسن بود که مجذوب که در سال هفصد و شصت چار بود و بیست و دو	
چو رفت از دایه و نیا متصل شد	بوصل حق حسن محبوب احسن
عجب سال وصالش جلوه گر شد	ز محبوب اله مجذوب و بستم
تاریخ وفات شاه ابوالعباس مجذوب که در سال هفصد و شصت و هشت بود و بیست و دو	
سید عجب از جهان چون خفت بربت	باب جنت بر روی ایش گشت بار
بهر سال انتقال آسنا ب	شد میان سعید تجاری بے نیاز

در دیار هند بود و تقرب هم در شرف  
 از اوقات از احوال انتقال خبر دادی  
 و او را از احوال علایق از بیگانه اولی در  
 ساندی و از احوال علایق از بیگانه اولی در  
 اگر چه در موقوفه در که در بار ایگه دیدی اما  
 عطف مخصوص او که در آن با بیگانه اصلا  
 انشاز نکردی و بیگانه که در آن با بیگانه اصلا  
 بیکدیگر در آن با بیگانه اصلا  
 بخاری صاحب غیب و موقوفه و حالات  
 قوی بود و ۱۲

۵۹

تاریخ وفات شیخ بابین مجددی که در سال نهصد و شصت و هفت بود	
چهارم رخت زندگی زمین دهر برین	بجنت یافت جابرست بابین
سال ارتحال آن شه دین	بگو قطب الهدی اسرست بابین
تاریخ وفات باباکیو مجددی که در سال نهصد و هشتاد و نه بود	مست رفت از دنیا چو در خلد برین
سال تاریخ وصال اسنخا	است صاف صادق یاک مین عاشق کور
تاریخ وفات میان مومکر مجددی که در سال نهصد و هشتاد و نه بود	چو در خلد مست یافت توفیق
جناب شیخ مومکر عاشق مست	خرد گفتا مستی پر تحقیق
تاریخ وفات شیخ چینی شاه مجددی که در سال نهصد و هشتاد و نه بود	یافت چون با وصل ربانی وصال
شیخ چینی شاه مجددی که در سال نهصد و هشتاد و نه بود	بار دیگر کن بیان فقیه کمال
تاریخ وفات شاه بدیع الدین مجددی که در سال نهصد و هشتاد و نه بود	شد بدیع الدین ولی رشتنیر
سرد عشاق مجددی و بان حق	شد میان سالش ز سرست تیر
رفت از دنیا چو در خلد برین	تاریخ وفات خواجه شمیری که در سال نهصد و هشتاد و نه بود
تاریخ وفات خواجه شمیری که در سال نهصد و هشتاد و نه بود	ز دنیا می رفتی رخت سفر بست
تاریخ وفات خواجه شمیری که در سال نهصد و هشتاد و نه بود	تبارش بگو داود و قطب
تاریخ وفات محمد یوسف علی مجددی که در سال نهصد و هشتاد و نه بود	چون محمدی ولی عالمی
چون محمدی ولی عالمی	سال تاریخ رختش سرور
سال تاریخ رختش سرور	تاریخ وفات شیخ یوسف مجددی که در سال نهصد و هشتاد و نه بود
تاریخ وفات شیخ یوسف مجددی که در سال نهصد و هشتاد و نه بود	چو رخت کرد و سلوی و ارجعت
چو رخت کرد و سلوی و ارجعت	دلم در سال تاریخ وصالش
دلم در سال تاریخ وصالش	تاریخ وفات سید محمد مجددی که در سال نهصد و هشتاد و نه بود

در این سند از وفات شیخ بابین و دیگران در سال ۱۶۰۰ هجری قمری یاد شده است. این سند در کتابخانه ... موجود است. تاریخ وفات شیخ بابین در سال ۱۶۰۰ هجری قمری است. این سند در کتابخانه ... موجود است. تاریخ وفات شیخ بابین در سال ۱۶۰۰ هجری قمری است. این سند در کتابخانه ... موجود است.





۱- نقل حال رسول  
 ۲- حکایت مزار ارباب  
 ۳- ذکر مزار  
 ۴- شهادت کربلا  
 ۵- ذکر احوال  
 ۶- ذکر احوال  
 ۷- ذکر احوال  
 ۸- ذکر احوال  
 ۹- ذکر احوال  
 ۱۰- ذکر احوال





تاریخ وفات مارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بود	
گردید و در حاکم جهان	شاه مارون رشید با اقبال
سال تاریخ رحلتش سرور	جلوه گر شد جلیل اسل جمال
تاریخ وفات مامون رشید بن مارون رشید که در سیال و صد و پانزده بود	
چونکه مامون بیانت جای امان	رفت خود بر و آرم جان برین
سال تاریخ رحلتش آخر	چیت سرور ز عالم بیرون
تاریخ وفات معتصم بالله المشهور ابراهیم بن مامون که در سیال و صد و پانزده بود	
معتصم چون با غم و خزن ملال	شد ازین دار فنا خسته و نال
سال تاریخ رحلتش چو بستم از خود	گفت قالیچاد و اسکی جهان
تاریخ وفات و اتق بالله بن معتصم بالله که در سیال و صد و بیست و هفت بود	
چونکه و اتق از حکم قضا	رفت از ملک جهان بی فال و قیل
سال تاریخ رحلتش با طوار کنگو	شدند از دل که سلطان جلیل
تاریخ وفات جعفر مشوک علی الله که در سیال و صد و چهل و هشت بود	
چونکه مشوک که بر نداشتن دین	سکه احکام فرمان جهان
رفت چون از عالم ناپایدار	ارتحالش بهت سلطان زمان
تاریخ وفات محمد مشوک که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود	
چون محمد لطیف و رحمت حق	شد ز دنیا لغزت و توفیق
کن تاریخ رحلتش سرور	آب سبب محمد که تهریر
تاریخ وفات معتد علی الله بن مشوک که در سیال و صد و شصت و نه بود	
معتد که اچو استقامت و داند	بر زمانه رفت اختر کار
دل سرور نصیب غم و افسوس	گفت سال وفات او دیدار
تاریخ وفات معتضد علی الله بن موفق که در سیال و صد و هفتاد و نه بود	
مسلح چو شش از دار انصابت	چو شاه معتضد و می شان صالح
گلو این موفق سال ترحیل	وگر باره بخوان سلطان صالح
تاریخ وفات کتفی بالله بن معتضد بالله که در سیال و صد و هشتاد و نه بود	

تاریخ وفات مارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بود  
 گردید و در حاکم جهان  
 سال تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات مامون رشید بن مارون رشید که در سیال و صد و پانزده بود  
 چونکه مامون بیانت جای امان  
 سال تاریخ رحلتش آخر  
 تاریخ وفات معتصم بالله المشهور ابراهیم بن مامون که در سیال و صد و پانزده بود  
 معتصم چون با غم و خزن ملال  
 سال تاریخ رحلتش چو بستم از خود  
 تاریخ وفات و اتق بالله بن معتصم بالله که در سیال و صد و بیست و هفت بود  
 چونکه و اتق از حکم قضا  
 سال تاریخ رحلتش با طوار کنگو  
 تاریخ وفات جعفر مشوک علی الله که در سیال و صد و چهل و هشت بود  
 چونکه مشوک که بر نداشتن دین  
 رفت چون از عالم ناپایدار  
 تاریخ وفات محمد مشوک که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود  
 چون محمد لطیف و رحمت حق  
 کن تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات معتد علی الله بن مشوک که در سیال و صد و شصت و نه بود  
 معتد که اچو استقامت و داند  
 دل سرور نصیب غم و افسوس  
 تاریخ وفات معتضد علی الله بن موفق که در سیال و صد و هفتاد و نه بود  
 مسلح چو شش از دار انصابت  
 گلو این موفق سال ترحیل  
 تاریخ وفات کتفی بالله بن معتضد بالله که در سیال و صد و هشتاد و نه بود

۱۹۵  
 تاریخ وفات مارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بود  
 گردید و در حاکم جهان  
 سال تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات مامون رشید بن مارون رشید که در سیال و صد و پانزده بود  
 چونکه مامون بیانت جای امان  
 سال تاریخ رحلتش آخر  
 تاریخ وفات معتصم بالله المشهور ابراهیم بن مامون که در سیال و صد و پانزده بود  
 معتصم چون با غم و خزن ملال  
 سال تاریخ رحلتش چو بستم از خود  
 تاریخ وفات و اتق بالله بن معتصم بالله که در سیال و صد و بیست و هفت بود  
 چونکه و اتق از حکم قضا  
 سال تاریخ رحلتش با طوار کنگو  
 تاریخ وفات جعفر مشوک علی الله که در سیال و صد و چهل و هشت بود  
 چونکه مشوک که بر نداشتن دین  
 رفت چون از عالم ناپایدار  
 تاریخ وفات محمد مشوک که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود  
 چون محمد لطیف و رحمت حق  
 کن تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات معتد علی الله بن مشوک که در سیال و صد و شصت و نه بود  
 معتد که اچو استقامت و داند  
 دل سرور نصیب غم و افسوس  
 تاریخ وفات معتضد علی الله بن موفق که در سیال و صد و هفتاد و نه بود  
 مسلح چو شش از دار انصابت  
 گلو این موفق سال ترحیل  
 تاریخ وفات کتفی بالله بن معتضد بالله که در سیال و صد و هشتاد و نه بود

تاریخ وفات مارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بود  
 گردید و در حاکم جهان  
 سال تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات مامون رشید بن مارون رشید که در سیال و صد و پانزده بود  
 چونکه مامون بیانت جای امان  
 سال تاریخ رحلتش آخر  
 تاریخ وفات معتصم بالله المشهور ابراهیم بن مامون که در سیال و صد و پانزده بود  
 معتصم چون با غم و خزن ملال  
 سال تاریخ رحلتش چو بستم از خود  
 تاریخ وفات و اتق بالله بن معتصم بالله که در سیال و صد و بیست و هفت بود  
 چونکه و اتق از حکم قضا  
 سال تاریخ رحلتش با طوار کنگو  
 تاریخ وفات جعفر مشوک علی الله که در سیال و صد و چهل و هشت بود  
 چونکه مشوک که بر نداشتن دین  
 رفت چون از عالم ناپایدار  
 تاریخ وفات محمد مشوک که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود  
 چون محمد لطیف و رحمت حق  
 کن تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات معتد علی الله بن مشوک که در سیال و صد و شصت و نه بود  
 معتد که اچو استقامت و داند  
 دل سرور نصیب غم و افسوس  
 تاریخ وفات معتضد علی الله بن موفق که در سیال و صد و هفتاد و نه بود  
 مسلح چو شش از دار انصابت  
 گلو این موفق سال ترحیل  
 تاریخ وفات کتفی بالله بن معتضد بالله که در سیال و صد و هشتاد و نه بود





[illegible]

تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	شاه مقبول است سال وصل او	تیرا اگر بگو یا آفتاب
گشت بر اوج ملک منزل کریز	رفت مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	دولت حکم است تاریخش در
دولت حکم است تاریخش در	بادشاه صلوات آمد ارتحال	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
ازین دار الفنا رخت بقا است	چو مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	چو مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
چون شه مقتضی الامر الله	دست بردار شد ز ملک حیات	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
مقتضی سال رحلتش گفتم	بار حتم ز قتل حیات	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	چو در اقلیم باقی یافت و وصل	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
جناب شاه مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	گوشه در اقلیم باقی یافت و وصل	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
بسرور شدند از باقی غیب	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	شد به نصرت چو ناصر از عالم	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
گفت سلطان سرور است بگو	باز سرور محب اهل جلال	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	رفت طاهر چو طاهر از دنیا	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
گفت طاهر شه ز من فرما	هم چو از دوات و بنجان	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	رفت با صد نصرت از عالم بجله	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
شد عیان محتاج حق تاریخ او	باز دیگر نیز دین بادشاه	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در	چونکه از دست ملک شد شبیه	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در
سال تاریخ وصالش طرقت	بست سلطان المکرم نیک نام	تاریخ وفات مستطربانده بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و هشت بود و در

[illegible]









پوعلش ماه به دوشنبه است و چون	دو بار آفتاب حسن زما
علاء الدین امیر حق طلبیان	که گرد و سال تاریخش هویدا
قطعه نهم	
شد ز دنیا جو و بهشت برین	شاه اهل به استیاب الدین
گرفته نامور بتا رنجش	هم نجان حق تا استیاب الدین
تاریخ وفات سلطان قطب الدین ابیک که در سال شصت و هفت بود	
که در حلیت جو از جهان رفت	شد سبخت مقیم قطب الدین
سرور عالم است سالش نیز	بادشاه حلیم قطب الدین
تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش که در سال شصت و هشت بود	
شاه شمس الدین شمس الدین	پر تو افکن شد جو در غلده برین
رحلتش باد می حق شمس الجلال	هم نجان شمس العطا حامی دین
تاریخ وفات رکن الدین فیروز شاه غوری که در سال شصت و نهم بود	
چو قطره ز شاه جهان اهل باه	ز دیاری دون یافت با حق مصل
بگو شاه رکن جهان رحلتش	دو بار از فیروز سحر الکمال
تاریخ وفات رضیه بیگم ملکه هند که در سال شصت و نهم بود	
چون رضیه بر خسته حلاق	که در حلیت زوار خرن ملال
ماه لاثانی است ترحایش	ملکه ملک حبت آمد سال
تاریخ وفات سغ الدین بهرام شاه بن التمش که در سال شصت و نهم بود	
رفت در حبت زواری بی ثبات	چون شه اهل زمین بهرام شاه
سال ترحیش بگو اهل برات	بار دیگر پاک بین بهرام شاه
قطعه دهم	
شاه بهرام چون بفضل اگر	شد ز دیاری دون با غم خبا
شاه نور الواسی بگو سالش	نیز بهرام میر عالم خوان
تاریخ وفات مسعود علاء الدین غوری که در سال شصت و نهم بود	
چو مسعود شد با سعادت زوهر	بنا رنج ترحیل آن نوجوان

در دیه وفات یافت و پیش از وفاتش  
 که در سال شصت و هشت و نهم بود  
 بهرام شاه بن شمس الدین را بادشاه کرده  
 و در حلیت زواری بی ثبات  
 سال ترحیش بگو اهل برات  
 شاه بهرام چون بفضل اگر  
 شاه نور الواسی بگو سالش  
 تاریخ وفات مسعود علاء الدین غوری که در سال شصت و نهم بود  
 چو مسعود شد با سعادت زوهر  
 بنا رنج ترحیل آن نوجوان  
 تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش که در سال شصت و هشت بود  
 شاه شمس الدین شمس الدین  
 رحلتش باد می حق شمس الجلال  
 تاریخ وفات رکن الدین فیروز شاه غوری که در سال شصت و نهم بود  
 چو قطره ز شاه جهان اهل باه  
 بگو شاه رکن جهان رحلتش  
 تاریخ وفات رضیه بیگم ملکه هند که در سال شصت و نهم بود  
 چون رضیه بر خسته حلاق  
 ماه لاثانی است ترحایش  
 تاریخ وفات سغ الدین بهرام شاه بن التمش که در سال شصت و نهم بود  
 رفت در حبت زواری بی ثبات  
 سال ترحیش بگو اهل برات  
 شاه بهرام چون بفضل اگر  
 شاه نور الواسی بگو سالش  
 تاریخ وفات مسعود علاء الدین غوری که در سال شصت و نهم بود  
 چو مسعود شد با سعادت زوهر  
 بنا رنج ترحیل آن نوجوان

۱۶۱  
 تاریخ







۱ من الاصل  
۲ مكرر و مقول الجنب بماء شام

له خبره چنانچه  
 در وقت سلطنت او در سال ۱۰۰۰  
 در وقت سلطنت او در سال ۱۰۰۰  
 در وقت سلطنت او در سال ۱۰۰۰

که وصالش قائل اکل سینه	باز صیف مهر خاتمه بخوان
تاریخ وفات ملاک خان بن قلیخان بن چنگیز خان که در سال ۱۰۰۰	رحلت آن پادشاه جان شان
پادشاه ملک تبرسم است	باز قائل کبر است ای جان
تاریخ وفات امیر تیمور که در سال ۱۰۰۰	لبال رحلت آن شاه سعو
چون تیمور از جهان بخت مغرب	و کر مطلوب وین تیمور فرمود
خود قتل گویو رسیان	زوالا جاده شاهنشاه محمد
گویی که حسن و باز بر خوان	تاریخ وفات پیران شاه بن تیمور که در سال ۱۰۰۰
از جهان فنا جو کر و سحر	شد بداد اسلام میران شاه
عقل تاریخ انتقالت گفت	والی نیک نام پیران شاه
تاریخ وفات سلطان محمد میرزا که در سال ۱۰۰۰	بسیوی جان شد زوار حسن
چون سلطان محمد امیر کبیر	بگو حق طلب تا جده از حسن
تاریخ وفات سلطان ابوسعید میرزا که در سال ۱۰۰۰	رفت از دنیا بخت بوسعید
چون عقب بر خدای عزوجل	مکفست سرور سیر ملک بوسعید
بهر سال ارتحالش طرفه تر	تاریخ وفات عمر ششم میرزا که در سال ۱۰۰۰
پرتو افکن گشت بر اوج بخت	چون عمر آن نور پادشاه معدلت
جلوه گر شد سال وصل الحجاب	طرفه اهل جو دشا معدلت
تاریخ ولادت و وفات بابر پادشاه که در سال ۱۰۰۰	بهر آن عالی مکان عالی جناب
بخت و وفات دی در سنه ۱۰۰۰	علا هر آینه نیز تاج آفتاب
پادشاه وین امیر سلطنت	والی فیض ست هم اندر بیا
شمس ممتاز است تو لیدش عیار	
ارتحال آفتاب بخت است	

بعد از وفات او در سال ۱۰۰۰  
 در وقت سلطنت او در سال ۱۰۰۰  
 در وقت سلطنت او در سال ۱۰۰۰  
 در وقت سلطنت او در سال ۱۰۰۰

در وقت سلطنت او در سال ۱۰۰۰  
 در وقت سلطنت او در سال ۱۰۰۰  
 در وقت سلطنت او در سال ۱۰۰۰



قطعه رابع	
کبر آن اهل دولت اکبر	شد زوار الفبا بحسب آه
سال تاریخ رحلتش سرور	که شهنشاه شاه و الامام
تاریخ ولادت و وفات نورالدین محمد جهانگیر بادشاه که ولادت در سال نهمصد و هفتاد و وفات در سنه یکزار و سی و شش بود	
جهانگیر جهان فضل است	جهانگیر آن شه باغ نر و تو قیر
جهانگیر آفتاب حسن مولی است	کنی در باب تولدش جو تفریر
وصال آن شه ذی همت خواه	ز نور علم نورالدین جهانگیر
کین ظل است و آنست جود	سال رحلت آن شاه شجیر
سجی مابد جهان گیر است و صلوات	و اگر سیکو شهنشاه جهانگیر
قطعه ثانی	
آن جهانگیر شاه جهان	آنکه وصفش بر دین ز تقریر است
سال تولد او اگر خواهی	سرور احتشرم جهانگیر است
سن و صلوات اگر کنی تحریر	و آنکه پاک میر تو قیر است
قطعه ثالث	
شاه نورالدین و شاد دل	عادل دین نامه نویسی روان
شمس نور نور دین تولید است	باز قیاض یگانه شد عیان
میشود پیداکریم اهل خلق	بهر سال از شمال آن جوان
تاریخ ولادت و وفات شهاب الدین محمد شاه جهان بادشاه که ولادت در سال یکزار و وفات وی در سنه یکزار و هفتاد و شش بود	
شاه و الامام است و پیر	آن شهاب الدین شه دور زمان
اهل دل رستم تویدل گفته ام	سال تولدش بقول صالحان
رحلت آن بادشاه اهل جاه	شد عیان مشککات شاه جهان
باز گو سال وصال آن جناب	نور اهل دین شهنشاه جهان
قطعه ششم	

ت  
معدنات اکبر شاه بادشاه شدند و در علم  
خداوندی و علم تمام داشت و در جهان بگنجینه  
تک معدنات پدید آمد و جهانگیر

۶۶  
در سنه دهم و دهم و دهم  
در سنه دهم و دهم و دهم  
در سنه دهم و دهم و دهم  
در سنه دهم و دهم و دهم



پادشاه خند و خيال و هفت ماه و دوازده روز  
از زندان آزاد شد و ملک همدی قتل خان پادشاه و ا  
ر که بقتل رسانید و شاه جهان ثانی را بخت  
بیش از عالم قایم ماند ثانی پادشاه که در سلطنت  
است در زمانه این پادشاه فرزندان عالم گرفتار  
در ملک هند افتاد پادشاه بسیار خوش  
مهریار که در دیده او از قاتلان پادشاه  
ابا بسبب قتل قاتل او را بدست و درخت  
از فیض اهل درگ بر روی خند ۱۲

سال کنیز او که چارده وفات در سنه کنیزار و شصت و یک بوقوع آمد	حاجی دین روشن اختر باوشا
مروج دریا می بنجای عین العین شد عیان مهتاب و شبنم مجین	سال تولدش باوج غرو جابه
هم مد روشن محمد حاج و زن	شد عیان سلطان اعظم رحمتش
تاریخ ولادت وفات مجاهد الدین ابوالنصر احمد شاه که ولادتش در سال کنیزار یکصد و چهل و وفات در سنه کنیزار و یکصد و شصت و دو چار یا بیست بوقوع آمد	مالک ملک بند و اسل و دهر
شاه ابوالنصر احمد عالمی	سال تولد آن شه عالی
که حال بهشت احمد شاه	سن رحیل کر کنی تر قیوم
از شهنشاه ملت احمد خواه	
شاه	چون حکم از دیوم و عظم
رفت نابینا عالم آه احمد یاد	رحلتش موصول مظلوم است شیخ نوک
نیز عالم زیب شهنشاه احمد یاد	
تاریخ ولادت و وفات اغزال دین محمد عالم گیر ثانی که ولادتش در سال کنیزار نود و نه و وفات در سنه کنیزار و یکصد و هفتاد و سه بوقوع آمد	بادشاه جهان اغزال دین
اهل تحریر و صاحب تقریر	صاحب فیض حق شود پیدا
سال تولد گرگ ستم تحریر	رفت چون از جهان بخلد برین
وصل آن بادشاه با تو قیر	فصل ربانی است و بال نظر
هم شهنشاه عالم عالمگیر	
تاریخ ولادت و وفات سلطان قطبال الدین عالی گوهر شاه عالم ثانی که ولادت در سال کنیزار و یکصد و چهل و وفات در سنه کنیزار و د و صد و بیست و یک بوقوع آمد	مالک قلم دین فرمان روا
شاه عالم آن شهنشاه زمان	سال تولدش خلیل ملت است
سیر فیض آمد دگر از دل عیان	شد جواز دنیا بفرز و سن برین
گفت ناف از بی ناریخ	شاه عالم شیخ نور حق بگو
شاه عالم رستم دینی نوحان	
تاریخ ولادت و وفات ابوالنصر معین الدین اکبر شاه که ولادتش در سال	



و  
فرزند شاه عالم است  
دینیت هم و کرم باد  
و از گزافان بدست  
صوت پادشاه بود  
فطرت بیکرند و باه  
از شاه داد

[illegible]

بادشاه داد در شوقی بربان دارد  
 و خادش شاد روی و دین برونش شاد دارد  
 بنی خورشید و در طبعش بیدار و دین برونش شاد دارد  
 بنده ان فرم اگر بگریز و دین برونش شاد دارد  
 بادشاه کرد خنده بر رخ و دین برونش شاد دارد  
 بنی کل خانی بستان اعلیٰ با و دین برونش شاد دارد  
 کردند و در میان صحبت ملا و دین برونش شاد دارد  
 و خادش ان ملا طبعش شاد با و دین برونش شاد دارد  
 و این بادشاه از اغانی تمام رسیده است  
 در اشته اشکات خلایق و دین برونش شاد دارد  
 سخی کاگوچی چون بخت بگرد و دین برونش شاد دارد  
 لازم شده با و دین برونش شاد دارد

[illegible]

مقتل سیدان چون محمد بن اظلم و یزدنگ امد از دست کینکاران بنا در آن خون قتل حصید و رسال مکتوب کرد ۱۱۲

چو داوود آن شه ملک لایت تاریخ وصال آن شه و هم	ز دنیا می دنی تر حیل فرمود رقم شد ریب دولت شاه داود
تاریخ وفات سلطان محمود بن حسن بهمنی که در سال متصد و شازده بود	چو در اقیم جنت یافت شاه صبی رقم شد خاص حق تاریخ سائر
تاریخ سلطان شمس الدین بن محمود بهمنی که در سال متصد و شازده بود	رفت شمس الدین چو باغ و وفا سیال و صلش سیر و دین نجوا
تاریخ وفات فیروز شاه ابدیست	رفت چون فیروز شاه ابدیست گفت جنت شیشیانی کن رقم
قطعه نامی	
چو در زید بر عرش الامام نداشتد ز دل سال تاریخ او	ز روی زمین شاه فیروزند که محبوب دین شاه فیروزند
تاریخ وفات احمد شاه بن داود شاه بهمنی که در سال متصد و شازده بود	چو در بزم احمد شه از دارون وصالش بکی خواجه اکبر است
تاریخ وفات سلطان علاء الدین بهمنی که در سال متصد و شازده بود	چون علاء الدین شه و لایم عالی مکان سال تاریخش علاء الدین او گشته ام
تاریخ وفات سلطان جلیون عالم بهمنی که در سال متصد و شازده بود	چو ناگه جوان برگ رفت از جهان دو بار ایما یون کن سخن دان
قطعه نامی	
چو کله جلیون شه اهل ستم	آنکه بکس داد و ظلم نداد

کیر تو که خدا میداد اول شب را در آن نزد من می آورد و خدا تو را بکنای او میگردد و درویشان جلیل را، و مجربان و مجتهدین را و در آخر و در اتم

سبک گردان  
 در شکر از خورشید و چرخ و کواکب  
 زنده و لب و دندان و پستان و زلف  
 دست نیز در زمان داغهای شکران  
 کجولند و منور شد و از رخسار  
 شمس چون باد و آتش و آتش و آتش  
 آرد و زلفان و کلاه و زلف و زلف  
 دانسته و کینه و کینه و کینه  
 طالع الجان است و کینه و کینه  
 و زلف و زلف و زلف و زلف

[illegible]

۱. در این باب است که  
 ۲. در این باب است که  
 ۳. در این باب است که  
 ۴. در این باب است که  
 ۵. در این باب است که  
 ۶. در این باب است که  
 ۷. در این باب است که  
 ۸. در این باب است که  
 ۹. در این باب است که  
 ۱۰. در این باب است که



عاجی که در میان نقل رسید بلب نقل از دست  
سیلطان ششام قرار دادی شد که در این نظام  
سلطنت بختش را بر جانهای آن ملک کار این  
بهمی مسلمان شده و در عهد سلطنت احمد شاه  
دوم در عهد محمود شاه بهی تاخیر صوبه احمد  
گردید چون سلطنت بهی خفیف نشد و مردم  
شایسته استقلال بخواهید و کسوفهای نو در خطاب  
ای احمد شاه بر تخت سلطنت احمد شاه  
ایام خود و در عهد بهی





چون ز دنیا سوی عظمی خلیفیت	شاه ابراهیم شاه اهل جاہ
سال وصل دست فیاض آن	نیز زیبا تاج ابراهیم شاه
مار سیخ وفات محمد علی شاه بن ابراهیم شاه که در سال یکم هزار و سبست و یکم	
محمد رفعت چون از دار فانی	وصل آن شه دین شاه فیاض
نزد قطب فضل و فضل عالم بتر	دگر باره ز خاک لے جاہ فیاض
تذکرہ شادان گجراتی	
مار سیخ وفات مظفر شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و چار و دہ بود	
چون مظفر و لے بہ فتح و ظفر	از جهان گشت و اصل جہات
مانجیت بخت بختان تبار خیش	ہم بختان اصل حاکم گجرات
مار سیخ وفات سلطان احمد شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و چہل و شش بود	
شد چو احمد شہ دلاست خلد	رحلت آن شہ سہل جاہ
اہل دل اہل نصرت بہت بختان	نیز و لے دولت احمد شاہ
قطب عالمی	
شد چو از دنیا بجلد جاہ و دل	شاه دین احمد ولی اہل عروج
سال ترحیلش سیر و شد و دل	تاج دین احمد ولی اہل عروج
مار سیخ وفات محمد شاہ بن احمد شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج بود	
راہی بخت چو شہ با عروج و دل	آن محمد بادشاہ و اسے تاج
سال تار سیخ وصالش طرفہ تر	دان محمد بادشاہ و اہل عروج
مار سیخ وفات قطب الدین بن احمد شاہ کہ در سال ہشتصد و ہفتاد و دہ بود	
بخت رفت از دنیا ہی فانی	چو قطب الدین شہ فرخندہ بخت
بختان در یابی رحمت حلت و دل	دگر حیل بختن قطب الدین
مار سیخ وفات محمود شاہ ہنگر کہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و ہشتاد و دہ بود	
چو شد محمود گویان ز دار فنا	شہ دہر محمود و اندر جہان
وصالش بگو عزت و دولت	شہنشاہ محمود و حسن بختان
مار سیخ وفات مظفر شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و سی و دہ بود	

شاه ابراهیم شاه اهل جاہ  
 نیز زیبا تاج ابراهیم شاه  
 مار سیخ وفات محمد علی شاه بن ابراهیم شاه کہ در سال یکم هزار و سبست و یکم  
 محمد رفعت چون از دار فانی  
 نزد قطب فضل و فضل عالم بتر  
 تذکرہ شادان گجراتی  
 مار سیخ وفات مظفر شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و چار و دہ بود  
 چون مظفر و لے بہ فتح و ظفر  
 مانجیت بخت بختان تبار خیش  
 ہم بختان اصل حاکم گجرات  
 مار سیخ وفات سلطان احمد شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و چہل و شش بود  
 شد چو احمد شہ دلاست خلد  
 اہل دل اہل نصرت بہت بختان  
 قطب عالمی  
 شد چو از دنیا بجلد جاہ و دل  
 سال ترحیلش سیر و شد و دل  
 مار سیخ وفات محمد شاہ بن احمد شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج بود  
 راہی بخت چو شہ با عروج و دل  
 سال تار سیخ وصالش طرفہ تر  
 دان محمد بادشاہ و اہل عروج  
 مار سیخ وفات قطب الدین بن احمد شاہ کہ در سال ہشتصد و ہفتاد و دہ بود  
 بخت رفت از دنیا ہی فانی  
 بختان در یابی رحمت حلت و دل  
 مار سیخ وفات محمود شاہ ہنگر کہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و ہشتاد و دہ بود  
 چو شد محمود گویان ز دار فنا  
 وصالش بگو عزت و دولت  
 مار سیخ وفات مظفر شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و سی و دہ بود





شاه خود بود و از حبهان بر ملا	رفت در فردوس حق صفا شد
خواجه الکبر بگو تا رنج او	باز فرما شاه شایان پوشش
تا رنج وفات محمد شاه غرین مالوی که در سال هشتصد و سی و نه بود	آن محمد جوان قبل رسید
چون بشیر جو را اهل ستم	گفت افسوس باد شاه شهید
طرف سال شهادتش سرد	تا رنج وفات سلطان محمود غلجی مالوی که در سال هشتصد و پنجاه و دو بود
چون ز دنیای دودلی بگذرید	شد بنابر و قیسم شایسته محمود
بانی خیر گو تبار خویش	نیز بجز کریم شه محمود
تا رنج وفات غیاث الدین ملجی مالوی که در سال نهصد و پنج بود	بجبت رفت از دنیای بر سر
غیاث الدین چونده مسوم و مملک	دو بار ماه تابان مطلع نور
ز سلجوق دم بجا آمدن	تا رنج وفات ناصر الدین غلجی مالوی که در سال نهصد و شانزده بود
ناصر الدین چون فضل کردگار	رومی خود در پرده عقیبت
عقل سال از تنگدلیش طرفه تر	عمده دین ناصر و منصور و کت
تا رنج وفات سلطان محمود بن ناصر الدین که در سال نهصد و چهل و یک بود	شاه محمود سرد و رسد
چون به تیغ جانشان دشت	شاه جانبار عاقبت محمود
گفت تا رنج رحلتش سرد	در کسلاطین فاروقی بر بنایوری خاندیسی
تا رنج وفات ملک احمد بر بان پوری که در سال نهصد و یک بود	شد به ارجمان زینت مال
چون ملک سیرت این ملک احمد	گشت ثانی است نیک حال
رحلتش است میر میران میر	تا رنج وفات سلطان نصیر بن ملک احمد که در سال نهصد و چهل و یک بود
اهل نصرت نصیر و الاچاه	شاه دین با تمیز فاروقی
رفت چون رحلتش بگوشتش	هم نصیر عزیز فاروقی
تا رنج وفات میران عادل شاه فاروقی که در سال نهصد و چهل و یک بود	















ارسلش نور علی اورنگ و نیز	نامردین بنی اهل فلاح
ماریم وفات شجاع بیگ المشهور شاه بیگ ارغون که در سال هجده و دو تو	
چون بقدر خدای و الجلال	گشت راهی سوی جنت شاه بیگ
سال تاریخ وصالش از خرد	شده عیان سلطان دولت شاه
ماریم وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال هجده و هشت تو	
چو منزل گزین شد بخند برین	ازین دهر بر جسد و امان
بصد جن تاریخ وصالش	امیر جهان تاج احسان
ماریم وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجده و هشت تو	
همچو عیسی شد بخرم چارمین	چون گویا این عیسی ترکمان
گفت سخن آید وصال او دل	هم محب دین قیسی ترکمان
ماریم وفات سلطان محمود دیگر که در سال هجده و هشت تو	
چون بر گشتند از حد حکمایی	سلف او او خود اند جهان
سال تاریخ وصالش بر دل بر دل	شده عیان محمود والی جهان
ماریم وفات میرزا ابائی ترکمانی که در سال هجده و دو تو	
چو باقی بدار البقار خجست	سوز نام باقی نمایدش نشان
تاریخ آن بهلوان شیر گیر	بیان شد از سرور تهنن رمان
ماریم وفات میرزا اجائی ترکمانی که در سال هجده و دو تو	
چو جانی داد جان خود بجان خجست	سخت رفت باینکو تر احوال
ز جانی خجست وصالش	دگر بر گیر جان فخر احوال
و در سلاطین عثمان	
ماریم وفات سلطان قطب الدین لکاهی ملتان که در سال هجده و هشت تو	
قطب دین شاه زمان قطب خان	قطب جنت شد جو اصد امتحان
خیر دین که رحلت آن بادشاه	هم سخنان قطب السلاطین سهرار
ماریم وفات شاه حسین لکاهی ملتان که در سال هجده و دو تو	
چون ز دنیا رفت حسن عاقبت	شاه حسن صاحب جنت حسین

است که در سال هجده و دو تو  
 ماریم وفات شاه حسین بن شاه بیگ ارغون که در سال هجده و دو تو  
 چو منزل گزین شد بخند برین  
 بصد جن تاریخ وصالش  
 ماریم وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجده و هشت تو  
 همچو عیسی شد بخرم چارمین  
 گفت سخن آید وصال او دل  
 ماریم وفات سلطان محمود دیگر که در سال هجده و هشت تو  
 چون بر گشتند از حد حکمایی  
 سال تاریخ وصالش بر دل بر دل  
 ماریم وفات میرزا ابائی ترکمانی که در سال هجده و دو تو  
 چو باقی بدار البقار خجست  
 تاریخ آن بهلوان شیر گیر  
 ماریم وفات میرزا اجائی ترکمانی که در سال هجده و دو تو  
 چو جانی داد جان خود بجان خجست  
 ز جانی خجست وصالش

ماریم وفات شاه حسین بن شاه بیگ ارغون که در سال هجده و دو تو  
 چو منزل گزین شد بخند برین  
 بصد جن تاریخ وصالش  
 ماریم وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجده و هشت تو  
 همچو عیسی شد بخرم چارمین  
 گفت سخن آید وصال او دل  
 ماریم وفات سلطان محمود دیگر که در سال هجده و هشت تو  
 چون بر گشتند از حد حکمایی  
 سال تاریخ وصالش بر دل بر دل  
 ماریم وفات میرزا ابائی ترکمانی که در سال هجده و دو تو  
 چو باقی بدار البقار خجست  
 تاریخ آن بهلوان شیر گیر  
 ماریم وفات میرزا اجائی ترکمانی که در سال هجده و دو تو  
 چو جانی داد جان خود بجان خجست  
 ز جانی خجست وصالش

ماریم وفات شاه حسین بن شاه بیگ ارغون که در سال هجده و دو تو  
 چو منزل گزین شد بخند برین  
 بصد جن تاریخ وصالش  
 ماریم وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجده و هشت تو  
 همچو عیسی شد بخرم چارمین  
 گفت سخن آید وصال او دل  
 ماریم وفات سلطان محمود دیگر که در سال هجده و هشت تو  
 چون بر گشتند از حد حکمایی  
 سال تاریخ وصالش بر دل بر دل  
 ماریم وفات میرزا ابائی ترکمانی که در سال هجده و دو تو  
 چو باقی بدار البقار خجست  
 تاریخ آن بهلوان شیر گیر  
 ماریم وفات میرزا اجائی ترکمانی که در سال هجده و دو تو  
 چو جانی داد جان خود بجان خجست  
 ز جانی خجست وصالش



سال تاریخش چه ستم از سر شد	شدند از قتل دین پرور شهاب
تاریخ وفات سلطان قطب الدین	که در سال شصت و نوزده بود قوم
چو قطب اهلین ولی قطب این	ز دینای دین گشت قطب جهان
تاریخ ترحیل آن اهل جاه	بگو قطب ملت بدیع الزمان
تاریخ وفات سلطان سکندر	که در سال شصت و نوزده بود قوم
چو کیکاووس خاق و دیبجان	گشت موصول شاه اسکندر
والی بت کلن بگو تاریخ	نیز مقبول شاه اسکندر
تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر	که در سال شصت و نوزده بود قوم
علی شاه عالی سب میرین	بجمله برین یافت حامی قرار
بجو سال وصلش خاقان بن	وگر بار فرماست علی سهندار
تاریخ وفات شاهی نجات	که در سال شصت و نوزده بود قوم
چو آن ذوالکرم شاه زرین ابعاد	سفر کرد بر استیسان از زمین
یو وصلش بگو شمع زینت دگر	سعد زمان زینت العابدین
تاریخ وفات شاه حیدر	که در سال شصت و نوزده بود قوم
چو با صد حسرت و افسوس آخر	ز دنیا شد جوان حیدر شهنشاه
بسال رحلت آن شاه عالم	ز دل آمد عیان حیدر شهنشاه
تاریخ وفات شاه حسن	که در سال شصت و نوزده بود قوم
ز دنیا شد چو حسن وی فردو	حسن آن شاه مرد بامروت
بگو باقیقی سال حلت او	دو باره خواهر مرد بامروت
تاریخ وفات قهر شاه بن ادهم	که در سال شصت و نوزده بود قوم
چو آن محتاج دین قلیح عالم	ز دنیا رفت در جنت خرامان
بسال ارتحال آن شه دین	دل فرمود شاهنشاه دوران
تاریخ وفات محمد شاه بن شاه	که در سال شصت و نوزده بود قوم
چون محمد آریین سر اسعد	رفت خدان سخته گلزار
محر دین گو بسال ترحیلش	هم بنحو آن آفتاب بر انوار

تاریخ وفات سلطان قطب الدین که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات سلطان سکندر که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات شاهی نجات که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات شاه حیدر که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات شاه حسن که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات قهر شاه بن ادهم که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات محمد شاه بن شاه که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات محمد آریین سر اسعد که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات محمد بن محمد که در سال شصت و نوزده بود قوم

تاریخ وفات سلطان قطب الدین که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات سلطان سکندر که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات شاهی نجات که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات شاه حیدر که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات شاه حسن که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات قهر شاه بن ادهم که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات محمد شاه بن شاه که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات محمد آریین سر اسعد که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات محمد بن محمد که در سال شصت و نوزده بود قوم

تاریخ وفات سلطان قطب الدین که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات سلطان سکندر که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات شاهی نجات که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات شاه حیدر که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات شاه حسن که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات قهر شاه بن ادهم که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات محمد شاه بن شاه که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات محمد آریین سر اسعد که در سال شصت و نوزده بود قوم  
تاریخ وفات محمد بن محمد که در سال شصت و نوزده بود قوم

شاهزاده سلطان محمد شاه

قطره ثانی	
جای خود ورزید و رعد برین سال تاریخ و صاخش سرور را	چون محمد آن شهید روشن علمیه کو تختیست ه دین میر کبیر
باریم وفات سلطان شمس الدین بن محمد شاه که در سال نهصد و چهل و پنج بود قوم	شده و از عالم بعد غر و قمار
میرا کبر شاه شمس الدین سعید	محو و بنا که وصال پاک او
بار دیگر شاه شمس الدین سعید	باریم وفات سها عیسی شاه بن محمد شاه که در سال نهصد و چهل و هفت بود قوم
شاه والا جاده رسا عیسی شاه	چون درین دنیا پی و دهن بوم
رحلتش فیاض و اناشد برسم	بار دیگر از جهان معدوم شد
باریم وفات نازک شاه بن محمد شاه که در سال نهصد و پنجاه و هشت بود قوم	چون سخی بادشاه نازک تن
به ستیانه ملک جنت رفت	هم قوی بادشاه نازک تن
داسنه فضل گو تبارش	باریم وفات شاه یک غازی کشمیری که در سال نهصد و پنجاه و یک بود قوم
چون که غازی یک ازین فانی تمام	رفت بلا عمل و در دار انوار
سال مرگ آن شه اهل ستم	حاکم است ای بادشاه ملک نصفا
باریم وفات حسین شاه یک که در سال نهصد و پنجاه و هشت بود قوم	خاکین آن غصباک اهل شمع
ز دنیا چو شد با هزاران الم	خود گفت مشک اهل شمع
تباریم آن اهل جود و جنت	باریم وفات علی شاه برادر حسین شاه که در سال نهصد و پنجاه و هشت بود قوم
چون علی اعلی مراتب بادشاه	از جهان با جبریت و عزم آه رفت
سال تارخش بطریقه فخر تر	تا تقم فرمود بر دستان
باریم وفات یوسف شاه بن علی شاه که در سال نهصد و پنجاه و دو بود قوم	در بقا رفت دم بیا به نبات
شد چو یوسف ازین سراسر ای صبح	هم دیگر بار بر آسمان که رجابت
چشم زخم است رحلت آن شاه	

[illegible]

و ملک قتل با تو تصور داشتند  
 و گفت این بادشاه را برادر قاتل خود یک  
 و از غایت غضب ملوک انجمن الدین و قاضی  
 نیز و ملاهای او قتل نمودند و قاضی  
 قتل برادر حشمت شاه است در عین حال که  
 سلطانم بر سران قاتل شاه از دست قتل  
 و سلطان قتل نمود و با ایشان جنگ در  
 و بعد وی قتل بود و قتل بر سر قتل  
 و بعد وی قتل آمد و در میان ملک  
 قتل این قتل بادشاه که قتل است  
 و بعد وی قتل آمد و در میان ملک  
 قتل این قتل بادشاه که قتل است







تاریخ وفات سلطان محمد خان عثمانی که در سال هشتصد و بیست و چهارم وقوع آمد  
 چون محمد شاه و الا جاده نیکو محبت  
 از زمانه روسی خود در بر خیزت  
 همدگر شاه محمد شاه عالی جا گفت  
 تاریخ ولادت و وفات سلطان مراد خان ثانی عثمانی که ولادتش در سال  
 هشتصد و شش و وفات در سال هشتصد و هشتاد و شش وقوع آمد  
 مراد آن شد رستم دین حق  
 امیر مرصاج عقل و داد  
 خداوند عالم عجب طرفه تر  
 بتولید آن شاه آمد بید  
 شد از دل سار کسج تر جیل او  
 بد اشیر دل بیلو این با مراد  
 تاریخ وفات سلطان بایزید ثانی عثمانی که در سال نهصد و شش و هشتاد و هشت وقوع آمد  
 چون سلطان بایزید آن شاه و سیاه  
 شد از اهل جهان سردار جنت  
 رفیع القدرت گو آرتماشش  
 دگر باره سخنان سردار جنت  
 قطعه نامه  
 چون بایزید صاحب کرامت تحت قیام  
 زین هر رخت بست ملک جهان کرد  
 جستم چو سال رحلت و از هر عیش  
 گفتا گو که منم اخلاص بایزید  
 تاریخ وفات سلطان سلیم عثمانی که در سال نهصد و بیست و شش وقوع آمد  
 سلیم از جهان چون که بدو شد  
 سلامت روان شد سخله عظیم  
 رقم گن تر جیل او اهل فصیح  
 دگر تاج اسلام میر سلیم  
 تاریخ وفات سلطان سلیمان عثمانی که در سال نهصد و هشتاد و چهار وقوع آمد  
 سلیمان چون جنگ جادو آن کرد  
 پیاصل یاد حق سلیمان  
 ولایت منزلت یا فصل دین کرد  
 دو باره دوستدار حق سلیمان  
 تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان عثمانی که ولادتش در  
 سال نهصد و بیست و نه و وفات در سال نهصد و هشتاد و دو وقوع آمد  
 سلیمان جاد سلطان شاه عالی  
 که بود از غیر حق مامون و مضمون  
 بگو قیاض و الا انصاف تولد  
 که آمد راست در تاریم مضمون  
 ز بر سال تر جیش رستم گن  
 شریا جاد سلطان عباس یون

تاریخ وفات سلطان محمد خان عثمانی که در سال هشتصد و بیست و چهارم وقوع آمد	چون محمد شاه و الا جاده نیکو محبت
از زمانه روسی خود در بر خیزت	همدگر شاه محمد شاه عالی جا گفت
تاریخ ولادت و وفات سلطان مراد خان ثانی عثمانی که ولادتش در سال هشتصد و شش و وفات در سال هشتصد و هشتاد و شش وقوع آمد	مراد آن شد رستم دین حق
امیر مرصاج عقل و داد	خداوند عالم عجب طرفه تر
بتولید آن شاه آمد بید	شد از دل سار کسج تر جیل او
بد اشیر دل بیلو این با مراد	تاریخ وفات سلطان بایزید ثانی عثمانی که در سال نهصد و شش و هشتاد و هشت وقوع آمد
چون سلطان بایزید آن شاه و سیاه	شد از اهل جهان سردار جنت
رفیع القدرت گو آرتماشش	دگر باره سخنان سردار جنت
قطعه نامه	
چون بایزید صاحب کرامت تحت قیام	زین هر رخت بست ملک جهان کرد
جستم چو سال رحلت و از هر عیش	گفتا گو که منم اخلاص بایزید
تاریخ وفات سلطان سلیم عثمانی که در سال نهصد و بیست و شش وقوع آمد	سلیم از جهان چون که بدو شد
سلامت روان شد سخله عظیم	رقم گن تر جیل او اهل فصیح
دگر تاج اسلام میر سلیم	تاریخ وفات سلطان سلیمان عثمانی که در سال نهصد و هشتاد و چهار وقوع آمد
سلیمان چون جنگ جادو آن کرد	پیاصل یاد حق سلیمان
ولایت منزلت یا فصل دین کرد	دو باره دوستدار حق سلیمان
تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان عثمانی که ولادتش در سال نهصد و بیست و نه و وفات در سال نهصد و هشتاد و دو وقوع آمد	سلیمان جاد سلطان شاه عالی
که بود از غیر حق مامون و مضمون	بگو قیاض و الا انصاف تولد
که آمد راست در تاریم مضمون	ز بر سال تر جیش رستم گن
شریایا جاد سلطان عباس یون	

تاریخ وفات سلطان محمد خان عثمانی که در سال هشتصد و بیست و چهارم وقوع آمد  
 چون محمد شاه و الا جاده نیکو محبت  
 از زمانه روسی خود در بر خیزت  
 همدگر شاه محمد شاه عالی جا گفت  
 تاریخ ولادت و وفات سلطان مراد خان ثانی عثمانی که ولادتش در سال  
 هشتصد و شش و وفات در سال هشتصد و هشتاد و شش وقوع آمد  
 مراد آن شد رستم دین حق  
 امیر مرصاج عقل و داد  
 خداوند عالم عجب طرفه تر  
 بتولید آن شاه آمد بید  
 شد از دل سار کسج تر جیل او  
 بد اشیر دل بیلو این با مراد  
 تاریخ وفات سلطان بایزید ثانی عثمانی که در سال نهصد و شش و هشتاد و هشت وقوع آمد  
 چون سلطان بایزید آن شاه و سیاه  
 شد از اهل جهان سردار جنت  
 رفیع القدرت گو آرتماشش  
 دگر باره سخنان سردار جنت  
 قطعه نامه  
 چون بایزید صاحب کرامت تحت قیام  
 زین هر رخت بست ملک جهان کرد  
 جستم چو سال رحلت و از هر عیش  
 گفتا گو که منم اخلاص بایزید  
 تاریخ وفات سلطان سلیم عثمانی که در سال نهصد و بیست و شش وقوع آمد  
 سلیم از جهان چون که بدو شد  
 سلامت روان شد سخله عظیم  
 رقم گن تر جیل او اهل فصیح  
 دگر تاج اسلام میر سلیم  
 تاریخ وفات سلطان سلیمان عثمانی که در سال نهصد و هشتاد و چهار وقوع آمد  
 سلیمان چون جنگ جادو آن کرد  
 پیاصل یاد حق سلیمان  
 ولایت منزلت یا فصل دین کرد  
 دو باره دوستدار حق سلیمان  
 تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان عثمانی که ولادتش در سال نهصد و بیست و نه و وفات در سال نهصد و هشتاد و دو وقوع آمد  
 سلیمان جاد سلطان شاه عالی  
 که بود از غیر حق مامون و مضمون  
 بگو قیاض و الا انصاف تولد  
 که آمد راست در تاریم مضمون  
 ز بر سال تر جیش رستم گن  
 شریایا جاد سلطان عباس یون

تاریخ وفات سلطان محمد خان عثمانی که در سال هشتصد و بیست و چهارم وقوع آمد























چو بر شهر لاهور شد و خلیاب	گجور سال اجلاس اسل
تاریخ ولادت و وفات حافظ نور محمد لاهوری که ولادتش در سال کبیر	و یکصد و شصت و شش و وفات در یکبیر او دو صد و سی و پنج بود قوم آمد
حضرت نور محمد نور دین	شیخ عالم بنده سنگ مرشد
سال تولدش رقم شد شیخ نور	رحلت او نور ارکان بهشت
تاریخ ولادت و وفات مولوی حافظ روح الله لاهوری که ولادتش در سال کبیر	و یکصد و شصت و یک و وفات در سنه کبیر او دو صد و چهل و چهار بود قوم آمد
محمد علم و روح دنیا جان بن اسلم یار	شیخ حق آگاه روح الله روح جنتی
شیخ اکرم سال تولدش رقم شد علی قشر	دان فانی الله روح الله روح جنتی
تاریخ وفات ربیع بنده الی بنجامین کبیر او دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد	چو از ششم خلق جهان کرد و رو
تبار شیخ رحیل او طه فقه تر	نهان شمس پنجاب ربیع بنده سنگ
	سجوان شمس پنجاب ربیع بنده سنگ
قطعه نمانی	
شاه ربیع حاکم پنجاب	مثل او در زمانه نایاب است
سال و صلش چو از خرد جنت	گفت خورشید حمله پنجاب است
تاریخ وفات کبیر بنده بن ربیع بنده سنگ که در سال کبیر او دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد	ز دنیا چو شهر آده کبیر بنده سنگ
تاریخ وفات نور محمد بنده بن کبیر بنده سنگ که در سال شمس ابو قوم آمد	چونکه آن نونهال گلش و هر
از سر آه گفتمش تاریخ	رفت بی برزیاغ دور زمان
تاریخ قتل شیر بنده بن ربیع بنده سنگ که در سال کبیر او دو صد و شصت بود قوم آمد	باید رفت حیف از دوران
راجه شیر بنده رفت از دهر	چونکه از نعمت جهان شد سیر
سال تاریخ رحلت آن شاه	کن رقم شاه عدل شیر دلیر

تاریخ ولادت و وفات حافظ نور محمد لاهوری که ولادتش در سال کبیر  
 و یکصد و شصت و شش و وفات در یکبیر او دو صد و سی و پنج بود قوم آمد  
 حضرت نور محمد نور دین  
 شیخ عالم بنده سنگ مرشد  
 سال تولدش رقم شد شیخ نور  
 رحلت او نور ارکان بهشت  
 تاریخ ولادت و وفات مولوی حافظ روح الله لاهوری که ولادتش در سال کبیر  
 و یکصد و شصت و یک و وفات در سنه کبیر او دو صد و چهل و چهار بود قوم آمد  
 محمد علم و روح دنیا جان بن اسلم یار  
 شیخ حق آگاه روح الله روح جنتی  
 شیخ اکرم سال تولدش رقم شد علی قشر  
 دان فانی الله روح الله روح جنتی  
 تاریخ وفات ربیع بنده الی بنجامین کبیر او دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد  
 چو از ششم خلق جهان کرد و رو  
 نهان شمس پنجاب ربیع بنده سنگ  
 سجوان شمس پنجاب ربیع بنده سنگ  
 قطعه نمانی  
 شاه ربیع حاکم پنجاب  
 مثل او در زمانه نایاب است  
 گفت خورشید حمله پنجاب است  
 تاریخ وفات کبیر بنده بن ربیع بنده سنگ که در سال کبیر او دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد  
 ز دنیا چو شهر آده کبیر بنده سنگ  
 تاریخ وفات نور محمد بنده بن کبیر بنده سنگ که در سال شمس ابو قوم آمد  
 چونکه آن نونهال گلش و هر  
 رفت بی برزیاغ دور زمان  
 باید رفت حیف از دوران  
 تاریخ قتل شیر بنده بن ربیع بنده سنگ که در سال کبیر او دو صد و شصت بود قوم آمد  
 راجه شیر بنده رفت از دهر  
 چونکه از نعمت جهان شد سیر  
 سال تاریخ رحلت آن شاه  
 کن رقم شاه عدل شیر دلیر

تاریخ ولادت و وفات حافظ نور محمد لاهوری که ولادتش در سال کبیر  
 و یکصد و شصت و شش و وفات در یکبیر او دو صد و سی و پنج بود قوم آمد  
 حضرت نور محمد نور دین  
 شیخ عالم بنده سنگ مرشد  
 سال تولدش رقم شد شیخ نور  
 رحلت او نور ارکان بهشت  
 تاریخ ولادت و وفات مولوی حافظ روح الله لاهوری که ولادتش در سال کبیر  
 و یکصد و شصت و یک و وفات در سنه کبیر او دو صد و چهل و چهار بود قوم آمد  
 محمد علم و روح دنیا جان بن اسلم یار  
 شیخ حق آگاه روح الله روح جنتی  
 شیخ اکرم سال تولدش رقم شد علی قشر  
 دان فانی الله روح الله روح جنتی  
 تاریخ وفات ربیع بنده الی بنجامین کبیر او دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد  
 چو از ششم خلق جهان کرد و رو  
 نهان شمس پنجاب ربیع بنده سنگ  
 سجوان شمس پنجاب ربیع بنده سنگ  
 قطعه نمانی  
 شاه ربیع حاکم پنجاب  
 مثل او در زمانه نایاب است  
 گفت خورشید حمله پنجاب است  
 تاریخ وفات کبیر بنده بن ربیع بنده سنگ که در سال کبیر او دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد  
 ز دنیا چو شهر آده کبیر بنده سنگ  
 تاریخ وفات نور محمد بنده بن کبیر بنده سنگ که در سال شمس ابو قوم آمد  
 چونکه آن نونهال گلش و هر  
 رفت بی برزیاغ دور زمان  
 باید رفت حیف از دوران  
 تاریخ قتل شیر بنده بن ربیع بنده سنگ که در سال کبیر او دو صد و شصت بود قوم آمد  
 راجه شیر بنده رفت از دهر  
 چونکه از نعمت جهان شد سیر  
 سال تاریخ رحلت آن شاه  
 کن رقم شاه عدل شیر دلیر



قطعه نهم	
چون سفر در زید از دار فنا بهر تار نیم و صاخش طرفه تر	شاه والا جاہ قاتل شیرنگه گفت سرور شیر عادل شیرنگه
قطعه دہم	
چون ز دست معاذ اشد قتل سال تار نیم رحلتش سرور	شیرنگه آن امیر با تو قید گفت شیر دلید بد رنیر
مار نیم قتل اجد میان سگه وزیر که در کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	
چون قتل ز دست دشمن غلش تار نیم وصال او ر تم شد	شد صاف وزیر اہل شمشیر سیاف وزیر اہل شمشیر
قطعه یازدہم	
گشت افوس چون بہا حق قتل دل سرور سال رحلت او	دیمان سگه آن وزیر با تدبیر گفت کامل مشیر با تدبیر
مار نیم قتل مھر گیشا کہ در سال کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	
بہا خالی ہو جبکہ ہو خاں باقی صفا گیشا زیر تار نیم قتل او سکو بہت جس کی تو آخ	توبہ قتل کہ کوئی برین میں کیا ہو گیشا یہ دل سو آئی نہ گیشا برین میں کی گیشا
تار نیم وفات سرور اجد سگه سندانہ کہ در سال کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	
بجیت سگه آن قاتل شیر دلیر کا گشت دل نو سال قتل میں او قاتل سرچم کہ	ضربہ یتیم اجل سی جیکہ گواہل ہو گیا یون کہا قتل اجل کا قاتل ہو گیا
تار نیم وفات فقیر عزیز الدین مرحوم کہ در سال کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	
شد عزیز الدین جو باغث بخلد پر تو اکلن شد ز دل جو رشید علم	بہر سال آن غمخیز نہ ہوندن از خرد شد جلوہ گر شطو روین
تار نیم قتل اجد بہر سگه کہ در سال کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	
بدست جو رسکبان جفاکش بال قتل یون سرورنی رو برو	جو ان مارا سے سیرانی فوہر کہا تو مارا سے ہیرانی فوہر
تار نیم قتل اجد سو جیت سگه کہ در سال کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	

وزیر دربار الامیر و وزیر دربار  
شیرنگه دست چیت سگه و دینا سگه  
ندانہ الیہ حق سگه  
تک مصاحبت شیر سون اران نہ مارا الیہ بود  
دیر آہ آقا فیض و از دست راجہ ہوا سگه  
بن دیمان سگه قتل سید و سکا قتل نوراز  
رسن دربار انداختہ بختش کی نہ مارا بود  
در کجہ و دینا کز شیرنگه

۹  
تک ہون قتل شیرنگه دیمان سگه  
دست اجد ہوا سگه گشتہ ۱۲

تک از غلای اداری و دیار الامور و دی باغات  
در مطب بود و در علم و ہنر ثانی نہ ہشت حق  
تک در بین بود سکا فیض و زودہ ۱۲  
سحابت بود و دیگرہ بوب درباری راوی  
نہ نہ ۱۲



در تاریخ ۱۹۰۱  
 در تاریخ ۱۹۰۲  
 در تاریخ ۱۹۰۳  
 در تاریخ ۱۹۰۴  
 در تاریخ ۱۹۰۵  
 در تاریخ ۱۹۰۶  
 در تاریخ ۱۹۰۷  
 در تاریخ ۱۹۰۸  
 در تاریخ ۱۹۰۹  
 در تاریخ ۱۹۱۰  
 در تاریخ ۱۹۱۱  
 در تاریخ ۱۹۱۲  
 در تاریخ ۱۹۱۳  
 در تاریخ ۱۹۱۴  
 در تاریخ ۱۹۱۵  
 در تاریخ ۱۹۱۶  
 در تاریخ ۱۹۱۷  
 در تاریخ ۱۹۱۸  
 در تاریخ ۱۹۱۹  
 در تاریخ ۱۹۲۰  
 در تاریخ ۱۹۲۱  
 در تاریخ ۱۹۲۲  
 در تاریخ ۱۹۲۳  
 در تاریخ ۱۹۲۴  
 در تاریخ ۱۹۲۵  
 در تاریخ ۱۹۲۶  
 در تاریخ ۱۹۲۷  
 در تاریخ ۱۹۲۸  
 در تاریخ ۱۹۲۹  
 در تاریخ ۱۹۳۰  
 در تاریخ ۱۹۳۱  
 در تاریخ ۱۹۳۲  
 در تاریخ ۱۹۳۳  
 در تاریخ ۱۹۳۴  
 در تاریخ ۱۹۳۵  
 در تاریخ ۱۹۳۶  
 در تاریخ ۱۹۳۷  
 در تاریخ ۱۹۳۸  
 در تاریخ ۱۹۳۹  
 در تاریخ ۱۹۴۰  
 در تاریخ ۱۹۴۱  
 در تاریخ ۱۹۴۲  
 در تاریخ ۱۹۴۳  
 در تاریخ ۱۹۴۴  
 در تاریخ ۱۹۴۵  
 در تاریخ ۱۹۴۶  
 در تاریخ ۱۹۴۷  
 در تاریخ ۱۹۴۸  
 در تاریخ ۱۹۴۹  
 در تاریخ ۱۹۵۰  
 در تاریخ ۱۹۵۱  
 در تاریخ ۱۹۵۲  
 در تاریخ ۱۹۵۳  
 در تاریخ ۱۹۵۴  
 در تاریخ ۱۹۵۵  
 در تاریخ ۱۹۵۶  
 در تاریخ ۱۹۵۷  
 در تاریخ ۱۹۵۸  
 در تاریخ ۱۹۵۹  
 در تاریخ ۱۹۶۰  
 در تاریخ ۱۹۶۱  
 در تاریخ ۱۹۶۲  
 در تاریخ ۱۹۶۳  
 در تاریخ ۱۹۶۴  
 در تاریخ ۱۹۶۵  
 در تاریخ ۱۹۶۶  
 در تاریخ ۱۹۶۷  
 در تاریخ ۱۹۶۸  
 در تاریخ ۱۹۶۹  
 در تاریخ ۱۹۷۰  
 در تاریخ ۱۹۷۱  
 در تاریخ ۱۹۷۲  
 در تاریخ ۱۹۷۳  
 در تاریخ ۱۹۷۴  
 در تاریخ ۱۹۷۵  
 در تاریخ ۱۹۷۶  
 در تاریخ ۱۹۷۷  
 در تاریخ ۱۹۷۸  
 در تاریخ ۱۹۷۹  
 در تاریخ ۱۹۸۰  
 در تاریخ ۱۹۸۱  
 در تاریخ ۱۹۸۲  
 در تاریخ ۱۹۸۳  
 در تاریخ ۱۹۸۴  
 در تاریخ ۱۹۸۵  
 در تاریخ ۱۹۸۶  
 در تاریخ ۱۹۸۷  
 در تاریخ ۱۹۸۸  
 در تاریخ ۱۹۸۹  
 در تاریخ ۱۹۹۰  
 در تاریخ ۱۹۹۱  
 در تاریخ ۱۹۹۲  
 در تاریخ ۱۹۹۳  
 در تاریخ ۱۹۹۴  
 در تاریخ ۱۹۹۵  
 در تاریخ ۱۹۹۶  
 در تاریخ ۱۹۹۷  
 در تاریخ ۱۹۹۸  
 در تاریخ ۱۹۹۹  
 در تاریخ ۲۰۰۰  
 در تاریخ ۲۰۰۱  
 در تاریخ ۲۰۰۲  
 در تاریخ ۲۰۰۳  
 در تاریخ ۲۰۰۴  
 در تاریخ ۲۰۰۵  
 در تاریخ ۲۰۰۶  
 در تاریخ ۲۰۰۷  
 در تاریخ ۲۰۰۸  
 در تاریخ ۲۰۰۹  
 در تاریخ ۲۰۱۰  
 در تاریخ ۲۰۱۱  
 در تاریخ ۲۰۱۲  
 در تاریخ ۲۰۱۳  
 در تاریخ ۲۰۱۴  
 در تاریخ ۲۰۱۵  
 در تاریخ ۲۰۱۶  
 در تاریخ ۲۰۱۷  
 در تاریخ ۲۰۱۸  
 در تاریخ ۲۰۱۹  
 در تاریخ ۲۰۲۰  
 در تاریخ ۲۰۲۱  
 در تاریخ ۲۰۲۲  
 در تاریخ ۲۰۲۳  
 در تاریخ ۲۰۲۴  
 در تاریخ ۲۰۲۵  
 در تاریخ ۲۰۲۶  
 در تاریخ ۲۰۲۷  
 در تاریخ ۲۰۲۸  
 در تاریخ ۲۰۲۹  
 در تاریخ ۲۰۳۰

دو بهار و سوخت سنگه افسوس	آسکے بالائی کہیت قتل ہوا
بہار نیم بولاسر و راکے	بے بہار و سوخت قتل ہوا
تاریخ قتل سردار جواہر سنگہ کہ در سال کبیر اردو و صحت و دو دو قوم	
پا پاخو و سر جگہ کہ جو اہر سنگہ فی	فوج میں بہو جگہ کہ اہر سنگہ تو گھر
ہار جٹ الاکیا آخر تو سرور و سر حال	بولا اہل فوج جی والا جواہر تو گھر
تاریخ وفات میان محمد بخش صحاف لاہوری کہ در سال کبیر اردو و صحت	
محمد بخش از فضل آسے	چو در زم محمد مافتہ بار
نزدول تاریخ سال ارتحالش	نزد اہل محمد بخش دیندار
تاریخ ماضی شہر سنگہ و خیر سنگہ مفداں کہ در سال کبیر اردو و صحت و دو دو قوم	
جب آکر خیر سنگہ اور شہر سنگہ	وہ دو دو گنگار حاضر ہوئی
و میں سو نیم سرور نے تاریخ سال	بہر لکھی کہ لاچار حاضر ہوئے
تاریخ جلا وطنی مہاراجہ دلیپ سنگہ کہ در سال کبیر اردو و صحت و دو دو قوم	
چون شہر پنجاب از پنجابیت	چشمہ سان چشم مرد مآفت
عالمی در چشم مرد مآفت	چون ز چشم آن غیرت مآفت
جلہ گل در بحر او خور و نگل	بلکہ از رنگس خار خوابت
بلبلان در فرقتش نعرہ زدند	چون زبناں صحبت اجابیت
گفت سرور از سرور دین سخن	نوسکے از گلشن پنجابیت
تھہ نامے	
در تاریخ جلا وطنی مہاراجہ دلیپ سنگہ صف بق سمت ۱۹	
چون لار و گور نرید میت خوش	در ملک دلیپ سنگہ دان بر و
باجیت و باہر سرور آمد مآفت	از دست قیم تا توان مان بر و
تھہ نامے	
جب تصرف ال انگلش فی تمام	کر لیا پنجاب میں بے خوف ہم
سال تاریخ اوسکا بولاد دل کہ نامی	لوٹ گیا مآحق میں ہو جب قیم

۱۹۹۹

در تاریخ ۱۹۹۹  
 در تاریخ ۲۰۰۰  
 در تاریخ ۲۰۰۱  
 در تاریخ ۲۰۰۲  
 در تاریخ ۲۰۰۳  
 در تاریخ ۲۰۰۴  
 در تاریخ ۲۰۰۵  
 در تاریخ ۲۰۰۶  
 در تاریخ ۲۰۰۷  
 در تاریخ ۲۰۰۸  
 در تاریخ ۲۰۰۹  
 در تاریخ ۲۰۱۰  
 در تاریخ ۲۰۱۱  
 در تاریخ ۲۰۱۲  
 در تاریخ ۲۰۱۳  
 در تاریخ ۲۰۱۴  
 در تاریخ ۲۰۱۵  
 در تاریخ ۲۰۱۶  
 در تاریخ ۲۰۱۷  
 در تاریخ ۲۰۱۸  
 در تاریخ ۲۰۱۹  
 در تاریخ ۲۰۲۰  
 در تاریخ ۲۰۲۱  
 در تاریخ ۲۰۲۲  
 در تاریخ ۲۰۲۳  
 در تاریخ ۲۰۲۴  
 در تاریخ ۲۰۲۵  
 در تاریخ ۲۰۲۶  
 در تاریخ ۲۰۲۷  
 در تاریخ ۲۰۲۸  
 در تاریخ ۲۰۲۹  
 در تاریخ ۲۰۳۰

تاریخ وفات فقیر نور الدین مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و هشت بود	
چون جناب نور الدین نور تقی	بر تو انگشت بر اوج بهشت
همه بخوان تو اگر امت نور دین	شد چراغ دین ببالش جلوه گر
تاریخ وفات راجه دنیا ناتبه که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود	
شد چو از دنیای فانی شاد کام	راجه و دیوان که دنیا ناتبه بود
گفت دل اهل سخاوت بیگم	سال تاریخ و فاش طرفه تر
تاریخ وفات چهار راجه گلک که والی کشمیر که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود	
شده کوه و بیابان صاحب تاج	گلک بن شیر دل الی کشمیر
امین دهر دشمن کش چهارج	چو رفت از دهر تار بخش عیان
تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود	
شد امام روضه حید برین	چون امام دین بقصیل ایندی
حامی شرع امام دین متین	بهشت تاریخ و صالش طرفه تر
تاریخ وفات راجه بیج سنگه که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود	
چو برداشت زینجا قدم بیج سنگه	نهان شد ز روی نظر مثل ماه
ز به ناماب گرم بیج سنگه	بتاریخ تحویل او گفت دل
تاریخ وفات نواب علی صانعان مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود	
خدوی حیدری فدای علی	حامی دین علی رضا نواب
یافت جای تقرب جای علی	رفت چون زین جهان به ارباب
اهل دین بنده رضای علی	گفت سرور سال تاریخش
قطعه مانده	
حق به دگار او بنه حامی	حامی دین علی رضا نواب
گفت بر صانع علی مانده	سرور سال تاریخش
تاریخ وفات دیوان امر ناتبه اکبری که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود	
آه دیوان اکابر امر ناتبه	شد چو در دیوان که ملک بقا
بار دیگر مانده شاعر امر ناتبه	رحلت او فاضل علم اکبری

تاریخ وفات فقیر نور الدین مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و هشت بود  
 تاریخ وفات راجه دنیا ناتبه که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات چهار راجه گلک که والی کشمیر که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات راجه بیج سنگه که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات نواب علی صانعان مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات دیوان امر ناتبه اکبری که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود

تاریخ وفات فقیر نور الدین مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و هشت بود  
 تاریخ وفات راجه دنیا ناتبه که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات چهار راجه گلک که والی کشمیر که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات راجه بیج سنگه که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات نواب علی صانعان مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات دیوان امر ناتبه اکبری که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود

تاریخ وفات فقیر نور الدین مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و هشت بود  
 تاریخ وفات راجه دنیا ناتبه که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات چهار راجه گلک که والی کشمیر که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات راجه بیج سنگه که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات نواب علی صانعان مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات دیوان امر ناتبه اکبری که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود

تاریخ وفات فقیر نور الدین مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و هشت بود  
 تاریخ وفات راجه دنیا ناتبه که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات چهار راجه گلک که والی کشمیر که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات راجه بیج سنگه که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات نواب علی صانعان مرحوم که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود  
 تاریخ وفات دیوان امر ناتبه اکبری که در سال کنیزار و دوصد و هشتاد و چهار بود

تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود  
 تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود  
 تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود

تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود	تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود
چون غلامی از غلامان رسول	گشت در خطه برین سینه نشین
مصرع تاریخ سرور و زرقم	صاحب دین مفتی شرم حسین
تاریخ وفات مفتی حافظ غلام احمد لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود	تاریخ وفات مفتی حافظ غلام احمد لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود
چونکه پسر جهان محمد برین	تیز اند حافظ کلام الله
و این صفت خود از دست	خوش فشان حافظ کلام الله
وقت رحلت بیا و خویش آورد	آنچه خواند حافظ کلام الله
نقش بر افراق بر دلها	نشان حافظ کلام الله
سال تاریخ رحلتش سرور	گو نامد حافظ کلام الله
قطعه مانده	
چون غلام احمد آن مرد خدا	جان سپرد آخر بنام احمد
وقت رحلت یافت از فضل لم	باد و الفت ز جام احمد
عام شد ز انعام حق بر ذات او	فضل نیردان لطف عالم احمدی
سرور تاریخ سال رحلتش	گو محب حق غلام احمدی
تاریخ وفات مولوی غلام رسول ساکن قلعہ میان سنگه که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود	تاریخ وفات مولوی غلام رسول ساکن قلعہ میان سنگه که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود
چون غلام حضرت خیر الرسل	کرد و رحلت ازین دنیا زمل
ماند جیش همجو گنجینه شاک	روح شد با وصل نیردانی و مول
رفت از دلها قرآرا ز رفتش	ماند بجان در بدن جان مول
کرد آن فیاض رحلت ای مرغ	آه رفت آن فیاض اسل قول
مصرع تاریخ او سرور نوشت	بنده مملوک مشتاق رسول
تاریخ وفات شیم غریز الدین مہتمم مطمع و کتور بار پسر لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود	تاریخ وفات شیم غریز الدین مہتمم مطمع و کتور بار پسر لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود
غریز دین ز دنیا رخ پویشید	ز چشم اہل دین جان فیاضوس
کل از باغ زمانہ روی بہفت	سہی سر و از گلستان رفت افسوس
جوان سنجی بھر نو جو اسنے	ز دنیا مثل پیران رفت افسوس
مسکان کرد از مسکان در لامکانی	لکین از دار امکان رفت افسوس

تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود  
 تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود  
 تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود

تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود  
 تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود  
 تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود

تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود  
 تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود  
 تاریخ وفات حضرت غلام رسول لاهوری که در سال کبیر و د و صد و شصت و هفت بود





تاریخ وفات سیاه غلام علی آرزو که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد	
غلام علی چون بعد آرزو	فد اگر جهان را بنام می
تاریخ وصال آن سیر دین	ذکر گفت و احد غلام علی
تاریخ وفات میر حسین که بهی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد	
گشت ز دنیا چو بقیه روان	میر جهان عاشق نام حسین
سال وصالش چو بخت نزل	گفت که بود غلام حسن
تاریخ وفات خواجہ میر درد و دهلوی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد	
خواجہ با در و میر اهل دین	شد چو از دنیا بخت بی نیا
گفت تاریخ وصال او خرد	عاشق در و بخت بی نیا
تاریخ وفات رفیع السود الکهنوی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد	
انکه سودا رفیع نامش بود	مثل او در زمانه نایاب است
رفت چون از جهان تبار بخش	گفت سر و چرخ احیات
تاریخ وفات نظیر اکبر آبادی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد	
شاعر بی نظیر و سر نظیر	جست چون از جهان بخت راه
و آن بی نظیر کوسالش	هم بخوان بی نظیر و الا جاه
تاریخ وفات حکیم انشا و الله خان که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد	
حضرت انشا چو با حکم خدا	یافت از دنیا بخت اتصال
از خرد آمد عیان تاریخ او	غزل شعری میهنی با کمال
تاریخ وفات سیر تقی شاعر که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد	
چونکه میر تقی بعد اعزاز	کرد و حلت ز دار رخ و سخن
عقل تاریخ ارشاد او	گفت میر بزرگ اهل سخن
تاریخ سیر از چین قتل که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد	
از قاسوی بقا حلت نمود	چون قتل آن مرد و کتبی من
گشت سال انتقالش جلوه گر	صاحب کل در وقت اهل سخن
تاریخ وفات میر آتش مهنی که در سال یک هزار و دویست و صد و پنجاه و سه بود و قلم آمد	

تاریخ وفات میر حسین که بهی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 گشت ز دنیا چو بقیه روان  
 سال وصالش چو بخت نزل  
 گفت که بود غلام حسن  
 تاریخ وفات خواجہ میر درد و دهلوی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 خواجہ با در و میر اهل دین  
 شد چو از دنیا بخت بی نیا  
 عاشق در و بخت بی نیا  
 تاریخ وفات رفیع السود الکهنوی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 انکه سودا رفیع نامش بود  
 مثل او در زمانه نایاب است  
 رفت چون از جهان تبار بخش  
 گفت سر و چرخ احیات  
 تاریخ وفات نظیر اکبر آبادی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 شاعر بی نظیر و سر نظیر  
 جست چون از جهان بخت راه  
 هم بخوان بی نظیر و الا جاه  
 تاریخ وفات حکیم انشا و الله خان که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 حضرت انشا چو با حکم خدا  
 یافت از دنیا بخت اتصال  
 غزل شعری میهنی با کمال  
 تاریخ وفات سیر تقی شاعر که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 چونکه میر تقی بعد اعزاز  
 کرد و حلت ز دار رخ و سخن  
 عقل تاریخ ارشاد او  
 گفت میر بزرگ اهل سخن  
 تاریخ سیر از چین قتل که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 از قاسوی بقا حلت نمود  
 چون قتل آن مرد و کتبی من  
 صاحب کل در وقت اهل سخن  
 تاریخ وفات میر آتش مهنی که در سال یک هزار و دویست و صد و پنجاه و سه بود و قلم آمد

تاریخ وفات میر آتش مهنی که در سال یک هزار و دویست و صد و پنجاه و سه بود و قلم آمد  
 گشت سال انتقالش جلوه گر  
 تاریخ سیر از چین قتل که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 از قاسوی بقا حلت نمود  
 چون قتل آن مرد و کتبی من  
 صاحب کل در وقت اهل سخن  
 تاریخ وفات سیر تقی شاعر که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 چونکه میر تقی بعد اعزاز  
 کرد و حلت ز دار رخ و سخن  
 عقل تاریخ ارشاد او  
 گفت میر بزرگ اهل سخن  
 تاریخ وفات حکیم انشا و الله خان که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 حضرت انشا چو با حکم خدا  
 یافت از دنیا بخت اتصال  
 غزل شعری میهنی با کمال  
 تاریخ وفات نظیر اکبر آبادی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 شاعر بی نظیر و سر نظیر  
 جست چون از جهان بخت راه  
 هم بخوان بی نظیر و الا جاه  
 تاریخ وفات رفیع السود الکهنوی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 انکه سودا رفیع نامش بود  
 مثل او در زمانه نایاب است  
 رفت چون از جهان تبار بخش  
 گفت سر و چرخ احیات  
 تاریخ وفات میر حسین که بهی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 گشت ز دنیا چو بقیه روان  
 سال وصالش چو بخت نزل  
 گفت که بود غلام حسن  
 تاریخ وفات خواجہ میر درد و دهلوی که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد  
 خواجہ با در و میر اهل دین  
 شد چو از دنیا بخت بی نیا  
 عاشق در و بخت بی نیا  
 تاریخ وفات سیاه غلام علی آرزو که در سال یک هزار و دویست و صد و هفتم آمد



فلک  
مبارک و جلاله  
چنانچه در حدیث آمده است  
و قد روان اهل بیرون را  
چونانی که گفتند ۱۲

۲۱

فرین بجز غم شد خلق چون گشت همه بے سر سران دهر ماندند بچرخ آمد ز داغ غم دل جرخ شد از زخم غم آن جان عالم دل بلبل ز داغ بجز گل خورد فغان ز دهر و راز آه	چنین پاکینه گوهر گشته افوس چو از سر گشت افسر گشته افوس چو شد آن ماه بیک گشته افوس چنان بی تیغ و خنجر گشته افوس نکجه بین شد کل تر گشته افوس کر شد تاجی گوار گشته افوس
تاریخ وفات مهاراجه مندرنگه بهادر والی پشاکره در سال ۱۲۳۵ هجری قمری مندرنگه کرد از دیر حیات بسال رحلتش سه روزند اگر د	دلا در جنگ مرد پهلوان مرد کرستم دل مهاراجه جوان مرد
انصاف مطالبی شده است	
افسوس که در موقع ایام جوگ تاریخ جوان مرگه آن والی کلیم	از ملک جهان والی پشاکره دوان دل گفت مهاراجه فیاض جوان
تاریخ وفات رئیس نامدار دیوان کرپارام صاحب وزیر سرکار مهاراجه محبوب کشمیر ترتیب دیوان عالم دفتر دیوانیان آن امیر ابن امیر و آن وزیر ابن وزیر صاحب دولت جهان طالع علو المصلحت ور اطاعت خاکبوسش سروان زمین و فقه پوشید از عالم رخ پر نور خورشید مثل دریا دل بجوش تا نشاید بجوش چار سوسنگانه خود گرم در بنجاب کرد سینه چاک انداز بریشانی چو زلف تابدا سر و خنجرین صبر حیرت بی تاریخ سالی	یعنی کرپارام دیوان صاحب نام فدا صاحب تدبیر عالم گیر و عالی خاندان اهل علم و اهل مصلحت و افسر دانشوران خیم پیش آستانش گردن گردن کشان همچو مردم شد نهان اینچشم مردم ناگهان دیدند با چون ابر که هر بار شد گوهرین ناله و زاری و آه و شور و فربا و دو فغان در زمانه نیک و بد پیر و جوان خرد و کلان گفت کرپارام دیوان و فضا فضا از زبان ۱۲۳۵ هجری قمری
تاریخ وفات محمد سلطان خان رئیس اعظم لاهور	رفت از ملک جهان آخر باقیم جهان
آه مه افسوس کان سلطان الانه لست	

<p>چشمه فیض از زمین مسدود شد و احسن گشت پنهان صورت کجینده شمس در زمین و عیش پیر و جوان یک خشم بر پا شدند مست باقی نوکر خیرش در گروه اهل خیر به سال حشرش سرور زکاک اشکبار</p>	<p>آه شد بے آب از پنجاب ریای روان جان پاکش کرد پیر و از ارکان بر لاسکان نوحه ماکر و نذر تمش خرد و کلان ماند نام نمایش مذکور در نام آوران شیر عیان پیش محمد رفت سلطان جهان</p>
<p>چو سلطان اقلیم و انشوری رقم کرد سرور تبار رخ سال</p>	<p>پیش کو نصالی بفرود بس رفت که سلطان غالی بفرود پس رفت</p>
<p>چو در بند آن دلی عبده کشور گشت عیان بر اوج نیکو اختر شمس بخت چنان بران زلزلدن دبا بنده هوا عجب از خطه انگلند شد بحر عطا کار امیر نی تاجدار می شهسوار می بخت بدار شه عالم نیامی کج کلاست عرش کار زفت از فیض آن سر خیمه جود و کریم بگوش هر که رفت از مقدم این شاه نثار در جهان این گنج بخش فیض برود گذراند بستان خویش کرد و احسن کار پس اهل غم سرتا باشد مقدمش درخت نذر آمد زلف سحر سال مقدمش درخت</p>	<p>تاریخ تشریف داری شهزاده ولیعهد پریش آف و یزید در در اقلیم که در سال یکین از دستبرد و متفاد و شش بر تو آمد بگوش مردم از هر سو صدای میجا برون از مطلق غر و شرف بدو آمد که در یکیت دم بر باد بای باد آمد عجب از سر زمین لند نیلی بر خفا آمد جوانی سلوانی مهر بانی مه لقا آمد سجده اند که در لاهور از فضل خدا آمد که در دیار و دیار بارش که ای میوا آمد ز سر پا کرد و در خدمت بصدق و حیا که اگر گنجینه اش صد گنج گوهر رفت با آمد کمین غانه اقبال در دولت سرا آمد ز دیدار شفا بخشه ببارفت و آید زلزلدن تاجدار دولت و کشور با آمد</p>
<p>یافت تاج اقدار و افتخار اقلیم از دل سرور بی تاریخ سال این</p>	<p>تاریخ اخذ خطایست منتاسی هندستان حضرت ملکه معظمه و کشور با که در سال ۱۸۶۹ چون شد انگلندشیا منشا عالمیگاه شدند او کشور پرور هند شاهنشاه</p>

دل شهزاده عالم و مالان پر نس آفت و یز  
بهاوردی عهد تخت اقلیم است

۳۱۹

درین سال پارسه بر دست و پندش  
در دیار و دیار

دل که منکرین کشور با دانش  
دختر درین سال طلاق خطاب شد  
مندان بخود کرد

<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵ مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>	<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵ مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>	<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵ مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>
<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>	<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>	<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>
<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>	<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>	<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>
<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>	<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>	<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>
<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>	<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>	<p>مجله علمی و ادبی تأسیس ۱۳۰۵</p>



دوسری بار جب ہونے لگی  
تاریخی نئی تاریخ  
پیش اس سے تمام نہیں  
ایسی اگر کوئی نہ تھی تاریخ  
کین مذکورہ سب مشعل کا  
کین شاہوں کی ہر ایک تاریخ  
کیسی نادر ہوئی یہ تصنیف  
کیا عجیب تاریخی نادر ہے

نمبر ۳۳۰  
تاریخ

اس میں لکھا ہے کہ کسی کا حال  
بانی کسی نہیں کوئی تاریخ  
کسی مطبوعہ طبع عالم ہے  
سوروش کلام کسی تاریخ  
قد جان دیکھ سول تاریخ  
جلو سہا ہی گائی تاریخ  
گو ظاہر ہے مختصر نسخہ  
بہت باطن میں بڑی تاریخ  
کتاب تاریخ و جغرافیہ  
کتاب تاریخ و جغرافیہ















